



مکتب انتقال اسلام

محتوای کمک آموزشی تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

سال دوم، شماره هفتم

● حدیث ولایت / ضرورت توجه به مدقه

و تربیت فرزند صالح

● مهدویت و شبهات پیرامون آن

● تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و

شبهات پیرامون آن

● اصول معاشرت حسنه در روابط اجتماعی

● اصول و مؤلفه‌های معاشرت حسنه در سازمان

● آسیب؛ الگوی آزادی و فریادگر مظلومان

● آدینه؛ آموزش ترجمهٔ سورهٔ جمعه

● روش‌های تربیت دینی در خانواده

● راهکارهای حل اختلاف و چالش‌های درون

خانواده

● قاعدهٔ فقهی وجوب حفظ نظام

● احکام اداری- نظامی

● تحولات سوریه؛ روندها و چشم‌اندازها

● مسیح‌گردستان؛ سبک زندگی مجاهدانهٔ شهید

محمد بروجردی

● سبک زندگی مجاهدانهٔ شهید علی چیتسازیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مکتب انقلا ب اسلامي

محتواي کمک آموزشي تربيت و آموزش عقيدتي سياسي
نمايندگي ولي فقيه در سپاه

سال دوم، شماره هفتم، بهار ۱۴۰۴

مکتب انقلا ب اسلامي



مکتب انقلاب اسلامی

محتوای کمک آموزشی تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نماینده ولی فقیه در سپاه
سال دوم، شماره هفتم

تهیه‌کننده: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نماینده ولی فقیه در سپاه

تدوین و تولید محتوا: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

نویسندگان: علیرضا صداقت، سیدرضی سیدزاد، علی کارشناس، محسن

مروتی، بهنام رشیدی‌زاده، علی حسن‌خانی

ناظر علمی: ابوالقاسم بخشیان

ناظر نهایی: مهدی عزیزان

ناظر سازمانی: روح‌الله غلامی

واپایش نهایی: عبدالرحمن حیاتی‌اصل

ناشر: چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

نشر الکترونیکی: اپلیکیشن

صفحه‌آرا: روح‌الله جلالی

طراح جلد: محمد عرب احمدی

ناظر چاپ: میلاد شمس‌آبادی و محسن مصباح‌فر

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، بزرگراه شهید باسنی، ستاد فرماندهی کل سپاه،

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن: ۳۵۲۳۳۵۱۸ - ۳۵۲۳۳۵۱۶ - ۰۲۱

فهرست مطالب

سخنی با خوانندگان گرامی/ ۷

حدیث ولایت/ ۹

ضرورت توجه به صدقه و تربیت فرزند صالح/ ۱۱

نسیم خرد/ ۱۳

مهدویت و شبهات پیرامون آن/ ۱۵

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و شبهات پیرامون آن (۱)/ ۲۳

قلب سلیم/ ۳۳

اصول معاشرت حسنه در روابط اجتماعی/ ۳۵

اصول و مؤلفه‌های معاشرت حسنه در سازمان/ ۴۷

ترنم وحی/ ۵۹

آسیه الگوی آزادی و فریاد گر مظلومان (داستان حضرت موسی علیه السلام)/ ۶۱

ترجمان نور/ ۶۷

آدینه آموزش ترجمه سورة جمعه/ ۶۹

سبک زندگی اسلامی/ ۷۵

روش‌های تربیت دینی در خانواده/ ۷۷

راهکارهای حل اختلافات و چالش‌ها در درون خانواده/ ۹۵

زال احکام/ ۱۱۳

قواعد فقهی و وجوب حفظ نظام/ ۱۱۵

احکام اداری نظامی/ ۱۲۵

بصیرت سیاسی/ ۱۴۱

تحولات سوریه؛ روندها و چشم‌اندازها/ ۱۴۳

زندگی مجاهدانه/ ۱۵۱

مسیح کردستان سبک زندگی مجاهدانه شهید محمد بروجردی

فرمانده قرارگاه حمزه سید الشهداء/ ۱۵۳

پرسش‌های مسابقه غیرحضورى/ ۱۶۳

کتابنامه/ ۱۶۸

سخنی با خوانندگان گرامی

از نظر اسلام، فهم عمیق اسلام و معارف حقه آن در همه شئون و ابعادش — اصول اعتقادات اسلامی و جهان بینی اسلامی، اخلاقیات و تربیت اسلامی، اجتماعیات اسلامی، عبادات اسلامی، مقررات مدنی اسلامی و یا آداب خاص اسلامی در زندگی فردی و یا اجتماعی و... — از اهمیت بالایی برخوردار است به طوری که پیشوایان دینی همواره سعی می کردند با روش ها و بیانات مختلف، مردم را نسبت به کسب و ارتقاء بصیرت دینی ترغیب نمایند. مضاعف بر این، یکی از مهم ترین و جدی ترین مطالبات مقام معظم فرماندهی کل قوا (آية الله)، ارتقاء بصیرت دینی آحاد جامعه است. بی شک چنین تأکیدی از ناحیه دین و رهبران دینی، نشانگر نقش اساسی این عنصر در سعادت و کمال انسان و تبع آن تحقق آرمان ها و اهداف نظام اسلامی است.

بی شک، آموزش های غیر حضوری و مجازی می تواند یکی از بهترین، روش ها برای تحقق این هدف (ارتقاء معرفت و بصیرت دینی) مخاطبان باشد؛ چرا که بستر آموزش غیر حضوری، شرایطی را فراهم کرده است تا افراد در نقاط مختلف به معارف و آموزه های دینی در حوزه های مختلف دسترسی آسان داشته باشند.

خصوصاً که شرایط برخی از کارکنان (مانند نیروهای عملیاتی، مرزبانی، مداومت کاری و...) به گونه ای است که کمتر توفیق حضور در جلسات حضوری حین خدمت و یگانی را دارند. براین اساس، معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه بر آن شد برای تقویت توانمندی های معرفتی و بصیرتی کارکنان، تحقق هدف ارزشمند تعلیم و تربیت دینی و انقلابی، تقویت و ارتقای معرفت و ایمان، توانمندسازی و توسعه دانش و بینش کارکنان، ارتقای سطح مطالعه و تشویق به این امر مهم، با استفاده از ظرفیت علمی و محتوایی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، بسته کمک آموزشی مکتوب و الکترونیکی تحت عنوان «مکتب انقلاب اسلامی» را تهیه کند. این عنوان که یادآور خاطرات ماندگار «مکتب انقلاب» سال های دفاع مقدس و رزمندگان و مجاهدان عرصه دفاع حق علیه باطل بوده است با رویکردی جدید، در صدد است معارفی ارزشمند در حوزه های اعتقادی، اخلاقی، قرآنی، سیاسی، فقهی، دفاعی، گفتمان ولایت و... را در اختیار فراگیران برای مطالعه و بهره مندی قرار دهد.

تاکنون شش شماره از این بسته کمک

آموزشی به زیور چاپ آراسته شده است. در این بسته که به عنوان هفتمین شماره تهیه و تدوین می شود با لحاظ رسالت ها و نیازسنجی های انجام شده، موضوعات و محورهای متنوعی مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است از جمله: مسئله «مهدویت» و تشکیل حکومت در زمان غیبت امام زمان علیه السلام و بررسی و پاسخ به برخی از مهم ترین شبهات پیرامون این مسئله، «اصول معاشرت حسنه در روابط اجتماعی» با هدف ارتقاء معرفت و افزایش توانمندی مخاطبان در برقراری ارتباط سازنده با افراد پیرامون خود، تبیین «اصول و مؤلفه های معاشرت حسنه در سازمان» و بیان آثار و برکات کاربردی آن در محیط سازمانی به منظور بهبود فضای کاری و روابط بین همکاران، «ضرورت آزادی و فریادگری مظلومان» با تأکید بر داستان قرآنی آسیه همسر فرعون به منظور الگوگیری از این شخصیت در زندگی فردی و اجتماعی، موضوع سبک زندگی اسلامی با محوریت «راهکارهای حل اختلافات و چالش ها در درون خانواده» با توجه به تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر سلامت روانی و اجتماعی اعضای خانواده و ارتقاء توانمندی مخاطبان در حل این مسئله به منظور استحکام بخشی به پایه های کانون خانواده، «آموزش ترجمه سوره جمعه» با هدف ارتقاء توان فهم و بهره مندی بیش از پیش از معارف

ناب قرآن کریم، «قاعده فقهی و خوب حفظ نظام» و بیان مصادیق و کاربردی های آن در احکام شرعی مبتلا به، بیان «احکام فقهی مبتلا به حوزه اداری - نظامی»، تحلیل و بررسی «تحولات سوریه و روندها و چشم اندازهای آن» با هدف ارتقاء بصیرت سیاسی فراگیران و توانمندسازی آن ها به منظور پاسخ گویی به شبهات در این زمینه و ایفای نقش مؤثر آن ها در جهاد تبیین، «سبک زندگی مجاهدانه شهید محمد بروجردی»، در راستای احیاء یاد و سیره شهدا و انتقال آن به نسل جوان به منظور تأسی و الگوگیری از آن. امید است این تلاش ها مورد رضای حق تعالی قرار گیرد و بتواند گامی مؤثر در جهت ارتقای دانش و بینش مخاطبان بردارد. بی گمان، دیدگاه های اصلاحی خوانندگان و اندیشمندان می تواند راهگشای ما در غنای محتوایی این نشریه و رفع کاستی ها و نواقص آن باشد. از این رو، از همه خوانندگان ارجمند تقاضا داریم نظرات ارزشمند خود را به ایمیل (سراج اندیشه) ارسال کنند تا ان شاء الله در شماره های بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

زمستان ۱۴۰۳

حیث ولایت

مکتبۂ اقبال

ضرورت توجه به صدقه و تربیت فرزند صالح



والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی
سیدنا محمد وآله الطاهین سیمایا بقیة الله فی
الأرضین.

عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ يَتَّبِعُ
الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَةٌ
أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ وَسُنَّةٌ سَنَّهَا
هُدًى فَهِيَ تَعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ وَوَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ
لَهُ.^۱

«لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ
خِصَالٍ»

روایت معروفی است. [امام صادق علیه السلام]
می فرماید: [وقتی که دست ما از این دنیا -
که دار عمل است - کوتاه شد، هیچ اجری
نمی توانیم برای خودمان دست و پا کنیم و
تدارک ببینیم. آنچه انسان می تواند برای
آن طرف مرز حیات و موت فراهم کند، با
عمل در این نشئه است؛ وقتی وارد آن نشئه
شدیم، دیگر دست ما از عمل کوتاه است و

اجری برای خودمان نمی توانیم تهیه کنیم،
مگر از سه ناحیه که این هم البته مربوط
می شود به قبل و به همین نشئه دنیایی؛ لکن
اجری است که جریان دارد. و اجر از این سه
کار، سه خصلت، سه امر، بعد از مرگ به
انسان می رسد.

«صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ.»
اول، صدقه جاریه. یک وقت شما پولی را به
کسی می دهید؛ خب این صدقه است. یک
وقت پولی را مثلاً فرض کنید صرف ایجاد
یک بنیادی، یک نهادی می کنید که پی در پی،
پشت سر هم سود می دهد؛ سود آن متوقف
نیست، منقطع نمی شود؛ این صدقه جاریه
است. فرض کنید کسانی مدرسه می سازند،
کسانی بنیادهای خیریه به وجود می آورند،
مسجد می سازند، و از این قبیل کارهایی که
می کنند، این صدقه جاریه است. هر باری
که کسی از این صدقه استفاده کند و منتفع

ایجاد کند؛ سنت هدایتی که آن را پایه گذاری و
بنا کند که پس از مرگش به آن عمل شود؛ و
فرزند صالحی که برایش استغفار و طلب آمرزش
کند.»

۱. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)،
امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶، ص ۳۵؛ «پس
از مرگ، کسی اجری برای خود تدارک نمی بیند
مگر از سه کار: صدقه جاریه ای که در زندگی اش

بشود، اجری به آن کسی که این را ایجاد کرده است می‌رسد؛ خیلی چیز خوبی است، [اگر] بتوانیم و از دست مان بیایید، کاری بکنیم ماندگار، که بعد از رفتن ما از این نشئه هم به درد ما بخورد.

«وَسَنَّةٌ سَنَّا هُنَّيْ فَهَي تَعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ.»

دوم، سنت هدایتی که آن را پایه‌گذاری کند و بنا بگذارد که این بعد از مرگ او مورد عمل است. [مثلاً] این گفتمان‌سازی‌ها که گفته می‌شود و تأثیر بر روی افکار عمومی در کارهای گوناگون که در اظهارات مسئولین و دیگران و بزرگان تکرار می‌شود، از همین [نوع] است. یا یک کار خوبی را باب کنید در جامعه؛ این سنتی است که هر کسی بعد از شما به آن سنت عمل کند، اجر و ثواب آن به شما به‌صورت نوبه‌نو می‌رسد.

«وَوَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَكَ.»

و سوم، فرزند صالحی تربیت بکنید که بعد از رفتن شما از خدای متعال برای شما طلب مغفرت بکند. بعضی از بچه‌ها هستند که پدرها و مادرها، جان‌شان را، هستی‌شان را، آبروی‌شان را، مال‌شان را صرف این بچه‌ها می‌کنند [اما] بعد از اینکه پدر از دنیا رفت، یک فاتحه هم برای پدر نمی‌خوانند، یک طلب مغفرت هم برای پدر نمی‌کنند، اصلاً یادشان نمی‌آید؛ [اگر] یادشان هم بیاید

قضایا نقل می‌کنند، نه اینکه از خدای متعال برای او طلب مغفرت کنند. آن چیزی که آن بیچاره احتیاج دارد، این است که شما از خدا برای او طلب مغفرت کنید، طلب رحمت بکنید؛ به این احتیاج دارد؛ [نه] اینکه حالا شما بیایی بنشینی مثلاً درباره خصوصیات او، طبق سلیقه خودت — حالا بعضی اوقات که گرایش‌های سیاسی هم دخالت می‌کند — یک چیزهایی بگویی، که روح آن بیچاره هم آنجا معذب می‌شود. اهمیت تربیت فرزند صالح از جمله اینجا معلوم می‌شود که خوب، این همه شما زحمت می‌کشید، این را بزرگ می‌کنید، به سواد و علم و رشد و امکانات و مانند این‌ها می‌رسانید که به درد شما بخورد. مهم‌ترین چیزی هم که ممکن است از فرزند، به درد پدر بخورد، این است که برای او طلب مغفرت کند. حالا این در مورد تربیت فرزند؛ اما شما حضراتی هم که اینجا تشریف دارید — [اعم از] برادران و خواهران — پدرها و مادرهای تان را فراموش نکنید، یعنی یکی از چیزهایی که حتماً مقید باشید، [دعا و طلب مغفرت برای آن‌ها باشد]. یکی از چیزهایی که حضرت در دعای شریف صحیفه سجادیه درباره والدین از خدای متعال طلب می‌کنند، این است که توفیق بده من بعد از هر نمازی آن‌ها را دعا کنم،^۱ یعنی این یکی از توفیقات الهی است.^۲

ضرورت توجه به صدقه و تربیت فرزند صالح،
https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=30427
۱۳۹۴/۲/۲۱، دسترسی در: ۱۳۹۴/۲/۲۱

۱. علی بن الحسین (ع) [امام چهارم]، صحیفه سجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶، دعای بیست و پنجم؛ «... اَللّٰهُمَّ لَا تَذْنِبْنِيْ ذِكْرُكُمْ فَايْ اَدْبَارُ صَلَوَاتِيْ ...»

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در شرح حدیث

نسیم خرد

مکتب انقباض

مهدویت و شبهات پیرامون آن

سلام علی آلِ پیس

آیات را مرتبط با مهدویت دانسته‌اند.
مانند:

(الف) «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي
الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۴)؛ این
گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب
است و در آخرت عذابی بزرگ.»
طبری در تفسیر این آیه نقل
می‌کند: «کافران در دنیا ذلیل خواهند
شد؛ زمانی که مهدی علیه السلام قیام می‌کند
و قسطنطنیه را فتح می‌کند، کافران را
که در برابر حکومت ایشان مقاومت
می‌کنند، به ذلت و خواری
می‌کشاند.»^۱

به اعتقاد حدیث‌شناسان اهل سنت،
شرط صحت یک روایت ذکر آن در
صحیحین نیست.

اندیشه مهدویت و انتظار منجی
اندیشه‌ای بنیادین در اسلام و همه
ادیان آسمانی است، با توجه
حساسیت این موضوع، مهدویت
همواره با شبهات متعددی مواجه بوده
است، در این بخش برخی از این
شبهات را مطرح کرده و پاسخ
می‌دهیم:

۱. مسئله مهدویت در قرآن نیامده است

مفسران شیعه معتقدند بعضی آیات
مربوط به امام مهدی است. اگر این
مسئله درست است، چرا مفسران
اهل سنت آن را در نوشته‌های خود
ذکر نکردند؟

پاسخ: مفسران اهل سنت برخی

۱. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی
تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه،

۲. مهدویت در کتب صحیحین نیست

اگر احادیث مهدویت سند صحیح داشتند، می‌بایست در دو منبع مهم حدیثی اهل سنت؛ یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم، سخنی از آن‌ها به میان می‌آمد.

پاسخ: اولاً، صحیح بخاری و صحیح مسلم، شامل تمام روایات صحیح اهل سنت نیست. حتی حدیث غدیر هم که با ۲۵۰ سند از

ابن ابی حاتم، نیز نقل می‌کند: «مراد از «خزى» در دنیا، اشاره به قیام مهدی علیه السلام و تأسیس حکومت جهانی اسلامی و نابودی همه کافران دارد.»^۱ همین تعبیر را سیوطی، نیز آورده است؛^۲

ب) «وَإِنَّهُ لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (زخرف: ۶۱)؛ و [نزول] عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است [و مبشر حضرت محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود]؛ زنهار در آن

ساعت شک و ریب روا مدارید و [امر] مرا پیروی کنید که راه راست همین است.» مطابق دیدگاه بسیاری از مفسران اهل سنت همچون زمخشری و ابن کثیر، منظور از صراط مستقیم در این آیه شریفه، پیروی از حضرت مهدی علیه السلام است.^۳



۱۲۰ راوی نقل شده و از نظر محدثان اهل سنت متواتر است، در صحیح

۱. محمد ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، کتابخانه نزار مصطفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الاقوال فی وجوه التأویل، تهران، ققنوس، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۶؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه و محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۴۲.

چاپ‌های جدید حذف شد. ابن حجر هیثمی می‌گوید: «روایت "المهدی هو الحق و هو من ولد فاطمه؛ مهدی حق است و او از فرزندان فاطمه است" را مسلم در صحیح نقل کرده است؛ اما این روایت امروزه در آن کتاب وجود ندارد. متقی هندی نیز همین مطلب را نقل کرده است؛^۳ رابعاً، به اعتقاد برخی علمای اهل سنت وجود و ولادت امام عصر علیه السلام، امری مسلم و قطعی است، با این وصف چه جای اشکال که مهدویت در صحیحین نیامده!

به اعتقاد برخی علمای اهل سنت وجود و ولادت امام عصر، امری مسلم و قطعی است.

ابن الصبغ مالکی در الفصول المهمّة می‌نویسد: «ابوالقاسم محمد بن الحسن در نیمه شعبان ۲۵۵ق در شهر «سَرْمَن رَأی» به دنیا آمده.»^۴

۴. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۸م، ص ۲۷۴؛ و نیز می‌نویسد: «ابو محمد، فرزندش حجت قائم منتظر را برای بنیان‌گذاری حکومت حق جانشین خویش ساخت و میلادش را از مردمان مخفی و امرش را پوشیده ساخت؛ چون شرایط زمان و ترس از سلطان و دست‌گیری شیعیان و حبس و

بخاری و صحیح مسلم ذکر نشده است. ابن حجر عسقلانی، به نقل از بخاری می‌گوید: «من همه روایاتی را که در نزد من صحیح بود، در کتابم نیاوردم اما تا کتابم طولانی و زیاد نشود.»^۱ و در جای دیگر به نقل از او می‌گوید: «من صد هزار روایت صحیح را حفظ کرده‌ام»؛^۲ این در حالی است که مجموع روایات صحیح بخاری از هفت هزار روایت کمتر است؛ بنابراین بیش از نود و سه هزار روایت صحیح را بخاری نقل نکرده است. با این وصف انتظار ثبت روایات مهدویت در این دو کتاب نابجاست؛

ثانیاً، به اعتقاد حدیث شناسان اهل سنت، شرط صحت یک روایت ذکر آن در صحیحین نیست؛

ثالثاً، مطابق شواهد، برخی روایات در نسخه‌های قدیمی تر صحیحین وجود داشته؛ اما در

۱. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، تعلیق التعلیق، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۴۲۰.

۲. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الفتح الباری، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۷۹ق، ص ۴۸۸.

۳. ر. ک. علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

گنجی شافعی می گوید:

بیان می کنم که برای هیچ عاقلی جای



«چه امتناعی از زنده بودن مهدی وجود دارد، درحالی که عیسی، الیاس و خضر که از اولیای خدا هستند، هنوز زنده اند و [همچنین] دجال و ابلیس که از دشمنان خدا می باشند، هنوز زنده اند؟! چه شده است که بر زنده بودن آن ها اتفاق نظر دارند، اما زنده بودن مهدی را منکرند؟! من به گونه ای زنده بودن هریک از آنان را

انکار زنده بودن مهدی باقی نماند.»^۱

۳. آیه «بقية الله خير لكم» سخن شعیب است؛ نه درباره امام زمان

شیعه ادعا دارد آیه «بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود: ۸۶) درباره امام زمان علیه السلام است؛ درحالی که این آیه سخن حضرت شعیب علیه السلام به قوم

زجر آنان، چنین اقتضا می کرد» (همان، ص ۲۷۳).

۱. محمد بن یوسف گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تهران، دار احیاء التراث، ۱۳۶۲، ص ۵۲۱؛ صد نفر از بزرگان اهل سنت قائل به ولادت امام مهدی علیه السلام هستند که نام برخی آنان عبارت اند از: مولی حسین کاشفی در روضه الأحباب؛ ابن خلکان در تاریخ؛ حافظ بیهقی شافعی در شعب الإیمان؛ سیداحمد زینی دحلان در الفتوحات

الإسلامیه؛ ابن حجر در الصواعق المحرقة؛ ابن اثیر در الکامل فی التاریخ؛ یاقوت حموی در معجم البلدان؛ شبزوری در الاتحاف بحب الأشراف؛ حمزوی در مشارق الأنوار؛ ذهبی در دول الإسلام؛ یافعی در مرآة الجنان؛ شیخ عبدالوهاب در کشف الغمّه؛ ابن سعد در الطبقات الکبری؛ شمس الدین قاضی مالکی در تاریخ الخمیس؛ علامه ابن الصبان در اسعاف الراغبین، (ر.ک. احمد بن محمد ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، نجف، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۸ق، ص ۲۰۸).

که از تجارت به دست می آید، تفسیر کردند؛ اما از آنجا که واژه «بقیة الله»

اگر آیاتی در مورد شخص یا گروهی نازل شده باشد یا گزارشگر ماجرای در گذشته باشد، برای همه زمان ها و دیگر اشخاص نیز قابلیت استفاده و انطباق دارد.

عام است، مصادیق متعددی داشته و می تواند شامل هر نعمتی بشود که خداوند برای مردمان باقی گذاشته است، و با توجه به اینکه امامت نیز نعمت بزرگ خداوند برای هدایت بشریت است، از مصادیق این آیه به شمار می آید؛^۲

ثانیاً، همانند شیعه،^۳ برخی علمای اهل سنت نیز این روایت را نقل کرده اند که امام زمان (عج) هنگام ظهور، خود را «بقیة الله» معرفی می کند و دیگران نیز به آن حضرت «بقیة الله» می گویند:

«عن أبي جعفر عليه السلام أيضا قال: ... فَإِذَا خَرَجَ أَشْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكُعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةِ

خویش است که کم فروشی می کردند.

پاسخ: اولاً، قرآن کریم کتاب هدایت برای تمام بشر در طول تاریخ است؛ اگر آیاتی در مورد شخص یا گروهی نازل شده باشد یا گزارشگر ماجرای در گذشته باشد، برای همه زمان ها و دیگر اشخاص نیز قابل استفاده و انطباق است. اگر این گونه نباشد، ذکر آن ماجرا برای درس گرفتن دیگران و هدایت آن ها بی معنا است. در روایات آمده است که قرآن ظاهر و باطنی دارد؛ ظاهر آن مربوط به کسانی است که آیه درباره آن ها نازل شده است و باطن آن مربوط به کسانی است که در آن زمان نبوده اند و بعداً می آیند؛ اما رفتار و کردار همان ها را تکرار می کنند.^۱

گرچه این آیه ماجرای خاص بوده و درباره سخن حضرت شعیب (ع) خطاب به قومش نازل شده است و مفسرین هم آن را به درآمد و سودی

۱. عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَهْنِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ ظَهْرِ الْقُرْآنِ وَ بَطْنِهِ فَقَالَ: ظَهْرُهُ الَّذِي نَزَلَ فِيهِمُ الْقُرْآنُ وَ بَطْنُهُ الَّذِينَ عَمِلُوا بِأَعْمَالِهِمْ يَجْرِي فِيهِمْ مَا نَزَلَ فِي أَوْلِيكَ (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۸۳).

۲. ر.ک. محسن قرائتی، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش، ج ۴، ص ۱۰۷.
۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۳۱.

زمان ﷺ نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه تطبیق مفهوم بر مهم ترین مصداق آن است.

وَتَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ



۴. حجت بودن امام زمان ﷺ با آیات قرآن متناقض است

حجت بودن امام زمان ﷺ مخالف این آیه است که می فرماید: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ... (نساء: ۱۶۵)؛ پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا پس از این پیامبران، حجتی برای مردم نباشد؛ در آیه پیامبران آخرین حجت خداوند معرفی شدند، بنابراین، معنا ندارد پس از پیامبران، امام زمان ﷺ بر مردم حجت باشد. پاسخ: اولاً، معنای حجت در این آیه با حجت بودن امام زمان ﷺ

عَلَيْكُمْ فَلَا يَسْلَمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ...^۱ از ابوجعفر (امام باقر ﷺ) روایت شده است که فرمود: وقتی مهدی ظهور کند، به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده نفر همراه وی جمع می شوند. پس اولین چیزی که می گوید این آیه است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، سپس می گوید: ای مردم! من بقیة الله در زمین و خلیفه خداوند و حجت او بر شمایم. پس هرکس به وی سلام کند، می گوید: سلام بر تو ای بقیة الله...»
بنابراین تطبیق آیه بقیة الله بر امام



خود ندارند. این معنا کجا و اینکه خدا پس از پیامبران، کسی را روی زمین به عنوان حجت نمی فرستد کجا؟!:

ثانیاً، اینکه خداوند پس از پیامبران، هیچ حجتی روی زمین نخواهد داشت، مخالف نظر اهل سنت است؛ بر اساس روایات اهل سنت، امیر مؤمنان علیه السلام حجت خداوند بر بندگان بود. از انس بن مالک روایت

متفاوت است، آیه می‌رساند که اگر خداوند برای هدایت مردم پیامبران را نمی فرستاد و روز قیامت به آنان می گفت چرا گمراه شدید، مردم می توانستند در برابر پروردگار دلیل یا حجت^۱ بیاورند و بگویند ما بی گناهییم؛ چون کسی نیامد که راه راست را به ما نشان دهد. وقتی خداوند متعال پیامبران را فرستاد، مردم دلیل یا حجتی برای گمراهی

الْخَصْمُ؛ حجت آن چیزی است که خصم به سبب آن مغلوب می‌شود» (ابوالحسن مرسى ابن سید، المحکم والمخیط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۴۸۲). پس معنای آیه این است که خداوند رسولانش را فرستاد تا حجت را بر مردم تمام کند؛ به گونه‌ای که اگر مردم گمراه شدند، حجتی علیه خداوند نداشته باشند.

۱. در کتاب‌های لغت، «الحجة» را به معنای دلیل و برهان گرفته‌اند که به واسطه آن می‌توان بر خصم غلبه یافت؛ چنان‌که فیومی از لغت‌شناسان سرشناس می‌نویسد: «الْحُجَّةُ، الدلیل والبرهان والجمع حُجَجٌ؛ حجت یعنی دلیل و برهان و جمع آن حجج است» (احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۱) و ابن سید می‌نویسد: «والْحُجَّةُ؛ ما دفع به

شده که می‌گوید: رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب ﷺ نگاه کرد و فرمود: «من و این شخص، حجت خدا بر خلق خدا هستیم.»^۱ همچنین اهل سنت، صحابه را حجت خدا بر خلق می‌دانند. مروزی پس از نقل آیه «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَيَّاعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ...» (فتح: ۱۸) که درباره صحابه است، می‌گوید: «صحابه پیامبر ﷺ پس از پیامبر ﷺ حجت خدا بر بندگانش بودند»؛^۲

ثالثاً، احادیثی مثل حدیث ثقلین،^۳ حدیث غدیر^۴ که متواتر و نزد همه مسلمانان پذیرفته شده است، اگرچه واژه حجت در آن نیامده ولی به روشنی حجیت قرآن و اهل بیت ﷺ را بعد از رسول

گرامی اسلام ﷺ اثبات می‌کند و راه را بر هرگونه شک و شبهه در بحث وجود حجت بعد پیامبر اکرم ﷺ، مسدود می‌نماید.



۴. «لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَ نَزَلَ بِغَدِيرِ خُمٍ ثُمَّ أَمَرَ بِدُوحَاتٍ فَمِمْنَ فَقَالَ: كَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فَأَجَبْتُ، إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي فَأَنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ، ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - مَوْلَايَ وَ أَنَا مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...» (محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۱۸).

۱. علی بن حسن ابن عساکر الدمشقی، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۵م، ج ۳۰، ص ۳۸۲ و ج ۴۲، ص ۳۰۹.
۲. محمد بن نصر مروزی، السنة، بیروت، مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۵.
۳. «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، الثَّقَلَيْنِ، وَأَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ عَثَرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا، حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ" (احمد بن محمد ابن حنبل، مسند، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق، ج ۱۸، ص ۱۱۴).

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و شبهات پیرامون آن (۱)

مسلمین نهی کرده است نه از جنگ با دشمنان اسلام.

تشکیل حکومت اسلامی مستند به روایات متقن و صحیح السند است.

در مورد روایات تشکیل حکومت اسلامی نیز وضع به همین صورت است. تشکیل حکومت اسلامی مستند به روایات متقن و صحیح السند است؛ اما روایاتی که تشکیل حکومت در زمان غیبت را نهی کرده‌اند نیز قابل توجه هستند و همین تعارض روایات شبهه امتناع از تشکیل حکومت در زمان غیبت را ایجاد کرده است. برای حل این مشکل ابتدا نمونه‌هایی از روایات موافق و مخالف تشکیل حکومت را بیان کرده و سپس به حل مشکل تعارض روایات خواهیم پرداخت.

۱. روایات موافق تشکیل حکومت در زمان غیبت

نمونه ۱: در دوران غیبت صغرا فردی به نام «اسحاق بن یعقوب»، برخی

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت همواره با شبهاتی مواجه بوده است در این شماره یکی از مهم‌ترین این شبهات را مطرح کرده و به آن پاسخ می‌دهیم:

آیا روایاتی که از تشکیل حکومت پیش از ظهور نهی می‌کند با تشکیل حکومت اسلامی تعارض ندارد؟

پاسخ: برای پاسخ به این پرسش به مثال‌های قرآنی زیر توجه کنید: قرآن هم به خواندن نماز دستور می‌دهد و هم به ترک آن! هم به صدقه دادن دستور می‌دهد و هم از آن نهی می‌کند، هم به جنگ فرمان می‌دهد هم از آن نهی می‌کند، عاقلانه این است که بینیم در چه شرایطی نباید نماز خواند، نباید صدقه داد و نباید جنگید و در چه شرایط این موارد لازم است، قرآن کریم از نماز در حالت مستی نهی کرده است نه از نماز در شرایط معمولی، از صدقه با منت‌گذاری نهی کرده است نه از صدقه بدون منت و از جنگیدن با

مسائل مبتلابه شیعیان را در نامه ای مکتوب از امام زمان (عج) سؤال کرد؛ حضرت ضمن توقیعی پاسخ دادند، «در حوادثی که واقع می شود به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر ایشانم.»^۱

سند روایت نیز صحیح است.

دلالـت حدیث: امام خمینی (ره) در بحث از ولایت فقیه می فرماید: «گمان این است که سؤال کلی بوده و خیلی بعید است که وقتی حوادث را شمرده، حوادث را تطبیق به فرد بکنیم؛ [منظور] حوادثی [است] که پیش می آید و دخالت در آن شأن امام معصوم است؛ فارجمعوا فیها الی رواة حدیثنا»؛^۲

نمونه ۲: امام رضا (ع) : «اجرای حدود محقق نمی شود، مگر با قرار دادن فرد شایسته و معتمدی که اجرای حدود الهی را به عهده بگیرد و متجاوزان را از تجاوز منع کند. اگر

۱. «وَ أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، همان، ج ۲، ص ۴۸۳).

۲. سیدروح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار سیدروح الله خمینی (عج)، ۱۳۸۷، ص ۸۰.

چنین کسی نباشد، ممکن است کسانی باشند که فقط به دنبال خواسته ها و منافع خودشان باشند و این خواسته ها موجب تباهی دیگران شود.»^۳ این حدیث از نظر سندی کاملاً صحیح و معتبر است.^۴

دلالـت حدیث: شیخ صدوق در تفسیر حدیث مذکور بر این باور است که نقص و نیاز سرتاپای انسان ها را پوشانده است و از طرف دیگر، خواسته ها و حالاتشان با یکدیگر متفاوت و مختلف است؛ پس، اگر خدا برایشان سرپرستی قرار ندهد که از آنچه رسول خدا (ص) برایشان آورده، حفاظت کند، آن ها تباه خواهند شد و شرایع و سنن و احکام و ایمان دچار تغیر زوال خواهند شد که این امر منجر به تباهی همه خلق خواهد شد.^۵ در این روایت امام (عج) دلیل نیاز مردم به پیشوای معصوم (عج) را پیشگیری از تباهی دین معرفی می کند. روشن است در زمان

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، قم، داورى، ۱۳۸۵، ص ۲۵۵.

۴. محمد مؤمن قمی، الولاية الالهية الاسلامية او الحكومة الاسلامية، قم، اسلامی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۱۷.

۵. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، همان، ص ۲۵۵.

شده باشد. نشانه چنین کسی نیز سفیانی است و این نشانه برای شما کافی است.^۱ این روایت صحیح است و اشکال سندی ندارد.^۲

دلالت حدیث: درواقع، امام علیه السلام به دلیل خلوص نیت زید، او را تأیید کرده و دیگرانی که ادعای حکومت داشته و از دیدگاه امام علیه السلام خلوص نیت ندارند را تأیید نفرموده و حتی بر این باور است که کسی همانند وی وجود ندارد؛ بر همین اساس، تشکیل حکومت را منحصرأ به ظهور حضرت حجت علیه السلام مقید فرموده است.

در زمان غیبت امام نیز اگر فقیه عادل در رأس حکومت نباشد، دین و احکام آن تباه می‌شود

نمونه ۲: از امام صادق علیه السلام حدیثی نقل شده است که حضرت در آن پیروی از هر قیامی را نهی می‌کند و برای این نهی چنین دلیل می‌آورد که اینان دروغ گو هستند و ما را بهانه رسیدن خود به قدرت قرار داده‌اند.^۳ این حدیث نیز از نظر سندی صحیح

غیبت امام علیه السلام نیز اگر فقیه عادل در رأس حکومت نباشد، دین و احکام آن تباه می‌شود؛ بنابراین، روایت بر ضرورت تشکیل حکومت دلالت دارد؛

۲. روایات مخالف تشکیل حکومت در زمان غیبت

نمونه ۱: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نگوید زید قیام کرد؛ پس، ما هم قیام کنیم؛ زیرا زید عالم و صادق بود و کسی را به خودش فرانخواند، بلکه همه را به رضا و خواست آل محمد علیهم السلام فراخواند و اگر پیروز می‌شد، حتماً به وعده‌اش عمل می‌کرد. کسی که امروز به اسم ما قیام کرده، شما را به چه چیزی فرامی‌خواند؟ آیا به رضا و خواست آل محمد علیهم السلام فرامی‌خواند؟ اگر چنین است، ما اعلام می‌کنیم که به این کار راضی نیستیم و او از خواست ما سرکشی می‌کند و ما با او نیستیم؛ مگر اینکه کسی باشد که فرزندان فاطمه علیها السلام بر او اجماع داشته باشند و بر محور او اجتماع کرده باشند. به خدا سوگند، صاحب شما کسی نیست جز آنکه بر او اجتماع

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۶۴.

۲. محمد مؤمن قمی، همان، ج ۳، ص ۹۰.
۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، همان، ص ۵۷۷.

و معتبر است.^۱

دلالت حدیث: در حدیث یادشده نیز بر اصل صادق نبودن سیاستمداران تأکید شده و امام (ع) همین اصل را برای نهی از تشکیل حکومت توسط غیر معصوم [که اعتبار و شرایط لازم را ندارد] کافی دانسته اند. اصل دیگری که در این حدیث عامل نهی امام (ع) از تشکیل حکومت شده، تمسک ریایی و دروغین به معصومان (ع) برای رسیدن به قدرت است؛ درواقع، ریا و دروغ‌گویی از دیدگاه امام (ع) دو عامل مهمی است که راه بر تشکیل حکومت توسط افراد غیر معصوم را مسدود کرده است و ممانعت از تشکیل حکومت را بارزتر می‌کند.

نمونه ۴: امام صادق (ع) فرمودند: «هر پرچمی که قبل از قیام قائم (ع) بالا رود، صاحبش طاغوت است که به جای خدا پرستیده می‌شود.»^۲ سند این حدیث صحیح و معتبر است.^۳

دلالت حدیث: در فهم حدیث یادشده واژه طاغوت نقش کلیدی

دارد. در منابع حدیثی شیعه، لفظ طاغوت پرکاربردتر از منابع اهل سنت است و بیشتر بر حاکمان ستمگر تطبیق داده شده است. در برخی از روایات شیعه، جبت و طاغوت به دشمنان اهل بیت (ع) تأویل شده^۴ و در برخی از زیارتنامه‌های مأثور، به برائت از جبت و طاغوت شهادت داده شده است.^۵ براساس این روایات هرگونه مراجعه به طاغوت، حتی اگر برای گرفتن حق خود باشد، ممنوع و حرام است؛^۶ براین اساس، تشکیل حکومت در زمان غیبت نه تنها حرام که به معنای عناد با اهل بیت (ع) است؛

۳. رفع شبهه تعارض

برای حل مشکل تعارض این روایات لازم است. دیدگاه قرآن و ادله عقلی را درباره تشکیل یا عدم تشکیل حکومت در زمان غیبت بدانیم. این موضوع نقش مهمی در حل تعارض بین روایات دارد؛ زیرا روایاتی که با

۱۸۷-۱۸۸.

۵. همان، ج ۹۶، ص ۱۹۰.

۶. بهاءالدین حسن فاضل هندی، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳، ج ۱۰، ص ۷-۸.

۱. محمد مؤمن قمی، همان، ج ۳، ص ۹۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، همان، ج ۸، ص ۲۹۵.

۳. محمد مؤمن قمی، همان، ج ۳، ص ۱۱۲.

۴. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۳۰، ص

قرآن تعارض داشته باشد استنادکردنی نیست: «هرگاه دو حدیث مختلف یافتید که حکم آن‌ها با یکدیگر متفاوت بود آن‌ها را به قرآن عرضه بدارید، آنچه موافق کتاب خدا بود بگیرید و آن را که مخالف بود کنار بگذارید.»^۱

دلایل عقلی تشکیل حکومت

عقل حکم می‌کند که اجرای احکام اسلامی در جامعه، در عصر غیبت نیز لازم است؛ زیرا خداوند متعال هرگز به ترک اوامر و نواهی قطعی خود راضی نیست و براساس حکم عقلا، اجرای احکام اسلام بدون تشکیل قدرت و حکومت ممکن نخواهد بود؛ چنانچه نمونه‌های متعددی در ارتباط با رأی عقلا وجود دارد:

براساس حکم عقلا، اجرای احکام اسلام بدون تشکیل قدرت و حکومت ممکن نخواهد بود.

نمونه ۱: علامه حلی معتقدند بین اجرای احکام و تشکیل حکومت ملازمه عقلی است: «اقامه حدود خود قطعاً

نوعی حکومت است که در آن مصلحت عمومی جامعه موردنظر است و موجب ترک گناهان و محارم و مانع انتشار مفساد و زشتی‌ها می‌شود»؛^۲

نمونه ۲: علامه طباطبایی نیز ضرورت تشکیل حکومت برای اجرای احکام اسلام را بدیهی دانسته‌اند: «نیاز به تشکیلات حکومتی به حدی بود که وقتی پیامبر اسلام ﷺ پس از هجرت به مدینه دست به ایجاد دولت اسلامی زد، مردم باوجود پرسش‌هایی که در زمینه هلال ماه و انفاق و دیگر مسائل عادی مطرح می‌کردند و از پیامبر ﷺ توضیح می‌خواستند، دراین باره (تشکیل دولت) هیچ گونه سؤالی مطرح نکردند و توضیحی نخواستند»؛^۳

نمونه ۳: رهبر معظم انقلاب دام‌ظله در پاسخ به شبهه کسانی که مخالف تشکیل حکومت هستند، می‌فرمایند: «کسی که اهل قرآن است و با قرآن و احکام قرآن آشنا است، می‌فهمد اسلامی که قرآن معین می‌کند و معرفی می‌کند، اسلامی است که در تمام شئون زندگی دخالت دارد، رأی دارد، نظر دارد، مطالبه دارد.

مسالك الافهام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۰۸.

۳. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی: نظام سیاسی و رهبری در اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۷.

۱. «إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثَانِ مُخْتَلِفَانِ فَأَعْرِضُوهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ...» (محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۸۴).

۲. زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)،

خب، این را بایستی دانست و در مقابل افرادی که در این زمینه می‌کوشند تا این حقیقت روشن را انکار کنند، بایستی پاسخ‌گویی کرد. نمی‌توان فرض کرد که اسلام نظم اجتماعی را به یک شکلی مطالبه کند، اما مسئله حاکمیت و ریاست دین و دنیا را در آنجا مشخص نکند. وقتی دین نظام شد؛ نظامی که به فرد و جامعه ارتباط دارد و یک منظومه‌ای شد که در ارتباط با همه مسائل فردی و اجتماعی نظر دارد، رأی دارد، مطالبه دارد؛ پس، لازم است که مشخص کند در رأس این جامعه چه کسی باشد، چه باشد و امام را معین کند؛^۱

نمونه ۴: امام خمینی علیه السلام نیز در پاسخ به شبهه مخالفان تشکیل حکومت فرمودند: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران حکومت ظاهری خود، حاکم و والی و قاضی تعیین می‌کرد و عموم مسلمانان وظیفه داشتند که از آن‌ها اطاعت کنند و تعبیر به حاکماً فرموده تا خیال نشود که فقط امور قضایی مطرح است و به دیگر امور حکومتی ارتباطی ندارد؛ موضوع تنها تعیین قاضی نیست

که امام علیه السلام فقط نصب قاضی فرموده باشد و در دیگر امور مسلمانان تکلیفی معین نکرده و در نتیجه، یکی از دو پرسشی را که مراجعه به دادخواهی از قدرت‌های اجرایی ناروا بوده، بدون پاسخ گذاشته باشد. بی‌شک، امام علیه السلام فقها را برای حکومت و قضاوت تعیین فرموده است. بر عموم مسلمانان لازم است که از این فرمان امام علیه السلام اطاعت کنند.»^۲ در جایی دیگر نیز فرموده‌اند: «هرکه اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلامی شده.»^۳

بنابراین، براساس ادله عقلی این گمان

هرکه اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلامی شده

که روایات یادشده از هرگونه قیام پیش از ظهور امام زمان علیه السلام و تشکیل حکومت در زمان غیبت نهی می‌کند، نادرست است، بلکه این روایات دلیل روشنی است بر اجازه قیام برای انسان غیر معصومی که شرایط قیام و تشکیل

۲. ر.ک. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، همان، ص ۱۰۲-۱۰۶.

۳. همان، ص ۳۱.

۱. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۱/۷/۲۲، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=51153>.

یک نظریه اتفاق کرده‌اند و اگر چنین جمعیتی را اُملاً نمایندند برای این است که عظمت و ابهتشان چشم بیننده را پر می‌کند و چنین جمعیتی از بنی اسرائیل به پیامبر خود گفتند: پادشاهی برای ما معین کن تا در تحت فرمانش در راه خدا بجنگیم.^۲ درواقع، از دیدگاه علامه، در این آیه به صراحت، مسئله تشکیل حکومت به دست شخص غیر معصوم مطرح شده؛ چراکه انبوهی از مردم این درخواست را از نبی معصوم داشتند و مهم تر اینکه پیامبر زمان ایشان، طالوت را برای تشکیل حکومت پیشنهاد داد؛ درواقع، تشکیل حکومت به دست فرد صالحی غیر از معصوم، تأیید صریح پیامبر آن زمان را دریافت کرده؛ قرآن تشکیل حکومت توسط غیر معصوم را به صراحت تأیید کرده است؛ چراکه به تأکید علامه طباطبائی: «نام بردن از طالوت نه توسط شخص پیامبر که براساس وحی الهی انجام شد»؛^۳

نمونه ۲: در آیه ۴۱ سوره حج می‌فرماید: «آنان که اگر در زمین قدرت و فرمانروایشان دهیم، نماز را بپا داشته و

موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ذیل تفسیر آیه ۲۴۶ سوره بقره.

۳. همان.

حکومت را دارد؛ که یکی از این شرایط «داشتن آگاهی و علم کافی» و دیگری «نیت و انگیزهٔ احقاق حق و احیای دین» و سوم «محل اجماع و اجتماع بودن و توانایی داشتن محوریت یک حرکت اجتماعی» است. امام علیه السلام می فرماید: «شما که این شرایط را ندارید، حق ندارید قیام کنید و جان خود و دیگر شیعیان را به خطر بیندازید. لازمهٔ این نهی این است که اگر این شرایط را داشتید، می توانید قیام کنید.»

دلایل قرآنی لزوم تشکیل حکومت

نمونه ۱: خداوند در آیه ۲۴۶ -سوره بقره می فرماید: «آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی که به یکی از پیامبرانشان گفتند، زمامداری برای ما برگزین تا در راه خدا بیکار کنیم.»^۱ علامه

قرآن تشکیل حکومت توسط
غیر معصوم را به صراحت تأیید کرده
است.

طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید:
«کلمه التَّائِبُ، به طوری که گفته اند،
به معنای جماعتی از مردم است که بر

١. «الم تر إلى المَلَأَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»

٢. سيد محمد حسين طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ترجمه سيد محمد باقر

زکات می دهند؛ به معروف امر می کنند و از منکر باز می دارند و فرجام امور به دست خداوند است.»^۱ واژه «مکن» در آیه یادشده به معنای فراهم آمدن امکاناتی است که آنان را در گسترش اسلام و اقامه احکام آن یاری می دهد، اما آنچه در آیه به عنوان برپاداشتن نماز، دادن زکات، امر به معروف و نهی از منکر بیان شده تنها در حکم نمونه هایی از ابعاد مختلف نظام اسلامی است و این ها جز از طریق حکومت اجراشدنی نیست؛^۲

به هر صورت، تمکین در آیه به معنای برپایی حکومت است و این معنا نشان می دهد که برپایی حکومت امری مشروع است؛ زیرا خداوند آن را مایه تمکین مسلمین قرار داده تا حق و عدالت را بر پا دارد.^۳

دلایل روایی تشکیل حکومت

پدیده تعارض احادیث، علل و عوامل گوناگونی داشته است که برخی از آن ها مربوط به طبیعت کلام بشری و

چگونگی ابلاغ قانون و برخی دیگر مربوط به عوامل بیرونی و خارج از متن کلام است. از آنجاکه ناآگاهی از این عوامل مایه شک و شبهه برخی در اساس مکتب شده است، مسئله کشف و شناسایی این علل و عوامل، از دیرباز همچون اصل مسئله تعارض احادیث، از مباحث مهم و دغدغه آور محدثان، فقیهان و متکلمان بوده

است. به طور کلی، برای حل تعارض بین روایات، روش های تخیر، تساقط، توقف،

برپایی حکومت امری مشروع است؛ زیرا خداوند آن را مایه تمکین مسلمین قرار داده تا حق و عدالت را بر پا دارد.

احتیاط و ترجیح در صورت وجود مرجحات مورد وثوق دانشمندان اسلامی است.^۴

به نظر می رسد برای حل تعارض بین دو دسته روایات موافق و مخالف حکومت می توان با استفاده از روش «ترجیح در صورت وجود مرجحات»؛ دسته نخست؛ یعنی روایات موافق تشکیل حکومت را مورد استناد قرار داد. بنا بر دیدگاه عقلا، برپایی حکومت در جامعه اسلامی، از امور لازم و وجوب

۳. همان.

۴. ر.ک. مهدی آشناور، «تعارض در احادیث و روش های حل آن»، فصلنامه علوم، قرآن و حدیث، س ۴، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۴۰-۱۷۹.

۱. «الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، همان، ص ۴۱.

گرفت که افراد احساسی برای پرچم داری مناسب نیستند.

در دسته‌ای دیگر از روایات ناهی تشکیل حکومت پرچم‌هایی که به‌خاطر دعوت به خویشتن برافراشته شود، محکوم به بطلان و اطاعت ناپذیر است. این‌ها قیام‌هایی است که در مقابل حضرت قائم علیه السلام واقع شده است و رهبر چنین قیام‌هایی طاغوت است، ولی پرچم‌هایی که در مسیر و جهت اهداف او باشند، انکار نشده‌اند. شاهد این گفتار

آن است که به کسی طاغوت می‌گویند که در مقابل خداوند متعال پرستش شود؛ بنابراین، اگر شخصی دعوت به خویشتن کند و از مردم

باتوجه به اعلام قیام حضرت مهدی علیه السلام از زمان پیامبر ص، مردم در همه زمان‌ها منتظر قیام حضرت بوده‌اند و این باعث شده که قیام‌های جعلی به نام حضرت صورت گیرد.

بخواهد که او را اطاعت کنند، طاغوت است و اگر دعوت به حق و مسیر الهی کند، طاغوت نخواهد بود.^۳ به عبارت واضح‌تر، مقصود از این روایات، نهی از قیام به نام قائم آل محمد علیهم السلام و قیام به نام مهدی موعود علیه السلام است. باتوجه به اعلام قیام حضرت مهدی علیه السلام از زمان

آن قطعی است. صاحب جواهر معتقد است که مسئله از امور واضح و روشن است و نیاز به دلیل ندارد.^۱ درواقع، از دیدگاه صاحب جواهر تشکیل حکومت نه تنها مرجح است، بلکه حتی بحث ناپذیر است؛ ازسوی دیگر، با بررسی تاریخ اسلام درمی‌یابیم که طرح بعضی احادیث توسط پیشوایان معصوم علیهم السلام تابع مقتضیات زمانه و حتی احوالات شخص بوده و تسری عام ندارد؛ به عنوان نمونه، وقتی نام سدید و

چگونگی شخصیت وی نزد امام صادق علیه السلام، مطرح شد، حضرت فرمودند: «سدید پیچیده شده به هر رنگی است.»^۲ گویا منظور

امام علیه السلام این است که سدید، از نظر فکر و دقت، فردی احساسی است و بر یک روش محکم، استوار و پابرجا نیست؛ بنابراین، ممکن است حضرت برای جلوگیری از اقدام‌های احساسی سدید، این عبارت را به وی فرموده باشند یا می‌توان حدیث یادشده را بدین معنا

۱. ر. ک. محمدحسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۴.

۲. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء

التراث، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۸.

۳. سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، ولایت فقیه در حکومت اسلامی، مشهد، علامه طباطبائی، ج ۴، ص ۷۵-۷۶.

پیامبر ﷺ، مردم در همه زمان‌ها منتظر قیام حضرت بوده‌اند و این باعث شده که قیام‌های جعلی به نام حضرت صورت گیرد. روایات ناهیه، این نوع قیام‌های جعلی را محکوم کرده‌اند و نه هر قیامی را.

نقد دیگر این شبهه برگرفته شده از روایات این است که در مقابل چنین مضمونی که همه قیام‌ها تا زمان ظهور باطل است، از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام شخصیت زید، تمجید و تعریف شده است و علت تمجید این بوده که هدف زید دعوت به حق بود. این تأیید نشانه این است که این روایات، مطلق قیام‌ها را نفی نمی‌کند، بلکه هماهنگی و جمع عرفی بین آن‌ها ما را به این نکته رهنمون می‌شود که این روایات، با وجود واژه «طاغوت»، در صدد نفی قیام‌هایی است که رهبران آن‌ها، دعوت به خویشتن می‌کنند و شامل قیام‌هایی که به سوی حق و حقیقت فرامی‌خوانند، نمی‌شود.^۱ در واقع، تحسین زید و بیان ویژگی‌های او نشانه‌های روشنی برای ممنوع نبودن اصل قیام در زمان غیبت هستند. منحصراً کردن قیام در قیام امام زمان علیه‌السلام

نیز حصر حقیقی نیست، بلکه ذکر انحصاری قیام حضرت، حصر اضافی و از باب ارائه مصداق اتم و ذکر و تأیید قیام زید و ارائه ملاک و معیار برای قیام درست، دلیل روشنی بر غیر حقیقی بودن این حصر است.^۲ دلایل یادشده حاکی از آن است که دسته دوم روایات، که آمر به تشکیل حکومت هستند، در مقایسه با دسته نخست روایات، که ناهی تشکیل حکومت تشخیص داده شده‌اند، کاربردی‌تر هستند؛ به عبارت دقیق‌تر، براساس دلایل زیر روایات آمر به تشکیل حکومت را می‌توان راهنمای عمل قرار داد:

۱. دلالت‌های عقلی فقها؛
۲. رجحان عقلانی و منطقی تشکیل حکومت بر تقیه؛
۳. آیات قرآن و دلالت‌های آن بر تشکیل حکومت؛
۴. نظرهای فقهی علمای طراز اولی چون علامه حلی و امام خمینی علیه‌السلام و تأکید آن‌ها بر تشکیل حکومت.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۱، ص ۳۵.
 ۲. ر.ک. حامد شاد، «بررسی ادله ضرورت

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت»، فصلنامه معرفت، س ۲۸، ش ۲۶۳، آبان ۱۳۹۸، ص ۴۳ - ۵۴.

قلب سليم

مكتبة آفتاب
اصحاب

اصول معاشرت حسنه در روابط اجتماعی

«راهنمای رفتار با هموعان از منظر اصول اخلاق اسلامی»



برخی از مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

۱. احترام متقابل

از نگاه اسلام، رفتار انسانی و محترمانه با هموعان، لازمه زندگی اجتماعی است و تداوم زندگی سعادت مندانه انسان، در پرتو پیوندی مودت آمیز همراه با تفاهم و احترام متقابل با دیگر هموعانش امکان پذیر است. او ناگزیر است در تعامل با دیگران ملزم به رفتاری باشد که از آنان انتظار انجام آن را دارد. اگر مایل است دیگران با او خوش رفتاری کنند، به حقوق او احترام بگذارند، حرمت جان، مال، آبرو و ناموسش را پاس دارند، خیر و خوبی او را بخواهند در برخورد با او ادب و نزاکت را رعایت کنند، به پیمان ها و وعده هاشان وفادار

یکی از مهم ترین مباحث در حوزه اجتماعی، بحث چگونگی تعامل و برخورد با افراد در جامعه است. بدیهی است در تعامل با افراد پیرامون خودمان و نحوه رفتار با آن ها، باید از اصول و شیوه های صحیح تبعیت کرد. مکتب حیات بخش اسلام با عنایتی که به روابط اجتماعی قائل است و نقشی که برای آن در تعالی و تکامل انسان قائل است، در راستای تربیت اجتماعی صحیح و پایدار انسان ها در جامعه اسلامی، اصول و ضوابطی را مطرح کرده است که انسان با عمل به آن ها می تواند به سعادت واقعی مطابق با فطرتش رهنمون شود. از آنجا که پرداختن به همه اصول در اینجا، میسر و ممکن نیست، از این رو، به طور خلاصه به

باشند، اسرارش را
فاش نکنند، از
بدی های او چشم

از نگاه اسلام، رفتار انسانی و
محترمانه با هموعان، لازمه
زندگی اجتماعی است

سیره عملی پیامبر
اسلام ﷺ می تواند
الگوی جامعی برای

پوشند، از خطایش درگذرند، در
سختی، تنگ دستی، و بیماری به
یاری و عیادتش بشتابند، نسبت به او
خوش بین باشند و... خود نیز می باید
انتظار دیگران را در این زمینه ها
برآورده سازد.

قرآن کریم رعایت این اصل مهم را
عامل پیشرفت سریع اسلام معرفی
می کند و پیامبرش را به واسطه این
خصلت می ستاید:

«فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْتِ الْغَيْثُ لَنَنْقُضَنَّ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْتَصِمْ
عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹)؛ به
(برکت) رحمت الهی، در برابر آنان
[مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر
خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو،
پراکنده می شدند. پس آن ها را ببخش
و برای آن ها آموزش بطلب! و در
کارها، با آنان مشورت کن! اما
هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع
باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا
خداوند متوکلان را دوست دارد.»

مسلمانان در این زمینه باشند که به
نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.
درباره رسول خدا ﷺ نقل شده
حضرت به هیچ کسی با انگشت خود
اشاره نمی کرد بلکه با تمام دست
اشاره می فرمودند. هرگاه با کسی
دست می داد تا طرف مقابل دست
خود را نمی کشید آن حضرت اقدام به
این کار نمی کرد. هرگاه یکی از
اصحابش خدمت آن حضرت وارد
می شد به احترام او بر می خاست و
عبای خود را برایش پهن می کرد.
نگاه های خود را میان افراد مساوی
تقسیم می کرد. در روایت آمده است
که مردی وارد مسجد شد و پیامبر
رحمت ﷺ در آنجا تنها نشسته بود با
ورود او پیامبر ﷺ برایش جا باز کرد.
مرد گفت ای رسول خدا! جا باز است
پیامبر ﷺ فرمودند: یکی از حقوق
مسلمان بر مسلمان این است که
چون دید قصد نشستن نزد او را دارد
برایش جا باز کند.^۱

۲. خیرخواهی

خیرخواهی یعنی خواستن خیر و خوبی دیگران. بنابراین انسان خیرخواه کسی است که طالب خیر و خوبی دیگران بوده، آن‌ها را به گفتار و کردار نیک دعوت می‌نماید. او همواره خواهان بقای نعمت‌ها و موفقیت‌های دیگران است و هرگز دوست ندارد که به آن‌ها بدی و مصیبت برسد.

ضرورت خیرخواهی هم از طریق خرد انسانی و هم از طریق آموزه‌های

ضرورت خیرخواهی هم از طریق خرد انسانی و هم از طریق آموزه‌های دینی، مورد اشاره قرار گرفته است.

دینی، مورد اشاره قرار گرفته است؛ طوری که یکی از شاخصه‌های جامعه اسلامی را می‌توان خیرخواهی افراد آن نسبت به یکدیگر قلمداد نمود. دین مبین اسلام، خیرخواهی را از اصول مهم اخلاق اجتماعی دانسته، به مسلمانان توصیه می‌کند هر آنچه را برای خود می‌پسندند، برای دیگران نیز همان را بخواهند و

آرزو نمایند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «برادر مسلمان خود را دوست داشته باش و آنچه برای خود می‌پسندی، برای او نیز بخواه.»^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَتَصْبِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ؛^۲ هر یک از شما باید خیرخواه برادرش باشد آن‌گونه که خیرخواه خویش است.»

امام علی علیه السلام در اشاره به ثمره خیرخواهی در جامعه می‌فرماید: «النَّصِيحَةُ تُثْمِرُ الْمَحَبَّةَ؛^۳ محبت، ثمره خیرخواهی است.» همچنین آن حضرت می‌فرماید: «النَّصِيحَةُ تُثْمِرُ الْوُدَّ؛^۴ نصیحت دوستی به بار می‌آورد.»

امام خامنه‌ای داماد در تفسیر این حدیث و تبیین ضرورت خیرخواهی در جامعه اسلامی، می‌فرماید:

«لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ... یعنی [مسلمان] باید خیرخواه برادر مسلمانش باشد. همان‌طور که برای خودش خیر می‌خواهد برای برادر مؤمنش هم بخواهد. فرض کنید برادر مؤمن

غررالْحَكَم و درالْکَلَم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۰.

۴. محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، شرح غررالْحَكَم و درالْکَلَم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۲.

۱. همان، ج ۷۱، ص ۲۲۲.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی،

اقدامی می‌خواهد انجام بدهد که شما می‌دانید ضرر خواهد کرد چه دنیوی و چه اخروی؛ اگر خودتان باشید (این کار را) نمی‌کنید. عین همین احساس را نسبت به برادر مؤمن داشته باشید. گاه با گفتن گاه با تمهید مقدمات طوری عمل می‌کند که او از این کار منصرف شود... حال ببینید اگر در جامعه اسلامی مرد وزن و غنی و فقیر و... نسبت به هم چنین احساسی داشته باشند،

مسئولیت های اجتماعی مسلمانان در برابر یکدیگر را همدلی و پیوند برادری معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.»

برطبق این آیه، اسلام سطح پیوند

علائق دوستی مسلمین را به قدری بالا برده که به صورت نزدیکترین پیوند دو انسان با یکدیگر مطرح کرده و آن علاقه دو برادر نسبت

دین مبین اسلام، خیرخواهی را از اصول مهم اخلاق اجتماعی دانسته، به مسلمانان توصیه می‌کند هر آنچه را برای خود می‌پسندند، برای دیگران نیز همان را بخواهند.

مجموعه انسان های جامعه کأنه هويت واحد می‌شوند. چقدر اهمیت دارد برای کشور که این گونه باشد. این را مقایسه

به یکدیگر است. روی این اصل مهم اسلامی، مسلمانان باید به گونه ای باشند که با یکدیگر — از هر نژاد و هر قبیله، و دارای هر زبان و هر سن و سال، که باشند — احساس عمیق برادری کنند.^۲ اخوتی که تنها جنبه عاطفی ندارد بلکه پیمانی است پایدار و ناگسستی که از عمق جان بر

کنید با کشوری که افراد همه بد یکدیگر را می‌خواهند، راهی که خود نمی‌رود، دلش می‌خواهد دیگران بروند یا بالعکس، یا یک در جه پایین تر، (نسبت به بقیه) بی تفاوت است، دل‌ها از هم جداست...»^۱

۳. همدلی و همبستگی

قرآن کریم یکی از مهم ترین

۲. ر.ک. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷۲.

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در درس خارج فقه، ۱۳۸۹/۹/۱، دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir/news/1597>

۴. عدالت و انصاف

انسان به طور طبیعی و فطری و براساس عقل و اندیشه، خواهان عدالت است؛ زیرا به خوبی درک می کند که گرفتن حق خویش، ادای حق دیگران و برخورد عادلانه در تمامی کارهای فردی و اجتماعی، امری پسندیده و در مقابل، ستم به دیگران، پایمال کردن حقوق ضعیفان و تبعیض در اجرای قانون، زشت و نکوهیده است.

«عدالت اجتماعی» رابطه مردم با یکدیگر را در بر می گیرد و به این معناست که انسان هر کس را در جایی که از نظر عقل، شرع، یا عرف مستحق است قرار دهد؛ نیکوکار را به خاطر احسانش نیکی کند و بدکار را به دلیل بدی اش عقاب نماید، حق مظلوم را از ظالم بستاند و در اجرای قانون، تبعیض و استثنا قائل نشود.^۳ خداوند متعال در قرآن کریم عدالت را به عنوان اصل مهم و خدشه ناپذیر در در روابط انسانی مطرح می کند و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ

می خیزد و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی امت را فرا می گیرد. امام صادق (ع) می فرماید: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مَوَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يُخُونُهُ وَ لَا يَخْدَعُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ، وَ لَا يَكْذِبُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ؛^۱ مسلمان برادر مسلمان و چشم و آینه اوست؛ هرگز خیانت و ستم و نیرنگ را بر روی روا نمی دارد. به او دروغ نمی گوید و خود را به غیبت وی آلوده نمی کند.» در کنار تأکید بر اصل اخوت و برادری، دین مبین اسلام با

مسلمانان باید به گونه ای باشند که با یکدیگر - از هر نژاد و هر قبیله، و دارای هر زبان و هر سن و سال، که باشند - احساس عمیق برادری کنند.

توصیه هایی همچون مهرورزی نسبت به همدیگر، به دیدار برادران ایمانی شتافتن، تلاش در جهت رفع نیازهای هم نوعان، فریادرسی، بخشش مال و اموری از این قبیل به دنبال تقویت و تحکیم مبانی همدلی و همبستگی دینی بوده است.^۲

۳. ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ۱۶۶.
۲. ر.ک. باقر شریف قرشی، نظام تربیتی اسلام، تهران، انتشارات فجر، ۱۳۶۲، ص ۱۸۲-۱۸۶.

يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَابْتِغَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ
يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل: ۹۰)؛ خداوند به
عدل و احسان و بخشش به نزدیکان
فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و
ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما
اندرز می دهد، شاید متذکر شوید.»
هر چند لفظ عدالت در آیه شریفه
مطلق است و لیکن ظاهر براساس آیه
خدای سبحان همه افراد جامعه را به
برپایی عدالت فرمان می دهد و لازمه
چنین امری آن است که امر، به تمام
افراد تعلق گرفته باشد. بنا بر این، هم
جامعه مأمور به اجرای این حکم
است و هم حکومت که عهده دار اداره
آن است.^۱

امام علی علیه السلام در توضیح چنین
عدالتی می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ
الْعَدْلَ قَوَاماً لِلْأَنَامِ وَتَنْزِيهاً مِنَ الظُّلُمِ
وَالْأَثَامِ وَتَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ»^۲؛ خداوند
سبحان، عدالت را موجب استواری
مردم، پاکی از ستم ها و گناهان و مایه
سرافرازی اسلام قرار داد.»

عدالت در برخوردهای اجتماعی
شامل رفتار منصفانه و عادلانه انسان
نسبت به اهل خانه، برادران دینی،

همسایگان، ارباب رجوع و... می شود؛
انسان باید در این گونه برخوردها به
حق خود راضی باشد. به هیچ کس
ستم نکند و حقوق خانواده، همسایگان
و برادران دینی را به قدر توان، محترم
شمرده، ادا نماید. امام علی علیه السلام معیاری
جامع برای تعامل و انتخاب رفتار
مناسب و شایسته در برابر سایر افراد
اجتماع به دست می دهند. ایشان در
نامه تربیتی خود به فرزندش امام
حسن علیه السلام می نویسند: «فرزندم! نفس
خویش را میزان روابط خود با دیگران
قرار بده. پس آنچه برای خود
می پسندی برای دیگران نیز پسند و
آنچه برای خود نمی پسندی برای
دیگران نیز مپسند. به دیگران ستم نکن
همان گونه که دوست نداری بر تو ستم
کنند و نیکی کن همان طور که دوست
داری به تو نیکی کنند. آنچه را برای
دیگران زشت می داری برای خود نیز
زشت بشمار و چیزی را برای مردم
رضایت بده که برای خود می پسندی.
آنچه نمی دانی نگو، گر چه آن را
می دانی اندک است و آنچه را دوست
نداری به تو نسبت دهند درباره دیگران
مگو.»^۳

۱. همان، ص ۴۷۹.

۲. محمدبن حسین آقا جمال خوانساری،

همان، ج ۳، ص ۳۷۴.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵. مسئولیت‌پذیری

از نگاه آموزه‌های دینی، دامنه مسئولیت انسان بسیار وسیع و گسترده است. انسان نه تنها در قبال خدا و خودش مسئول است، نسبت به همه افراد جامعه اسلامی و نیز اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، مسئولیت دارد. حتی امیر مؤمنان، علی علیه السلام دامنه مسئولیت انسان را فراتر از این می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ»^۱ شما نسبت به زمین‌ها و حتی

براساس مبانی اسلام، جامعه اسلامی پیکر واحدی است و مسلمانان نمی‌توانند درباره سرنوشت دیگران بی‌تفاوت باشند.

حيوانات هم مسئولیت دارید.»

براساس مبانی اسلام، جامعه اسلامی پیکر واحدی است و مسلمانان نمی‌توانند درباره سرنوشت دیگران بی‌تفاوت باشند؛ رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همواره مسئولیت در قبال همدیگر را به آحاد مسلمین یادآور می‌شد و آن‌ها را به انجام وظیفه در

برابر این مسئولیت فرا می‌خواند و می‌فرمود: «أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَلَا يَمُوزُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۲ همه آگاه باشید! شما نگهبان و مسئول یکدیگرید؛ امیر و حاکم، نگهبان مردم و در برابر آنان مسئول است.»

امام صادق علیه السلام احساس مسئولیت در قبال هم‌نوعان را شاخصه یک فرد مسلمان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَادَى لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۳ هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، از آن‌ها نیست و هر کس بشنود مردی فریادی می‌زند: مسلمان‌ها به دادم برسید و جوابش را نگویند، مسلمان نیست.»

از این روایات و از دیگر آموزه‌های دینی می‌توان استفاده کرد که اسلام با نگرشی جامعه‌گرایانه می‌خواهد همه افراد جامعه اسلامی نسبت به رفتار یکدیگر احساس مسئولیت کنند.

۶. مراعات حقوق دیگران

مراعات حقوق دیگران در همه

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۳۲، ص ۹.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، همان،

ج ۲، ص ۶.

۳. همان، ص ۱۶۴.

زمینه ها و به شکل عام و فراگیر، یکی دیگر از اصول بسیار مهم و اساسی شریعت اسلامی است و در سخنان رهبران اسلام با تعبیر نغز و بلندی مورد تأکید قرار گرفته است. رسول اکرم ﷺ رعایت حقوق را عامل علو درجه در بهشت می داند و بر این اصل تأکید می کند که انسان با ایمان، هر چه حقوق مردم را بیشتر رعایت کند از رفعت مقام و درجات بالاتر در بهشت برخوردار خواهد شد: «فَإِيَهُمْ... لِحُقُوقِ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ أَشَدَّ قَضَاءً كَانَتْ دَرَجَاتُهُ فِي الْجَنَّةِ أَعْلَى...»^۱ هر یک از مؤمنان که حقوق برادران مؤمنش را بهتر ادا کند، درجاتش در بهشت، بالاتر خواهد بود.»

امام علی (ع) در بیان عظمت و

ضایع کننده حقوق مردم، در صورتی که توبه نکند و بر کار زشت خویش اصرار ورزد، به دست خود سرنوشتش را تباه ساخته و فرجام خویش را در دوزخ قرار داده است.

اهمیت مراعات حقوق دیگران، آن را مقدم بر حق الله دانسته، می فرمایند: «جَعَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً

لِحُقُوقِهِ؛ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْإِقْيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ؛^۲ خداوند سبحان، حقوق بندگانش را مقدم بر حقوق خویش قرار داده است؛ هر کس به [رعایت] حقوق بندگان خدا قیام کند، چنین کاری به رعایت حقوق الهی منجر می گردد.»

در بیانی دیگری، حضرت فلسفه و علت پذیرش رهبری و ولایت امت اسلامی را تأمین و پرداخت حقوق دیگران معرفی می کند و می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي لَمْ أَرِدِ الْإِمْرَةَ وَلَا غُلُوَّ الْمُلْكِ وَالرِّئَاسَةِ وَإِنَّمَا أَرَدْتُ الْإِقْيَامَ بِحُدُودِكَ وَالْإِدَاءَ لِشَرْعِكَ وَوَضَعَ الْأُمُورَ فِي مَوَاضِعِهَا وَتَوْفِيرَ الْحُقُوقِ عَلَى أَهْلِهَا...»^۳ خداوندا تو می دانی که من آهنگ امارت و قرار گرفتن بر مسند پادشاهی و ریاست را ندارم بلکه آرمانم اقدام به اجرای حدود تو، اجرای قوانین دین تو، ساماندهی دادن کارها در جاهای خویش و پرداخت حقوق به حق دار آن است.»

به همان نسبت که در اسلام بر رعایت حقوق دیگران پافشاری و

۳. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۹۹.

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸، ص ۵۷.
۲. محمدبن حسین آقا جمال خوانساری، همان، ج ۳، ص ۳۷۰.

تأکید شده، نادیده انگاشتن حق مردم، با عناوین تکان دهنده ای، سخت مورد نکوهش قرار گرفته است. پیشوایان دینی با برشماری برخی از عواقب و تبعات بی توجهی به رعایت حقوق دیگران، تلاش می کردند بیش از پیش ضرورت توجه به آن را گوشزد کنند. رسول خدا ﷺ درباره تبعات نادیده گرفتن حقوق دیگران می فرماید: «مَنْ حَبَسَ عَنْ آخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الزُّزْقِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ»^۱ هرکس چیزی از حقوق برادر مسلمانش را از او باز دارد، خداوند برکت روزی را بر او حرام می کند، مگر اینکه توبه کند.»

در حدیثی دیگر، این حقیقت یادآور شده که ضایع کننده حقوق مردم، در صورتی که توبه نکنند و بر کار زشت خویش اصرار ورزد، به دست خود سرنوشتش را تباہ ساخته و فرجام خویش را در دوزخ قرار داده است:

«هرکس مؤمنی را از حقش بازدارد، خداوند او را در روز قیامت، پانصد سال سرپا نگه می دارد و در این مدت

عرق از بدن او جریان دارد سپس ندا کننده از سوی خدای بزرگ اعلام می کند این شخص ستمگری است که حق خدا را ادا نکرده است. آنگاه مدت چهل سال دیگر توبیخ می شود و در نهایت به دوزخ می رود.»^۲

لازم به تذکر است دامنه این دستور مهم اسلامی به قدری وسیع و فراگیری است که حتی شامل مسائل به ظاهر ساده ای چون رعایت نوبت دیگران در صف اتوبوس، نماز جماعت، هنگام رانندگی، حفظ حریم خانه و مزرعه و مانند آن را نیز در بر می گیرد تا چه رسد به حقوق بی شماری که در مورد جان، مال و ناموس مردم، اشغال پست های حساس اجتماعی، هزینه بیت المال، موضع گیری های سیاسی و غیره پدید می آید و حدّ و مرز هر یک در جای خویش معین گشته و لازم الاجرا است. علاوه بر این، احقاق حق دیگران به موارد خاص یا افراد به خصوصی منحصر نمی شود، بلکه به طور عام و فراگیر، هر ذی حقی را شامل می گردد؛ خُرد باشد یا کلان،

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۸، ص ۲۳۷.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۷۷.

گریه باشد یا آشنا، مسلمان باشد یا نامسلمان، زن باشد یا مرد... حتی در فرهنگ اسلام، حیوانات نیز حقوقی دارند که رعایت آن بر مسلمانان، لازم است.^۱

۷. تواضع و فروتنی

«تواضع» عبارت از شکسته نفسی است که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند. لازمه آن نیز کردار و گفتار او است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند.^۲ بنابراین تواضع آن است که انسان در مقایسه با دیگران برای خویش امتیاز و برتری قائل نشود و وجود چنین حالت، موجب می‌شود دیگران را بزرگ و گرامی بدارد.^۳

در روایات و احادیث وارده از ناحیه ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز، تواضع به معنای اظهار کوچکی، افتادگی، خاک‌ساری و فروتنی در برابر خدا و خلق آمده است. برای نمونه در حدیثی از امام رضا علیه‌السلام از حد تواضع سؤال شد. حضرت فرمود: «تواضع درجات

و مراتبی دارد که یک از آن‌ها این است که انسان قدر و موقعیت خویش را بداند و آن را در همان جایگاه، با قلب سلیم جای دهد، دوست نداشته باشد کاری درباره کسی انجام دهد مگر همانند آنچه با وی انجام می‌دهند (و همان‌گونه که انتظار احترام از دیگران دارد، دیگران را محترم بشمارد و هر کاری را از سوی دیگران دون شأن خود می‌شمرد، درباره دیگران نیز دون شأن بشمرد) و هرگاه بدی از کسی ببیند آن را با نیکی پاسخ دهد، خشم خود را فرو برد و از گناهان مردم درگذرد و آن‌ها را مورد عفو و بخشش قرار دهد.»^۴

تواضع و فروتنی نه تنها از شخصیت و عزت انسان نمی‌کاهد بلکه بر احترام و عزت او در نزد دیگران می‌افزاید. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم می‌فرماید: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ [فَهُوَ] فِي نَفْسِهِ ضَعِيفٌ وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَ ضَعَّعَ اللَّهُ فَهُوَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ صُغِيرٌ وَ فِي نَفْسِهِ كَبِيرٌ»^۵ کسی که به خاطر خدا متواضع باشد

۱. محمدبن حسن حر عاملی، همان، ج ۸، ص ۳۵۷-۳۵۸.
۲. احمد نراقی، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۸۱، ص ۳۰۰.
۳. مهدی نراقی، جامع السعادات، تهران، حکمت، ج ۳، ص ۳۲.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۲، ص ۱۲۴.
۵. محمدرضا مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۷۴۶.

سیاسی و فرهنگی، نظامی و... نیز گذشت، فداکاری، ایثار و تحمل رنج و سختی در آن‌ها را دربر می‌گیرد.

از نگاه اسلام، هر مسلمانی همواره باید دغدغه سایر انسان‌ها را داشته باشد و نسبت به هم‌یاری و خدمت به هم نوعان خود احساس مسئولیت کند.

هر مسلمانی همواره باید دغدغه سایر انسان‌ها را داشته باشد و نسبت به هم‌یاری و خدمت به هم نوعان خود احساس مسئولیت کند.

خدای تبارک و تعالی در کتاب شریفش ایمان به خودش و انفاق و کمک‌رسانی به بندگان را در یک ردیف آورده می‌فرماید: «أَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ» وَ «أَنفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَغْلِفِينَ فِيهِ» فَالَّذِينَ «آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنفَقُوا» لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (حدید: ۷) در ادامه آیات می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولِ...» (حدید: ۸)... وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (حدید: ۱۰). هم توصیه به دو اصل ایمان و انفاق و توبیخ ترک ایمان و انفاق و در یک ردیف قابل توجه و تأمل است.

رسول خدا ﷺ بهترین و محبوب‌ترین افراد را خدمت‌گزارترین

خداوند او را محترم و بلند مرتبه می‌کند در حالی که آن شخص پیش خود، خویش را کوچک می‌داند اما در نزد مردم عزیز و بزرگوار است و کسی که تکبر بورزد، خداوند او را پایین می‌آورد، او نزد مردم بی‌ارزش و کوچک می‌باشد، در حالی که خودش می‌پندارد بزرگ و دارای جایگاه است.»

تواضع در برابر مردم، از تواضع در برابر خدای متعال و درک عظمت او ریشه می‌گیرد از این رو، هرچه شناخت انسان از عظمت و بزرگی حق تعالی بیشتر باشد، خضوع و فروتنی‌اش در برابر خدا و بندگانش بیشتر می‌شود. بنابراین انسان مؤمن همواره باید بر عمق معرفت دینی خود بیفزاید و همواره عظمت و بزرگی او را نظر بگیرد در کنار آن، از سیره و منش پیشوایان و بزرگان دینی الگو بگیرد و از مشی و منش آن‌ها تبعیت کند.

۸. خدمت‌گزاری و مردم‌یاری

واژه «خدمت»، به معنای انجام دادن کار نیک در حق دیگری است. بر اساس این تعریف خدمت‌گزاری و خدمت‌رسانی مفهومی وسیع پیدا می‌کند و هر نوع کمک و مساعدت به دیگران در امور اجتماعی، اقتصادی،

آن‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ»^۱؛ مردمان همگی عیال خداوندند پس محبوب‌ترین افراد در نزد خداوند خدمت‌گزارترین‌شان نسبت به عیال خداوندند.»

افزون براین، در کنار اهتمام با امور خلق به طور عام، اهتمام به حل مسائل و مشکلات جامعه اسلامی به طور خاص مورد تأکید اسلام و اولیای دین قرار گرفته است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۲؛ هر کسی کوشش نداشته باشد که خدمت به مردم مسلمان نماید مسلمان نخواهد بود.»

امام خامنه‌ای دامت‌السلامه نیز در رهنمودهایشان همواره بر انجام این مهم تأکید کرده‌اند. ایشان در دیدار با کارگزاران حکومت می‌فرمایند:

«ما اصلاً برای خدمت به مردم آمده‌ایم. فلسفه وجود ما خدمت به مردم است.» «همه مسئولین باید در خدمت به مردم از یکدیگر سبقت

بگیرند و یک نهضت خدمت به مردم راه بیندازند... مسئولین تا نفس دارند باید به این مردم خدمت کنند. بایستی در بین مسئولین مسابقه خدمت‌گزاری و خدمت‌رسانی به مردم برقرار باشد. این مسابقه و رقابت درست است... این مسابقه به سمت مغفرت و رحمت الهی است. «واستبقوا الخیرات» برای کارهای نیک، مسابقه بگذاردید.^۳

تفکر بیشتر

۱. به نظر شما، کدام یک از اصول اخلاق اجتماعی مذکور، در دنیای امروز بیشترین نیاز به توجه و تقویت دارد؟ چرا؟
۲. چگونه می‌توانیم اصول اخلاق اسلامی را در جامعه‌ای که ارزش‌های متنوع و گاه متضادی وجود دارد، ترویج کنیم؟
۳. آیا تا به حال در موقعیتی قرار گرفته‌اید که رعایت این اصول برای شما دشوار بوده باشد؟ کدام اصل بوده و چگونه با این چالش برخورد کردید؟

مشهد، ۱۳۸۲/۱/۱، دسترسی در:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3167>

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۹۳، ص ۱۱۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۳، ص ۴۱۹.

۳. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌السلامه در اجتماع مردم

اصول و مؤلفه‌های معاشرت حسنه در سازمان

«راهنمای عملی معاشرت حسنه در محیط کار بر اساس آموزه‌های دینی»



و اصول معاشرت حسنه، آثار و برکات فراوانی برای سازمان و منابع انسانی در پی دارد. از جمله:

۱. تبلور ایمان و معنویت در محیط کار

از مهم‌ترین جنبه‌های نمود ایمان و معنویت در محیط سازمان رعایت اخلاق است. ایمان، به عنوان ریشه درخت اخلاق، شاخه‌هایی مانند عدالت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و همدلی را پرورش می‌دهد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در توصیف ایمان، آن

تخلیق به اخلاق اسلامی و رعایت اصول و مؤلفه‌های معاشرت حسنه، یکی از بنیادی‌ترین عناصر شکل‌دهنده رفتار انسان، نه تنها در زندگی شخصی، بلکه در عرصه‌های حرفه‌ای و اداری نیز نقش حیاتی ایفا می‌کند. در محیط‌های سازمانی، توجه به این مهم، فراتر از یک الزام فردی، به عاملی کلیدی برای تعالی و پیشرفت، ایجاد اعتماد، بهبود عملکرد و تقویت روابط تبدیل می‌شود. توجه به ارزش‌های اخلاقی

را درختی می دانند که ریشه اش یقین، شاخه اش تقوا، نورش حیا و میوه اش سخاوت است. این تشبیه زیبا نشان می دهد که اخلاق تجلی و برآمده از ایمان و رعایت اخلاق درخت ایمان را هرچه بیشتر تقویت می کند. در محیط اداری، کارکنانی که به اصول اخلاقی پایبند هستند، نه تنها از نظر فردی رشد می کنند، بلکه به عنوان الگوهایی تأثیرگذار، دیگران را نیز به سوی تعالی سوق می دهند؛

۲. قدرت جذب و تأثیرگذاری

قدرت جذب و تأثیرگذاری یکی دیگر مزایای رعایت اخلاق و اصول معاشرت حسنه در سازمان است.

قرآن کریم، رمز موفقیت رسول خدا ﷺ را در اخلاق نیکوی ایشان می داند و تأکید

می کند که نرم خوئی و مهربانی پیامبر ﷺ باعث جذب مردم شد.^۱ در محیط های سازمانی، مدیران و کارکنانی که با گشاده رویی، احترام و صداقت رفتار می کنند، نه تنها احترام همکاران را جلب می کنند، بلکه به عنوان افرادی قابل اعتماد و الهام بخش

شناخته می شوند. این موضوع به ویژه در موقعیت های بحرانی، زمانی که تصمیم گیری های اخلاقی می تواند سرنوشت سازمان را تغییر دهد، اهمیت دوچندان پیدا می کند؛

۳. مصونیت بخشی در برابر تخلفات و مفاسد

در محیط های کاری، فشارهای روانی، رقابت های ناسالم و وسوسه های مادی ممکن است افراد را به سمت رفتارهای غیراخلاقی سوق دهد. اما آراستگی به فضایل و ارزش های اخلاقی، همچون سدی مستحکم، انسان را از این گونه انحرافات حفظ می کند. یک عنصر

انسانی در اداره که به اخلاق پایبند است، نه تنها سمبل خوبی ها خواهد بود، بلکه

از مهم ترین جنبه های نمود ایمان و معنویت در محیط سازمان رعایت اخلاق است.

می تواند به اصلاح دیگران نیز کمک کند؛

۴. استحکام روابط اجتماعی

تعاملات سالم و مبتنی بر احترام متقابل، نه تنها نیازهای اساسی انسان را برطرف می کند، بلکه شادی، نشاط و امید را به زندگی کاری او

۱. ر.ک. آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

بازمی‌گردانند. در آموزه‌های دینی، روابط سالم اجتماعی یک عامل محوری برای رهایی از خسران و دستیابی به رستگاری معرفی شده است. قرآن کریم با تأکید بر دعوت به

راه پروردگار با حکمت و اندرز نیکو، اهمیت ارتباط سازنده با دیگران را نشان می‌دهد؛

در نظام‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامع دینی، محبوبیت و منزلت سازمان‌ها به میزان تقید نیروهای آن به ارزش‌های اخلاقی وابسته است.

سمت تعالی و رستگاری سوق می‌دهد.

بنابراین اخلاق اداری نه تنها یک ضرورت فردی، بلکه یک نیاز سازمانی و اجتماعی است که به ایجاد محیطی سالم، پویا و پایدار کمک می‌کند. با تقویت اخلاق در سازمان‌ها، می‌توان به بهبود عملکرد، افزایش رضایت شغلی و ارتقای جایگاه اجتماعی نهادها و سازمان‌ها امیدوار بود.

۶. اصول و مؤلفه‌های معاشرت حسنه در سازمان

مکتب حیات بخش اسلام، اصول و ضوابطی را مطرح کرده است که توجه به آن‌ها در سازمان می‌تواند به ایجاد محیطی سالم، پویا و مبتنی بر

۵. ارتقای محبوبیت سازمان

رعایت اصول اخلاقی و حاکم شدن ارزش‌های اخلاقی در سازمان، موجب ارتقای محبوبیت آن مجموعه در جامعه می‌شود. در نظام‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامع دینی، محبوبیت و منزلت سازمان‌ها به میزان تقید نیروهای آن به ارزش‌های اخلاقی وابسته است. قرآن کریم محبوبیت را در گرو تقوا، ایمان و اعمال صالح می‌داند و تأکید می‌کند که خداوند برای نیکوکاران مودت و دوستی خود و بندگان را ارزانی می‌دارد. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (مریم: ۹۶)؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی

اخلاق اداری نه تنها یک ضرورت فردی، بلکه یک نیاز سازمانی و اجتماعی است.

بخوریم، شوخی نکنیم و... اما از میان همه آنها، آن را که زیباتر است برگزینیم در حقیقت آن عمل مطابق با ادب خواهد بود.

در اینجا منظور از ادب این است که افراد در سازمان در تعامل و برخورد با همکاران و ارباب رجوع، بهترین، زیباترین و پسندیده ترین قالب را برگزینند؛ روشی که مطلوب طبع آدمی بوده، موجب جذب و تأثیرگذاری در دیگران می گردد و محبت و محبوبیت فرد را در دل افراد سازمان و جامعه حاکم می سازد.

دین مبین اسلام اهمیت زیادی به مسئله رعایت آداب، و برخورد توأم با احترام و ادب داده است و چون هدف آن سر و سامان دادن به جمیع جهات زندگی انسانی است و هیچ یک از شئون انسانیت را از قلم نینداخته، از این جهت سر تا پای زندگی را دارای ادب نموده، برای هر عملی از اعمال زندگی هیئت زیبایی ترسیم کرده است که رعایت آنها از سوی پیروان این آیین مقدس امری لازم و ضروری است. از نگاه اسلام، بی ادبی در گفتار و رفتار از جمله دشنام دادن و فحاشی کردن، در هر شرایطی ولو

ارزش های انسانی منجر شود. این اصول، نه تنها به بهبود روابط بین فردی کمک می کنند، بلکه به عنوان پایه ای برای تحقق اهداف سازمانی و ارتقای جایگاه اجتماعی سازمان عمل می کنند. از آنجا که پرداختن به همه اصول در اینجا میسر و ممکن نیست، از این رو، به طور خلاصه به برخی از مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

الف. رعایت ادب و نزاکت

مراد از ادب هیئت زیبا و پسندیده ای است که هر عمل مشروعی سزاوار است بر طبق آن انجام شود، به عبارت دیگر: ادب عبارت است از ظرافت عمل.^۱ به این بیان که، انسان می تواند یک کار را به صورت های گوناگون انجام دهد. اما در بین آنها، یکی از همه زیباتر است؛ یعنی روح حساس و زیبا پسند انسان آن را می پسندد؛ پس آن مطابق با ادب است. به عنوان مثال، ما می توانیم در حضور دیگران به صورت های گوناگون بنشینیم، حرف بزنیم، غذا

بی ادبانه، موضع تش می گیرد. چنان که امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «إِيَّاكَ وَ مُسْتَهْجَنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يُوْغِرُ الْقُلُوبَ»^۲ از سخن زشت پرهیزید که دل ها را به کینه می آورد.»

ب. همدلی و درک متقابل

همدلی یعنی درک احساسات دیگران و آگاهی از وضع آن ها و خود را به جای آن ها قرار دادن، به صورتی که طرف مقابل احساس کند که او و احساساتش را درک کرده اند. همدردی و همدلی با هم نوعان به ویژه همکاران در سازمان، از اصول اخلاقی است که دین مبین اسلام بدان، عنایت ویژه دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که مبلّغ و مدافع ارزش های حسنه بوده و ائمه اطهار علیهم السلام ادامه دهنده راه آن حضرت بوده اند، همواره مسلمانان را به همدلی توصیه می کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «هیچ کس از شما ایمان نیاورده است تا هنگامی که آن چیزی را برای برادرش دوست بدارد که برای خودش دوست دارد.»^۳

امام علی علیه السلام به فرزندش امام



برای دشمن، امری پسندیده نیست و باید از آن اجتناب گردد.^۱

رعایت این اصل در سازمان بسیار حائز اهمیت است. توجه به این اصل، موجب جذب مخاطب و افزایش میزان اثرگذاری و پذیرش فرد از سوی همکاران و مراجعان می گردد. در مقابل بی ادبی و حرمت شکنی حتی در نحوه صدا زدن یا نگاه کردن، حالتی روانی را برای مخاطب پدید می آورد که سخنان گوینده را نمی پذیرد و آتش خشم تنفر از وی را در درون شعله ور می کند. چون طبع آدمی با الفاظ و رفتار زشت سازگاری ندارد لذا نه تنها به ارتباطی که از واژه های زشت و دور از ادب و احترام شکل گرفته گوش جان نمی سپرد و آن را پذیرا نمی شود بلکه چه بسا در مقابل رفتار و گفتار

۱. «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸).

۲. حسین بن محمد آقا جمال خوانساری،

همان، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹۶.

حسن علیه السلام می فرماید: «ای پسر! نفس خود را میان خود و دیگران میزان قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران مپسند. به دیگران ستم نکن همان طور که دوست نداری به تو ستم شود، به مردم نیکی کن، آن گونه که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می داری برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می پسندی، آنچه نمی دانی نگو، گر چه آنچه را می دانی اندک است، آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو.»^۱

اهل بیت علیهم السلام علاوه بر صورت های نظری، در قالب های عملی نیز، به دیگر انسان ها می آموختند که با دیگران همدلی کنند و احترام عمیق خود را به دیگران ابراز کرده، احساسات آن ها را درک نمایند. سیره عملی ائمه اطهار علیهم السلام نیز نشان از این واقعیت دارد به طوری که همدلی با دیگران از خصوصیات بارز ایشان بوده است. برای نمونه، زندگی

زاهدانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام گواه بر این مطلب است که چگونه با محرومان جامعه همدلی کرده و در غم و گرفتاری آن ها شرکت می کردند، غم آنان را به جان می خریدند، به اشک چشم آنان ترحم می نمودند و در مشکلات یاورشان بودند. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: «روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سفرها چنین بود که همواره در انتهای کاروان یا لشکر حرکت می کرد تا در ماندگان را مدد رساند و باز ماندگان را در ردیف خود سوار کند.»^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر در مدت سه روز دوستان خود را نمی دید، از حالشان جويا می شد؛ اگر در سفر بودند، برایشان دعا می کرد، اگر در وطن بودند، به دیدنشان می رفت و اگر بیمار بودند عیادتشان می کرد.^۳

از جلوه های دیگر همدلی پیشوایان دینی می توان به هم نشینی و معاشرت آن ها با فقرا و گرفتاران و بالاتر از همه همسان سازی خود در خوراک، پوشاک، و مسکن با فقراء و نیازمندان اشاره کرد. برای نمونه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که حضرت همیشه

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق،

قم، شریف الرضی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۱۹.

بی ادبی و حرمت شکنی حتی در نحوه صدازدن یا نگاه کردن، حالتی روانی را برای مخاطب پدید می آورد که سخنان گوینده را نمی پذیرد و آتش خشم تنفر از وی را در درون شعله ور می کند.

شاید در حجاز یا یمامه افرادی یافت شوند، که امید همین يك قرص نان را هم ندارند، و دیر زمانی است که شکم شان سیر نشده است، آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم، در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد؟! در ادامه همین نامه، حضرت این چنین از همدلی و همدردی با افراد جامعه خود سخن می گوید: «آیا به این بسنده کنم که به من بگویند امیر مؤمنان، ولی در سختی های روزگار همدل و همدرد مردم نباشم و در تلخی زندگی سرمشق آنان قرار نگیرم! من برای این آفریده نشده ام که چونان برّه پرواری — که تمام همّت او در علف خوردن است — به خوردن و آشامیدن بپردازم!»^۴

علاوه بر این، بخش وسیعی از احکام و دستورات اسلام؛ مانند، پرداخت خمس و زکات و صدقات، وجوب نجات جان مؤمن، عیادت، تشییع جنازه، حقوق فراوان برادری،

به فکر اصحاب صفّه^۱ بود، با آنها می نشست، برای آنان غمخواری می کرد و در رفع نیازهایشان می کوشید.^۲

امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز همواره، بار و غمخوار نیازمندان بود. ایشان در نامه ای به عثمان بن حنیف درباره ضرورت همدلی و همگامی با گرفتاران و نیازمندان جامعه می نویسد: «... هَيِّهَاتُ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأُطْعَمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ، أَوْ أُبَيْتَ مِطْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونٌ غَرَّيْتُ وَ اكْبَادٌ حَرَى؛^۳ چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند، و مرا به سوی انتخاب بهترین غذاها بکشاند، در صورتی که

همان جا روزگار می گذرانند و به عبادت مشغول بودند، هنگام جهاد هم به میدان رزم می شتافتند.

۲. محمدا باقر مجلسی، همان، ج ۲۲، ص ۱۲۲.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۴. همان.

۱. «اصحاب صفّه» عنوان جمعی از مسلمانان پاک باخته و تهیدستی است که در صدر اسلام و زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در رکاب آن حضرت بودند و چون در مدینه خانه و آشیان و آشنایی نداشتند، در گوشه ای از مسجد، سکویی ساخته شده بود که در

همسایگی، زیارت مؤمنان و برآوردن حاجات آنان و غیره، بر ضرورت همدلی و همدردی و اهمیت آن دلالت دارد به گونه ای که اگر شخصی فاقد این خصلت ارزشمند باشد در واقع بسویاری از اخلاق و احکام اسلامی را زیر پا نهاده و از ایمان فاصله گرفته است.

پ. صداقت و شفافیت

صداقت یکی از مهم ترین پایه ها و اصولی است که بنای جوامع انسانی بر اساس آن پایه گذاری شده است و روابط انسانی روی آن انتظام و شکل می گیرد. هرکجا صداقت حاکم باشد آنجا آسایش و خوشی واقعی مسلم است. التزام به صدق باعث رشد و شکوفایی و سلامت جامعه انسانی می شود. صداقت و راستی بسیاری از مشکلات را حل می کند، راه وصول به مقصد را آسان می سازد، از هزینه های کمرشکن بازرسی ها می کاهد، حجم پرونده های حقوقی را به حداقل می رساند و آرامش خاطر به مردم می بخشد و نگرانی هایی را که به خاطر احتمال دروغ گویی برای

افراد مختلف پیدا می شود از میان برمی دارد، و رشته های محبت و دوستی را در میان افراد محکم می کند و به انسان شخصیت و ابهت بخشیده، او را محبوب دل ها و مورد اعتماد مردم می گرداند.^۱ امام علی علیه السلام می فرماید: «يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصَدْقِهِ ثَلَاثًا، حُسْنَ الثَّقَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُ وَالْمَهَابَةَ مِنْهُ؛ شخص راست گو به خاطر صداقتش سه چیز را به دست می آورد: حسن اعتماد مردم، و جلب محبت و دوستی، و ابهت و شخصیت.»^۲

از دیگر مزایای صداقت در زندگی افراد، ارتقاء سلامت انسان است؛ چرا که بسیاری از بیماری های جسمانی و روحانی انسان بر اثر استرس ناشی از دروغ گویی به وجود می آید. به همین خاطر افراد صادق همواره احساس آرامش می کنند و کمتر از دیگران به بیماری های جسمی و روانی دچار می شوند.

در محیط سازمانی نیز اگر نیروهای انسانی شاغل در سازمان واجد این شاخصه باشند، اعتماد و حسن ظن افراد نسبت به همدیگر جلب شده،

۱. ر.ک. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۱۳-۲۱۵.

۲. عبدالواحد بن محمد تیمیمی آمدی، همان، ص ۸۱۲.

دلسوزی و همدردی میان آن‌ها حاکم می‌شود و زمینه همبستگی و همدلی، و خدمت بیشتر، بیش از پیش فراهم می‌شود. همچنین صداقت باعث می‌شود، سازمان از امنیت اخلاقی و رفتاری بالایی برخوردار شود و افزایش امنیت اخلاقی و رفتاری، افزون بر سلامت آن سازمان،

موجبات پیشرفت و رشد آن مجموعه را فراهم می‌کند. بدیهی است اگر افراد سازمان در قول و عمل خود صادق نباشند، اعتماد و حسن ظن افراد به یکدیگر سلب شده، فضای سازمان مملو از ملاحظه‌کاری، مصلحت‌جویی، پنهان‌کاری، فرصت‌طلبی و ... می‌شود و بی‌اعتمادی و بدگمانی آن چنان گسترش می‌یابد که حتی قانون و زور نمی‌تواند از آن حفاظت کند و مجموعه را به آرامش و امنیت برساند و موجب پیشرفت و شکوفایی آن شود. در یک جمله در بیان آثار و برکات صداقت باید گفت: صداقت پایه و اساس هر گونه پیشرفت معنوی و مادی است. چنان‌که امیر مؤمنان،

صداقت پایه و اساس هرگونه پیشرفت معنوی و مادی است.

علی علیه السلام می‌فرماید: «الصَّدْقُ صَلَاحُ كُلِّ شَيْءٍ الْكَذْبُ فَسَادُ كُلِّ شَيْءٍ؛^۱ صداقت سبب اصلاح هر چیز و دروغ سبب فساد همه چیز می‌شود.»

امام صادق علیه السلام دلیل مرتبت و منزلت امیر مؤمنان، علی علیه السلام را وجود این شاخصه معرفی کرده می‌فرماید: «فَإِنَّ عَلِيًّا علیه السلام إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ؛^۲ همانا علی علیه السلام به آن مقام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نرسید، مگر در سایه راستگویی و امانت‌داری.»

ت. تعاون و همکاری

یکی از ارزش‌های اخلاقی در سازمان، تعاون و همکاری نیروها و کارکنان با یکدیگر در پیشبرد امور است. ضرورت این کار امری بدیهی است و نیاز به استدلال و برهان ندارد. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «روزی در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین دعا کردم: «خدایا مرا به هیچ یک از بندگان محتاج نکن.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! چنین نگو چرا که نمی‌شود کسی به دیگران

۱. محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، همان، ج ۲، ص ۱۰۴.

محتاج نباشد.» پرسیدم: «پس چگونه دعا کنیم؟» فرمود: «بگو: اللَّهُمَّ لَا تُخَوِّجْنِي إِلَى شِرَارِ خَلْقِكَ؛ خدایا! مرا به بندگان بد خویش، محتاج نکن!»^۱.
تعاون نسبت به کار و نیز افرادی که انسان به آن‌ها کمک می‌کند، بر دو نوع است:

الف) تعاون سازنده: تعاون سازنده، آن تعاونی است که در کارهای نیک باشد. قرآن مجید همه کارهای

نیکو را در دو کلمه «بَرٍّ»

و «تَقْوَا» گرد آورده و به

پیروان خویش سفارش

کرده که تنها در این دو هم‌دیگر را یاری کنند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مانده: ۲)؛ (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.

مراد از تعاون و همکاری در کار نیک، همیاری در ایمان و عمل صالح

و رعایت تقوای الهی است و مراد از کار زشت و تعدی نیز تمام کارهایی است که انسان را از رسیدن به سعادت الهی باز می‌دارد.^۲

رسول خدا ﷺ تعاون در نیکی را عامل خیر و سعادت معرفی نموده، می‌فرماید: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا امْتَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ...»^۳ مردم مادامی که امر به

تعاون سازنده، آن تعاونی است که در کارهای نیک باشد.

معروف و نهی از منکر

کنند و یکدیگر را در

نیکی مدد رسانند، در

خیر و سعادتند ولی اگر چنین نکنند، برکات از میانشان رخت برمی‌بندد.»

علی‌علیه‌السلام تعاون و همکاری سازنده را از حقوق واجب بندگان الهی می‌داند که تحت هیچ شرایطی و به هیچ بهانه‌ای نباید ترک شود: «مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ يَمْتَلِغُ جُهِدُهُمْ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ»^۴

تقوای الهی است. در مقابل اثم به معنای کار زشتی است که موجب دور ماندن انسان از سعادت می‌شود و عدوان نیز به معنای تجاوز به حقوق مردم است (ر.ک. سیدمحمدحسین طباطبائی، همان، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۷۲).

۳. محمداقبر مجلسی، همان، ج ۹۷، ص ۹۴.

۴. همان، ج ۲۷، ص ۲۵۲.

۱. عباس قمی، سفینة البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۲.

۲. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مراد از بَرٍّ در این آیه ایمان و نیکو انجام دادن عبادات و معاملات است و مراد از تقوا نیز التزام عملی به امر و نهی خداوند است. بنابراین همیاری در بَرٍّ و تقوا به معنای اجتماع و اتحاد و یاری کردن یکدیگر در ایمان و عمل صالح بر پایه

از حقوق واجب الهی بر بندگان، خیرخواهی در حد توانشان و همیاری در برپایی حق در میانشان است»؛

ب) تعاون مخرب: منظور از تعاون مخرب همان بود که در زبان قرآن، با عنوان «تعاون بر اثم و عدوان»، محکوم و ممنوع شده است:

«... لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (مانده: ۲)؛ بر گناه و تجاوز یکدیگر را یاری نکنید.»

خودداری از تعاون مخرب اگر مهم‌تر از تعاون سازنده نباشد، کمتر از آن هم نیست و اگر نیمی از کارهای اجتماعی بسته به تعاون سازنده است، نیم دیگر آن نیز به نبود تعاون مخرب وابسته است. بنابراین، افراد در سازمان نیز موظفند پایه پای تعاون سازنده از تعاون مخرب فاصله بگیرند و هرگز کسی را در گناه و زشتی یاری نکنند و در هیچ شرایطی یکدیگر را در کارهایی که مورد خشم خدا و تنفر عقل و شرع است، مدد نرسانند.

ث. قدرشناسی و قدردانی

احیای روح شکرگزاری و قدردانی و ارج نهادن و تقدیر و سپاس از همکاران، از ارزش‌های مهم و

مطلوب اسلامی است. کسی که خدمت می‌کند و نعمتی در اختیار انسان می‌گذارد و از مواهب خویش به او می‌بخشد هر چند انتظار قدردانی و تشکر نداشته باشد، وظیفه انسانی که مشمول نعمت او شده است این است که در مقام شکرگزاری و سپاس برآید، و با قلب و زبان و عمل از وی قدردانی کند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بر عهده کسی که به او احسانی شده، آن است که با خوبی بر نعمت دهند نیکی کند و احسان او را جبران نماید. اگر از جبران عملی و مکافات ناتوان بود، با ستایشی شایسته و ثنای نیک برخورد کند. اگر از ستایش زبانی نیز ناتوان بود حداقل نعمت را بشناسد و یه نعمت دهنده محبت داشته باشد. اگر این را هم ندارد و نتواند، پس شایسته نعمت نیست.»^۱

در روایت معروف دیگری از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شده: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»^۲ کسی که بخشنده نعمت را از میان مخلوقین شکرگزاری نکند، شکر خداوند متعال را بجا نیاورده است.»

۱. همان، ج ۶۸، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۴۴.

قدردانی و قدرشناسی فارغ از این که یک وظیفه اخلاقی و دینی است، برکات و آثار بسیار مهمی را نیز در پی دارد. از جمله این که در سازمانی که افراد قدردان زحمات همدیگر باشند، روحیه امید و نشاط و به تبع آن تحرک و انگیزه برای ادامه راه افزایش می یابد اما برعکس در هر مجموعه ای که روح تشکر و قدردانی کم رنگ باشد، کمتر کسی علاقه و دلگرمی به خدمت پیدا می کند. امام علی علیه السلام به مالک اشتر درباره نتیجه قدردانی، می فرماید: «از کسانی که رنج و زحمت کشیده و از خود فعالیت و شایستگی نشان داده اند ستایش و تشکر کن؛ زیرا یاد نیکوکاری، احساسات شجاعان را تحریک می کند و آنان را به حرکت وادار می دارد و افراد محافظه کار و ترسو را تشویق می کند.»^۱

البته نباید از این نکته مهم غافل شد که انسان مؤمنی که در سازمان مشغول است و خدمتی انجام می دهد، نباید انتظار پاداش و یا احسان و نیکی از دیگران داشته باشد و قدرشناسی دیگران نیز نباید او را نسبت به ادامه راه، سرد و بی انگیزه

نماید بلکه او باید با انگیزه الهی و تنها برای خدا این کار را بکند. وقتی مقصود رضا خدا باشد، خودداری و کوتاهی دیگران از سپاس، موجب منصرف شدن از عمل خیر او نمی شود. چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «کسی که سپاس گزار نیکی های تو نیست تو را در انجام کارهای معروف و شایسته بی رغبت نسازد.»^۲

تفکر بیشتر

۱. به نظر شما، کدام یک از اصول معاشرت حسنه در سازمان (مانند همدلی، صداقت، تعاون و...) بیشترین تأثیر را بر بهبود فضای کاری دارد؟ چرا؟

۲. به نظر شما در مواجهه با اختلاف نظرها در سازمان، چگونه می توانیم همدلی و درک متقابل را تقویت کنیم تا به جای تعارض، به همکاری برسیم؟

۳. آیا شفافیت بیش از حد می تواند چالش هایی ایجاد کند؟ چگونه می توان تعادل مناسبی بین صداقت و ملاحظه کاری برقرار کرد؟

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. همان، حکمت ۲۰۴.

ترجمہ

مکتبہ انصاف
لاہور

آسیه الگوی آزادی و فریاد گر مظلومان

(داستان حضرت موسی علیه السلام)



قلب او را آرام نکرده بود، فریاد می کشید و همه چیز فاش می شد! در کرانه دیگر نیل، فرعون قصری داشت، که برای تفریح بدانجا می رفت و آن روز در آن قصر بود، و همسرش آسیه نیز در ضمن تماشا ناگهان چشم شان به یک سیاهی افتاد که بر روی آب بود و امواج دریا و باد آن را پایین و بالایش می برد. سیاهی هم چنان نزدیک و نزدیک شد، تا به فضای قصر رسید. به دستور فرعون آن صندوق را از آب گرفته و نزدش بردند. صندوق مرموز، که کشتی نجات آیت بزرگی از آیات الهی بود، در برابر فرعون قرار گرفت، دیگران نتوانستند، در آن را بکشایند، آری

۱. آسیه و نجات حضرت موسی علیه السلام

صبحگاهانی بود که هنوز چشم مردم مصر در خواب، هوا کمی روشن شده بود، مادر نوزاد خود را همراه صندوق به کنار نیل آورد، برای آخرین بار نوزاد دلبندش را در آغوش کشید و به او شیر داد. سپس او را در صندوقی مخصوص که یک کشتی کوچک در قد و قواره این نوزاد بود، گذاشت و آن را به امواج خروشان نیل سپرد. امواج نیل صندوق را به زودی از ساحل دور و دور کرد و مادر در کنار ایستاده بود و این منظره را با حسرت نظاره می کرد، در یک لحظه احساس کرد قلبش از او جدا شده و روی امواج حرکت می کند، اگر لطف الهی

می‌بایست در صندوق نجات موسی علیه السلام به دست خود فرعون گشوده شود و گشوده شد! هنگامی که چشم همسر فرعون به چشم کودک افتاد، برقی از آن جستن کرد و تا سرپرده اعماق قلبش را روشن ساخت و همه وجود دل او را کانون نزول و انجذاب خود قرار داد. فرعون از چهره نوزاد و

بنی اسرائیل در این مورد شد! اطرافیان متملق و چاپلوس نیز فرعون را در این طرز فکر تشویق کردند و گفتند دلیل ندارد که قانون درباره این کودک اجرا نشود؟! اما «آسیه» همسر فرعون که نوزادی نداشت و دل پاکش از سنخ دل و روح فرعون و درباریان فرعون نبود، قلب خود را کانون مهر



نشانه‌های دیگر — از جمله گذاردن او در صندوق و رها کردنش در امواج نیل — دریافته بود که این نوزاد از بنی اسرائیل است، ناگهان کابوس قیام یک مرد بنی اسرائیلی و زوال ملک او به دست آن مرد بر روح او موجی از نگرانی فرو افکند، و خواهان اجرای قانون جنایت بارش درباره نوزادان

این نوزاد یافته و در مقابل همه آن‌ها ایستاد. فرعون خواست او را به قتل برساند، آسیه گفت: او را نکشید شاید ما را سود ببخشد، بلکه او را پسر خود بگیریم،^۱ بدین سان قلب پاک آسیه و اصرار او مانع قتل موسی علیه السلام شد.

۲. آسیه و ایمان

«آسیه» به همراه همسرش فرعون

۱. ر.ک. سید محمدحسین طباطبائی، همان، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۸؛ ناصر مکارم

شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، همان، ج ۱۶، ص ۲۴-۳۰.

برای تماشای سحر ساحران و معجزه حضرت موسی علیه السلام به میدان شهر آمده بود. ساحران طناب‌ها و عصاهایی که درون آن خالی شده بود و حیوه در درون آن ریخته شده بود را در میدان

خوشحالی و گمراه کردن مردم طولی نکشید؛ نوبت به حضرت موسی علیه السلام رسید؛ او به دستور الهی عصای خویش را بر زمین افکند؛ عصا به فرمان پروردگار — در میان حیرت و



بر روی هم انباشته کرده بودند تا بر اثر حرارت خورشید حیوه‌ها تبخیر شود و به این وسیله طناب‌ها و عصاها به حرکت درآید، آفتاب بالا آمد و همان‌گونه که جادوگران پیش بینی می‌کردند طناب‌ها و عصاها همانند مار و اژدها به حرکت در آمد به‌گونه‌ای که به تعبیر قرآن مجید مردم خیال کردند که این‌ها مارهای واقعی است^۱، خوشحال شدند و شروع به زدن کف و سوت کردند و به نفع فرعون و فرعونیان شعار دادند! اما این

تعجب مردم — به شکل مار عظیمی درآمد و تمامی طناب‌ها و عصاهای ساحران را بلعید و سپس به سمت فرعون به حرکت خود ادامه داد.

با دیدن این نمایش قدرت، از سوی حضرت موسی علیه السلام، صحنه عوض شد و تمام آن شادی‌ها و هلهله‌ها و کف و سوت‌ها تبدیل به غم و اندوه و ناراحتی شد. رعب و وحشت تا استخوان‌های فرعون نفوذ کرد! دهان‌ها از تعجب باز ماند، چشم‌ها در حلقه از حرکت ایستاد، نفس‌ها

۱. این مطلب در آیه ۶۶ سوره طه آمده است.



روشن شد. به مرور زمان و با تفکر بیشتر شعله ایمانش شعله‌ورتر گردید تا جایی که تمام وجودش را فراگرفت؛ بلکه شعاع آن به خارج از وجودش نیز پرتو افشانی کرد.^۱

۳. قیام آسیه در دفاع از مظلوم

«صیانه» همسر حزقیل^۲ و آرایشگر مخصوص دختر فرعون در کاخ او مشغول خدمت بود. روزی مشغول شانه زدن به موی دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و هنگام برداشتن آن «بسم الله» گفت! دختر فرعون با تعجب گفت: منظور از گفتن

در سینه حبس شد و سکوت عجیبی تمام جمعیت را فراگرفت! فرعون با خود می‌گفت: «نکند این مار مرا ببلعد!» این تفکر و اضطراب در چهره او ظاهر شد. و با افتادن تاج از سرش کاملاً نمایان گشت. جادوگران همه تسلیم شدند و در مقابل خداوند به سجده افتادند و تهدیدهای فرعون هیچ تأثیری در تغییر رفتارهای ناشی از تغییر عقاید نیافته آن‌ها نگذاشت.

آسیه تمام این صحنه‌ها را دید و به فکر فرورفت و بالاخره بر اثر تفکر و اندیشه، نور ایمان در قلب و جان

موسی ﷺ ایمان آورده بود، اما ایمان خود را مکتوم می‌داشت، در دل به موسی ﷺ عشق می‌ورزید و خود را موظف به دفاع از او می‌دید.

۱. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، مثال‌های زیبای قرآن (امثال القرآن)، تنظیم: ابوالقاسم علیان‌نژادی، قم، نسل جوان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۰۳-۳۰۴.

۲. حزقیل به عنوان مؤمن آل فرعون یاد می‌شود. او مردی از فرعونیان بود که به

«الله» پدرم فرعون است؟ صیانه گفت: نه، منظورم خدای موسی و هارون علیه السلام است که زمین و زمان و پدرت فرعون را آفریده است! این خبر به گوش فرعون رسید. صیانه و فرزندان او را به حضور طلبید و پرسید: پروردگار کیست؟ صیانه گفت: خدای من و تو، الله است که پروردگار جهانیان است. فرعون با شنیدن این سخن بیدرنگ دستور داد تنوری را که از مس ساخته بودند، آتش کنند، سپس به ترتیب تمام فرزندان صیانه را در میان تنور آتشین افکند و سوزاند، تا نوبت به آخرین فرزند او که طفلی شیرخواره بود رسید. صیانه متقلب شد ولی طفل شیرخواره به امداد الهی به سخن آمد و گفت: ای مادر صبر کن! که این بلاها در راه حق است. سپس فرعون دستور داد خود صیانه را به میان تنور انداختند.

آسیه علیه السلام وقتی کشته شدن صیانه همسر حزقیل و فرزندان او را با این وضع فجیع و دردناک مشاهده نمود، دید که ملائکه روح صیانه را به آسمان بالا می‌برند، یقین او زیاد شد، لذا ایمان خود را ظاهر کرده و شدیداً به فرعون اعتراض کرد و گفت: وای بر

تو ای فرعون! تا کی جنایت خواهی کرد؟ چقدر به خدایت و خدای عالمیان جرئت و جسارت پیدا کرده‌ای؟ این زن و فرزندان او چه گناهی کرده بودند که آنان را به آتش کشیدی؟ فرعون گفت: مگر تو هم مثل صیانه دیوانه شده‌ای که این گونه سخن می‌گویی؟ آسیه گفت: دیوانه نشده‌ام ولیکن به خدای موسی علیه السلام که خدای عالمیان است ایمان آورده‌ام! فرعون که انتظار نداشت چنین سخن اعتراض آمیزی از همسرش بشنود و هرگز فکر نمی‌کرد که موسی علیه السلام پایگاه نیرومندی در دربار فرعون داشته باشد و آسیه علیه السلام را به آیین خود جذب کند، به شدت تکان خورد و احساس خطر کرد و دنیا در نظر او تار گردید.

چون آسیه علیه السلام را بسیار دوست می‌داشت، چیزی نگفت، بلکه به سراغ مادر آسیه رفت و به او گفت: دخترت دیوانه شده! سخن از موسی علیه السلام و خدای او بر زبان جاری می‌کند. سپس مادر آسیه و فرعون به نزد آسیه علیه السلام آمده و بزعم خود او را نصیحت کردند که دست از آیین بردار و گرنه همچون همسر حزقیل به سزایش خواهد رسید! ولی آسیه علیه السلام هرگز تسلیم خواست فرعون نشد.

خُوَیْلِدٌ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ
مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسیَةُ بِنْتُ
مُزَاحِمٍ! ^۱ برترین زنان اهل
بهشت چهار نفرند: خدیجه
دختر خویلد و فاطمه دختر
محمد ﷺ و مریم دختر
عمران و آسیه دختر مزاحم



همسر فرعون.»

مسلماً زرق و برق و جلال و
جبروتی برتر از دستگاه فرعونى وجود
نداشت همان طور که فشار و
شکنجه ای فراتر از شکنجه های
فرعون جنایتکار نبود، ولی نه آن زرق
و برق، و نه این فشار و شکنجه، آن
زن مؤمن را به زانو در نیامرد و هم چنان
به راه خود در مسیر رضای خدا ادامه
داد تا جان خویش را در راه معشوق
حقیقی فدا کرد.^۳

پیام‌ها:

سبب الگو بودن آسیه آن است که
ایمان خود را در کنار فرعون حفظ
کرد و از همه جاذبه های زندگی دنیا
گذشت و در بدترین محیط به
بالاترین مقام‌ها نائل شد.

سرانجام فرعون دستور داد دست و
پاهایش را با میخ‌ها بسته و در زیر
آفتاب سوزان قرار دهند و سنگ
عظیمی بر سینه او بگذارند.^۱ هنگامی
که آخرین لحظه‌های عمر خود را
می‌گذراند، دعایش این بود: «رَبِّ اٰیْنِ
لِیْ عِنْدَكَ بَیْتًا فِی الْجَنَّةِ وَ تَجْنِیْ مِنْ
فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهٖ وَ تَجْنِیْ مِنْ الْقَوْمِ
الظَّالِمِیْنَ (تحریم: ۱۱)؛ پروردگار من!
خانه‌ای برایم در جوار قربت در
بهشت بنا کن، و مرا از فرعون و
کارهایش رهایی بخش، و مرا از این
قوم ظالم نجات ده.» خداوند نیز
دعای این زن مؤمن پاکباز فداکار را
اجابت فرموده و او را در کنار بهترین
زنان عالم قرار داد. در روایتی از رسول
خدا ﷺ می‌خوانیم:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِیجَةُ بِنْتُ

۱. ر.ک. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۳، ص ۱۶۴.

۲. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری
بأعلام الهدی، تهران، دار الکتب الإسلامية،

۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر
نمونه، همان، ج ۲۴، ص ۳۰۴.

ترجمان نور

مکتبۃ اشعاب

آدینه

آموزش ترجمه سوره جمعه



موضوعات کلی سوره:

- تسبیح و تقدیس خداوند به وسیله تمام پدیده‌های جهان هستی؛
- بعثت پیامبران و نقش آنان در جامعه بشری؛
- تمثیل عالمان بی عمل و تشبیه آنان به درازگوشان حامل کتب؛
- ادعای یهود که دوستان خداوند؛
- حکم نماز جمعه؛
- ارزش و اهمیت کسب حلال.

فضیلت قرائت سوره جمعه

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هر کس سوره جمعه را بخواند، به تعداد کسانی که در شهرهای مسلمانان نماز جمعه را اقامه کرده و یا نکرده‌اند، ده حسنه عطا خواهد شد.»^۱

شماره صفحه (مطابق با قرآن به خط عثمان طه): ۵۵۳؛ شماره سوره: ۶۲؛ ترتیب نزول: ۱۱۰؛ محل نزول: مدینه؛ سال نزول: بعد از هجرت؛ جزء: ۲۸؛ تعداد آیات: ۱۱؛ تعداد کلمات: ۱۷۷؛ تعداد حروف: ۷۶۸؛ تعداد لفظ الله: ۱۳.

معانی سوره:

جمعه (با ضم میم) به معنای آخرین روز هفته و آدینه است.

ویژگی سوره:

در میان سوره‌های قرآن شهرت خاصی را دارا می باشد و آن اینکه نماز جمعه و حکم وجوب آن در این سوره آمده است و به همین جهت خواندن این سوره در رکعت اول نماز جمعه توصیه شده است.

۱. ۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۴۲۷.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه،

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده: «هر کس این سوره را در هر شب جمعه بخواند کفاره گناهان ما بین دو جمعه خواهد بود.»^۱

حضرت امام محمد باقر علیه السلام نیز فرمودند: «سوره جمعه و منافقون را قرائت کن، زیرا قرائت این دو سوره در روز جمعه در نماز صبح و ظهر و عصر سنت است.»^۲

در سخنی از امام صادق علیه السلام هم آمده است: «برای هر مؤمنی لازم و شایسته است که اگر شیعه ما است سوره جمعه و اعلی را در شب جمعه بخواند و در نماز ظهر روز جمعه سوره جمعه و منافقون را بخواند که اگر چنین کند مانند آن است که همسنگ عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را انجام داده است و پاداش کارهای او و ثوابهای او فقط بهشت است.»^۳

امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند: خداوند به وسیله سوره جمعه مؤمنان را گرامی داشته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله

سوره جمعه را بشارتی برای مؤمنان و سوره منافقون را توبیخی برای منافقان قرار داد به همین سبب نباید قرائت این دو سوره را در نماز جمعه ترک کرد.^۴

آثار و برکات سوره

۱. دور کننده امور خوفناک

هر کس در هر شب و روز، سوره جمعه را قرائت نماید از آنچه می‌ترسد ایمنی می‌یابد و هر چیز خوفناک و ترسناکی از او دور می‌شود.^۵

همچنین از ایشان روایت است: «هر کس در قرائت سوره جمعه مداومت ورزد اجر عظیمی نصیب او خواهد شد و از هر چیزی که موجب ترس و خوف اوست ایمن می‌گردد.»^۶

۲. دور کننده وسوسه شیاطین

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «هر کس شب‌ها و روزها در صبح و عصر، سوره جمعه را قرائت نماید از وسوسه شیطان ایمن می‌شود و خداوند

۴. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶.

۵. سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۷۱.

۶. همان.

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۶، ص ۳۶۲.

۲. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، همان، ج ۲، ص ۳۵۶.

۳. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۸.

گناه آن روز اورا می بخشد.»^۱

۳. برای حفظ زراعت

برای حفظ زراعت و محصول کاشته
از آفت‌ها و ایجاد برکت در آن‌ها آیه ۴

سوره جمعه را بر یک صدف در روز
جمعه بنویسد و در زمین کشاورزی
ببندازد همچنین اگر این آیه را بنویسد
و در هر چیزی قرار دهند سبب حفظ
و برکت در آن می‌شود.^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱) هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي
الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲) وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳) ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ
مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴) مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)

جدول کلمات (۱)

۱	يُسَبِّحُ	تسبیح می کند	۱۳	ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ	صاحب فضل بزرگ
۲	الْمَلِكِ	فرمانروا	۱۴	خُمِلُوا	مکلف شدند
۳	الْقُدُّوسِ	بسیار منزّه	۱۵	لَمْ يَحْمِلُوهَا	حمل نکردند آن را
۴	بَعَثَ	برانگیخت	۱۶	الْحِمَارِ	الاغ
۵	الْأُمِّيِّينَ	درس نخوانده‌ها	۱۷	أَسْفَارًا	کتاب‌ها
۶	يَتْلُو عَلَيْهِمْ	بر آنان بخواند	۱۸	بِئْسَ	بد است
۷	يُزَكِّيهِمْ	آنان را پاک‌شان کند	۱۹	رَسُولًا مِنْهُمْ	پیامبری از خودشان
۸	يُعَلِّمُهُمْ	آنان را بیاموزد	۲۰	كَذَّبُوا	تکذیب کردند
۹	كَانُوا	بودند	۲۱	لَا يَهْدِي	هدایت نمی‌کند
۱۰	لَمَّا يَلْحَقُوا	هنوز ملحق نشده‌اند	۲۲	الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ	مردم ستمکار
۱۱	يُؤْتِي	می‌دهد	۲۳	ضَلَالٍ مُبِينٍ	گمراهی آشکار
۱۲	مَنْ يَشَاءُ	هرکس بخواهد	۲۴	آخِرِينَ مِنْهُمْ	جماعت دیگری از ایشان

۱. همان.

۲. ضیاء‌الدین اعلمی، خواص القرآن و فوائد،

بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات،
۱۴۲۰ق، ص ۱۳۱.

الف) گزینه صحیح را علامت بزنید.

۱. الْمَلِکِ - الْقُدُّوسِ

الف) فرمانروا - بسیار منزّه

ب) فرمانروایی - پاکی

۲. بَعَثَ - یُسَبِّحُ

الف) برانگیخت - تسبیح کرد

ب) برانگیخت - تسبیح می‌کند

۳. یُؤْتِی - کَانُوا

الف) می‌دهد - بودند

ب) دادند - بودند

۴. الْأَمِیْنِ - أَسْفَارًا

الف) کتاب‌ها - درس‌نخوانده‌ها

ب) درس‌نخوانده‌ها - کتاب‌ها

۵. لَا یَهْدِی - حُمِلُوا

الف) هدایت نمی‌کند - مکلف شدند

ب) هدایت نکرد - حمل کردند

ب) ترکیب‌ها و عبارات کوتاه زیر را ترجمه کنید.

یَنْتَلُوا عَلَیْهِمْ:

یُزَكِّیْهِمْ:

یُعَلِّمُهُمْ:

لَمَّا یَلْحَقُوا:

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ:

آخَرِیْنَ مِنْهُمْ:

رُسُلًا مِنْهُمْ:

الْقَوْمَ الظَّالِمِیْنَ:

صَلَاحٍ مُّبِیْنٍ:

لَمْ یَحْمِلُوْهَا:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أُولِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٦) وَلَا يَتِمَّنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٧) قُلْ إِن الْمَوْتَ الَّذِي تَفَرَّوْنَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّوْنَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٨) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٩) فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (١٠) وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الْلَهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (١١)

جدول کلمات (٢)

١	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا	ای یهودیان	١٣	ذَرُوا	واگذارید
٢	إِن زَعَمْتُمْ	اگر گمان می کنید	١٤	الْبَيْعَ	داد و ستد
٣	مِنْ دُونِ النَّاسِ	نه مردم دیگر	١٥	خَيْرٌ لَّكُمْ	برای شما بهتر است
٤	تَمَتَّوْا	آرزو کنید	١٦	فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ	چون نماز گزارده شد
٥	وَلَا يَتِمَّنَّوْنَ	آرزو نمی کنند	١٧	انْتَشِرُوا	پراکنده شوید
٦	بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ	به سبب آنچه از پیش به دست خوش کرده اند	١٨	ابْتَغُوا	جویا شوید
٧	تَفَرَّوْنَ	فرار می کنید	١٩	لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	باشد که شما رستگار گردید
٨	مُلَاقَىٰ	ملاقات کننده	٢٠	رَأَوْا	بینند
٩	تُرَدُّوْنَ	بازگردانده می شوید	٢١	لَهُوَ	سرگرمی
١٠	يُنَبِّئُكُمْ	آگاهتان خواهد کرد	٢٢	انْفَضُّوا إِلَيْهَا	به سوی آن پراکنده شوند
١١	نُودِيَ	ندا داده شد	٢٣	تَرَكُوكَ	تو را ترک می کنند
١٢	اسْعَوْا	بشتابید	٢٤	قَائِمٍ	ایستاده

پرشش ها

(الف) گزینۀ صحیح را علامت بنزید.

١. نَمَّنَّوْا - ابْتَغُوا

(الف) آرزو کنید - جویا شوید

(ب) التماس کنید - جویا شوید

۲. تُرَدُّونَ - تَفِرُّونَ

الف) بازگردانده می شوید - فرار می کنید

ب) برگشت - فرار کرد

۳. نُودَى - مُلَاقَى

الف) ندا داد - ملاقات کننده

ب) ندا داده شد - ملاقات کننده

۴. اسْعَوْا - انْتَشِرُوا

الف) سعی کرد - پراکنده شوید

ب) بشتابید - پراکنده شوید

۵. الْبَيْعَ - قَانِمَ

الف) خرید - ایستاده

ب) داد و ستد - ایستاده

۶. ذَرُّوا - رَأَوْا

الف) واگذارید - ببینند

ب) درو کنند - بگیرند

ب) ترکیب ها و عبارات کوتاه زیر را ترجمه کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا:

إِنْ زَعَمْتُمْ:

بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ:

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ:

خَيْرٌ لَّكُمْ:

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ:

انْقَضُوا إِلَيْهَا:

يُنَبِّئُكُمْ:

تَرْكُوكَ:

وَلَا يَتَمَنَّوْنَ:

مِنْ دُونِ النَّاسِ:

سیر زندگی اسلامی

مکتب اقبال

روش‌های تربیت دینی در خانواده



۱. مقدمه

تربیت دینی به طور کلی به فرایند آموزش و رشدی اشاره دارد که در آن ارزش‌ها، اصول، و آموزه‌های دینی به افراد منتقل می‌شود. این نوع تربیت تنها محدود به آموزش مفاهیم مذهبی نیست، بلکه هدف آن پرورش شخصیت فردی است که با اعتقادات و اصول دینی زندگی می‌کند و به‌طور فعال در جهت تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه تلاش می‌کند. تربیت دینی به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی به‌عنوان دوره‌ای حیاتی و تأثیرگذار شناخته می‌شود، زیرا در این مرحله از زندگی، شخصیت و بنیادهای اخلاقی و دینی افراد شکل می‌گیرند. به همین دلیل، نقش خانواده، مدرسه، و سایر

نهادهای اجتماعی در این فرایند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. ضرورت تربیت دینی در جامعه امروز

در دنیای معاصر، با پیشرفت‌های سریع تکنولوژی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی، نیاز به تربیت دینی بیش از پیش احساس می‌شود. یکی از چالش‌های بزرگ جوامع امروزی، بحران معنویت و فاصله گرفتن افراد از اصول اخلاقی و دینی است. تغییرات سریع در سبک زندگی، گسترش مصرف‌گرایی، و فشارهای اجتماعی موجب شده است که بسیاری از افراد به‌ویژه نسل جوان، دچار بحران هویت شوند و در جستجوی معنای واقعی زندگی باشند. در این شرایط، تربیت دینی



مهندسی کردن فرایند پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری همه اعضای خانواده، به طور جامع و متعادل، بر مبنای عمل و التزام به آموزه‌های مکتب مبین اسلام، به ویژه آموزه‌های وحیانی و سیره پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین است که ثمره آن افزون بر ایجاد خانواده‌ای متعالی، پروراندن نسلی صالح و انسان‌های وارسته با پیشی ناب، گرایش‌ها و اخلاقیات عالی و متعالی در دنیا و آخرت است.

۴. ابزارهای مدیریت تربیت دینی

می‌توان از ابزارهای در دسترس برای تربیت دینی کودکان استفاده کرد، مانند قصه و داستان‌های مذهبی، محافل و مجالس مذهبی، رفتارهای مذهبی گروهی، اسوه‌ها و الگوها و... در ادامه، به شش ابزار مهم و مؤثر در مدیریت تربیت دینی خانواده پرداخته می‌شود.

به عنوان عامل راه‌گشای این مشکلات و پایداری اجتماعی می‌تواند راهکار مؤثری باشد.

بر اساس آیات قرآن و احادیث اهل بیت (ع)، جوامع اسلامی به ویژه در شرایط کنونی باید به تربیت دینی توجه بیشتری داشته باشند تا از بروز مشکلات اجتماعی گسترش‌رذایل اخلاقی، خشونت، و بی‌اعتمادی و... جلوگیری کنند.

از دیگر سو، فقدان تربیت دینی می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی به همراه داشته باشد. کمبود آگاهی دینی و اخلاقی موجب کاهش معنویت در افراد و در پی آن تضعیف ارزش‌های اجتماعی می‌شود. در بسیاری از جوامع غربی و برخی جوامع مسلمان که از تربیت دینی فاصله گرفته‌اند، بحران‌های اجتماعی و اخلاقی روز به روز شدت یافته و در شکل‌های مختلفی مانند طلاق‌های زیاد، مشکلات روانی و اجتماعی، و بحران‌های هویت دینی خود را نمایان می‌کند.

۳. تعریف مدیریت تربیت دینی در خانواده

منظور از مدیریت تربیت دینی در خانواده، رهبری، هدایت، کنترل و

۴-۱. داستان‌های آموزنده

داستان‌ها و قصه‌ها نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودک دارند. از طریق قصه‌های خوب و مذهبی، کودک با بسیاری از ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود. پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امید، آزادگی، جوانمردی، دفاع از

حق و حقیقت و استقامت در برابر ظلم، از جمله ارزش‌هایی هستند که در هسته مرکزی بسیاری از داستان‌های مذهبی قرار دارند.

برگزاری نماز جماعت، تشکیل گروه‌های مذهبی، شرکت در عبادت‌های جمعی و سرودهای مذهبی و هم‌خوانی به صورت گروهی، شرایط مناسبی برای رشد مذهبی، صفا و اخلاص فراهم می‌آورد.

مذهبی مثل مساجد، هیئت‌ها، جلسات مذهبی، اجتماعات سالم دینی در رشد و پرورش دینی بسیار مؤثر است.^۲ اگر کودکان و نوجوانان پایه‌های اعتقادی استوار و تربیت دینی درست نداشته باشند، آسیب پذیرترین قشر جامعه در مقابل امواج گناه و فساد اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آیند.

دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی نیز، بودجه فراوانی را به تهاجم فرهنگی اختصاص داده‌اند و برای آن بسیار

برنامه‌ریزی کرده‌اند و با همه ابزارها و شیوه‌ها در پی جداکردن کودکان و نوجوانان جامعه از تعالیم مقدس اسلام و هدایت‌های توحیدی و اعتقادی‌اند. پس لازم است برای صیانت آنان از این آسیب‌ها و آفت‌ها برنامه‌ریزی کرد.^۳ بردن کودکان به مساجد از این برنامه‌ها است؛ چرا که

علاوه بر این، داستان‌های مربوط به الگوهای مذهبی، نه تنها معرفت کودک را افزایش می‌دهد، بلکه موجب ایجاد علاقه و دلبستگی به این آموزه‌ها و تلاش برای پیروی از آن‌ها نیز می‌شود.^۱

۴-۲. محافل و مجامع مذهبی قرار گرفتن و حضور در مکان‌های

۱. ر.ک. بنفشه حجازی، ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۴.

۲. بردن کودکان به مساجد و سوق آنان به سوی برنامه‌های دینی از بهترین برنامه‌های هدایت است؛ چرا که مسجد در پرورش

فکری، روحی، عاطفی کودکان و نوجوانان و هدایت‌شان به صراط مستقیم براساس قرآن و عترت بسیار مؤثر می‌باشد.

۳. جواد محدثی، عشق برتر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۷.

مذهبی جذب می‌شوند و در آن‌ها عضویت پیدا می‌کنند، معمولاً از افراد

مسجد در پرورش فکری، روحی، عاطفی آنان و هدایتشان به صراط



شایسته و اصیل هر جامعه هستند. چرا که در این محافل تنها افرادی که باور و اعتقاداتی صحیح دارند، حضور می‌یابند. بنابراین، کودکان و نوجوانان در اینگونه محیط‌ها می‌توانند دوستان دینی و حقیقی خود را پیدا کنند و این حضور به رشد و تعالی روحی و روانی آن‌ها کمک می‌کند.^۱

مستقیم و براساس قرآن و عترت بسیار مؤثر باشد.

۳-۴. رفتارهای مذهبی جمعی

برگزاری نماز جماعت، تشکیل گروه‌های مذهبی، شرکت در عبادت‌های جمعی و سرودهای مذهبی و هم‌خوانی به‌صورت گروهی، شرایط مناسبی برای رشد مذهبی، صفا و اخلاص فراهم می‌آورد. وقتی کودک یا نوجوان در گروه‌های مذهبی فعالانه شرکت می‌کند، علاوه بر کسب تجربه‌های دینی، می‌تواند دوستان خوبی پیدا کند و از حضور در محیط‌های منفی و فاسد، که ممکن است او را به سمت دوستان ناباب سوق دهد، دور بماند. افرادی که به گروه‌های

۴-۴. اسوه و الگوی عملی

وجود الگوی عملی در مسائل دینی و اخلاقی، پیمودن راه مدیریت تربیت دینی خانواده را آسان می‌کند. قرآن کریم در این باره در سوره احزاب آیه ۲۱ می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ قطعاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق

۱. عباس عرشی نیاسر، مسجد گوهر بی‌همتا،

قم، معروف، ۱۳۸۷، ص ۶۷.

نیکویی است.» بنابراین باید با الگوگیری و الهام از سرمشق‌هایی که منابع دینی به ما ارائه نموده است، به تناسب سن و فهم و درک و بصیرت در اعضای خانواده، بصیرتی را به وجود آورد که اسلام ما را به آن دعوت می‌کند.

۴-۵. استدلال منطبق با ادراک مخاطب

استفاده از زبان ساده و منطقی که برای کودک قابل فهم باشد و بیان مسائل به گونه‌ای که او را قانع کند، در رشد و تربیت مذهبی او تأثیر زیادی دارد. البته این آموزش‌ها باید منظم و هماهنگ باشند، به طوری که به کودک نظم فکری بدهند و او بتواند مفاهیم را درک کرده و قانع شود.^۱

۴-۶. استفاده از فرصت‌ها و وقایع

در زندگی، گاهی فرصت‌هایی در اختیار

سرپرستان خانواده قرار می‌گیرد که می‌توان از آن‌ها به خوبی بهره برد.

برای مثال، می‌توان از مناسبت‌ها، اعیاد، سوگواری‌ها و مراسم‌های ملی و مذهبی به عنوان فرصتی مناسب استفاده کرد و در این فضاها به بحث در مورد مسائل اسلامی، اصول زندگی اسلامی، اخلاق و عادات مذهبی پرداخت. این گونه فرصت‌ها می‌توانند بستری مناسب برای آموزش رفتارهای اسلامی به کودکان فراهم آورند.^۲

۵. شیوه‌های مدیریت تربیت دینی خانواده

در اصل دو شیوه کلی برای مدیریت تربیت دینی بیان می‌شود.

۵-۱. شیوه کلامی (دستوری-بیانی)

منظور از شیوه کلامی، دستورات و

توصیه‌های والدین و دیگر اعضای خانواده در مورد رعایت بایدها و نبایدهای دینی است؛ به عبارت دیگر، شیوه

آنچه از اعمال و رفتار والدین و دیگر افراد خانواده آموخته می‌شود، بی‌آنکه به آموختن دعوت‌شده باشد، شیوه نمادین (عملی و غیرمستقیم) تربیت گفته می‌شود.

کلامی تربیت به نحوه صحبت و دستوراتی که اعضای خانواده در

۱. ر.ک. مرضیه مختاری‌پور، «اصول، اهداف، روش‌ها و فنون تربیت دینی»، پاسدار اسلام، ش ۳۷۶، اسفند ۱۳۹۱ و فروردین

۱۳۹۲، ص ۶۳-۶۵.

۲. همان.



دستورهای خود دقت کنند تا عامل بدآموزی برای فرزندان شان نشوند.^۱

۵-۲. شیوه نمادین (عمل)

آنچه از اعمال و رفتار والدین و دیگر افراد خانواده آموخته می شود، بی آنکه به آموختن دعوت شده باشد، شیوه نمادین (عملی و غیرمستقیم) تربیت گفته می شود. این گونه یادگیری و تربیت پنهانی، و در شکل گیری شخصیت اعضای خانواده بسیار مؤثر است و دامنه گسترده ای دارد.

تربیت غیررسمی و از راه عمل از شیوه های اساسی تربیتی انبیای الهی بود و برای تربیت دینی مردم از آن استفاده می کردند؛ یعنی پیش از آنکه به مردم دستوری دهند، خود به آن عمل می کردند و برای مردم الگو قرار

خصوص انجام وظایف دینی به یکدیگر می دهند، اطلاق می شود. این نوع تربیت تأثیر زیادی در رشد و شکوفایی حس دینی کودکان دارد؛ چراکه کودک در دوران کودکی به والدین خود کاملاً وابسته است و نسبت به آنان دیدگاه مثبتی دارد، بنابراین هر چیزی که از آن ها دریافت کند، آن را می پذیرد. سخنان والدین، چه دستوری و چه غیر دستوری، حتی جملات معمولی آن ها، می تواند تأثیر زیادی بر شکل گیری رفتار و افکار کودک بگذارد. از سوی دیگر، سخنان نامناسب، دروغ ها، سرزنش ها و تهدیدهایی که در محیط خانه مطرح می شود، می تواند اثرات منفی بر روحیه کودک داشته باشد. بنابراین، والدین باید در گفتار و

۱. محمد احسانی، «تربیت دینی خانواده»، معرفت.

آن گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم.^۲

استفاده از شیوه غیرکلامی و عملی در تربیت دینی کودک نیز بسیار مؤثر است و باید در این زمینه، از آن بهره گرفت. دوره کودکی دوره وابستگی و اعتماد کامل کودک به والدین است و میزان اثرپذیری او از پدر و مادر بسیار عمیق و پابرجا است؛ ازاین رو برای تربیت دینی کودک فرصت مناسبی است. بیشترین ارتباط کودک در این دوره با والدین است و ارتباط در همه ابعاد پنهان و آشکار و کلامی و غیرکلامی آن زمینه ساز رشد و تحول کودک در جنبه‌های روحی و بدنی است و کودک می‌کوشد تا آنجا که

بتواند، رفتارش را بر رفتارهای والدین منطبق کند.^۳

در این دوره کودک بسیار تیزبین است و همه صحنه‌های زندگی خانواده به‌خصوص حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضایش را در ذهنش ثبت می‌کند. از لبخندها، زمزمه‌ها و نوازش‌های والدین درس

می‌گرفتند. بیشتر مردم، به‌ویژه کودکان، از رفتار ظاهری دیگران تقلید می‌کنند یا دست کم پس از مشاهده رفتار آنان زمینه تربیت کلامی برایشان فراهم می‌شود. براین اساس، حضرت ابراهیم علیه السلام برای هدایت بت پرستان از شیوه غیرکلامی و عملی استفاده کرد و به جای موعظه و نصیحت با شکستن بت‌ها به آنان نشان داد که پرسیدن معبودهایی بی روح نفع یا ضرری برایشان ندارد و وقتی بت پرستان از او بازپرسی و او را تهدید کردند، زمینه تربیت کلامی برایش فراهم شد و با بیان قوی و استدلال منطقی به پرسش‌های بت پرستان پاسخ داد. بر اثر گفتار

منطقی و بیان شیوای حضرت ابراهیم علیه السلام، فطرت توحیدی بسیاری بت پرستان و

گروهی از آنان به دین توحیدی گرویدند.^۱ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز برای تعلیم نماز و حج و... از این شیوه استفاده کردند و فرمودند: «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي؛ نماز بگزارید،

استفاده از شیوه غیرکلامی و عملی در تربیت دینی کودک نیز بسیار مؤثر است.

۱. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، همان، ص ۴۳۵-۴۴۲.
۲. محمداقبر مجلسی، همان، ج ۸۵، ص ۲۷۹.

۳. مصطفی عباسی مقدم، نقش اسوه‌ها در تعلیم و تربیت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۱.



خوش بینی، امیدواری، اعتماد و محبت می آموزد و به عکس، از تندی‌ها، بدرفتاری‌ها و عصبانیت‌های آنان درس تندی و بداخلاقی می‌گیرد. معمولاً کودک سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی نظمی، امانت داری یا خیانت، راست گویی یا دروغ گویی، خیرخواهی یا بدخواهی را در محیط خانه فرا می‌گیرد. اگر پدر و مادر به دستورهای دینی اهمیت دهند، اهل عبادت، نماز، دعا، تلاوت قرآن و توجه به معنویات باشند، بی‌شک، بر ابعاد روحی و دینی کودک اثر می‌گذارند؛^۱ از این رو، کودک سه یا چهار ساله با مشاهده نماز خواندن والدین به

خواندن نماز ترغیب می‌شود و مانند آنان به رکوع و سجده می‌رود. فرزندان کوچکی که همراه پدر و مادر به مساجد و حسینیه‌ها می‌روند در مجالس عزاداری امام حسین (ع) شرکت می‌کنند، مانند پدر و مادر حالت گریه به خود می‌گیرند همه حاکی از تأثیر عملکرد والدین بر رفتار دینی فرزندان است. اظهار این رفتارها از کودک، تأثیر عمیق رفتار والدین بر جسم و روح او را نشان می‌تبدیل به ملکه تربیت از راه عمل می‌شود و تا پایان عمر در او باقی می‌ماند. از میان اعضای خانواده، مادر نقش بیشتری در تربیت کودک دارد؛ زیرا او نخستین کسی است که

۱. ابراهیم امینی، آیین تربیت، قم، اسلامی،

قلب کودکان پذیرای هر نوع آموزش و معرفتی است.

نیکوگویی و الفت و مهربانی در این زمینه تأثیر به‌سزایی دارد، ازاین‌رو باید والدین خود نمونه کاملی از رفتارهای دینی باشند تا در ذهن و جان کودک نقش ببندد.

۶-۲. روش معرفتی (آموزش یادگیری) کنجکاو و دانستن در فطرت همه انسان‌ها نهادینه شده است. قلب کودکان پذیرای هر نوع آموزش و معرفتی است؛ ازاین‌رو والدین باید زمینه‌های رشد، آگاهی و شناخت و کسب معرفت را در کودکان فراهم آورند و با توجه به ظرفیت ذهنی کودک و فرصت‌های موجود به او آموزش، و به پرسش‌ها و تمایلات مذهبی آنان با استدلال و منطق پاسخ دهند تا موجب رشد و تعالی معنوی کودکان و اعضای خانواده شوند.

۶-۳. روش تلقین

تلقین از روش‌های تأثیرگذار بر نفس و روح فرد است. تلقین یعنی قبولاً ندن عقیده، باور، تلقی یا احساسی به کسی که معمولاً با تکرار و بدون درک و اقناع انجام می‌پذیرد.^۳

با کودک رابطه‌ای مستقیم دارد، نیازهای او را تأمین می‌کند و به خواسته‌هایش پاسخ می‌گوید؛ ازاین‌رو کودک از عواطف، احساسات، نگرش‌ها و اندیشه‌های مادر بیشتر اثر می‌پذیرد و براین اساس، وظیفه مادر در قبال تربیت دینی کودک سنگین‌تر است.^۱

۶-۴. روش‌های مدیریت تربیت دینی خانواده

پژوهشگران، روش‌هایی برای تربیت دینی برشمرده‌اند که در ادامه به برخی از روش‌های کاربردی مدیریت تربیت دینی خانواده پرداخته می‌شود.^۲

۶-۱. روش محبت

این روش، از مهم‌ترین و بادوام‌ترین روش‌های تربیت دینی است دیدگاه فرزندان به مذهب و دین ریشه در مهر و محبت والدین دارد. استفاده از عواطف، محبت،

۱. محمد احسانی، همان، ص ۲۲.

۲. محمد اسمعیلی چوکلائی و حشمت‌الله عباسی، نقش دین در کاهش آسیب‌های روانی، تهران، مؤسسه روان‌شناسی و علوم

تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، ص ۲۷.

۳. حسن انوری، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۵۵.

۵-۶. روش اقتدار

در این روش، فرزندان با لحن محترمانه و از روی محبت، اما در عین حال محکم و متین، به رعایت مسایل دینی و انجام فرائض دینی رهنمون می‌شوند.

۶-۶. روش تکرار و مداومت

والدین با تکرار و مداومت بر اعمال مذهبی می‌توانند فرزندان را بر اساس مکتب قرآن پرور و تربیت‌پذیر بارآورند.^۲

۷. عوامل مؤثر در مدیریت تربیت دینی خانواده

در تربیت اعضای خانواده عوامل گوناگونی مانند عوامل ارثی، اکتسابی، محیطی می‌تواند نقش داشته باشد. با تأکید بر این نکته که مربیان و والدین کنونی، متربیان و فرزندان گذشته بودند که در محیط و بستر خانواده و جامعه رشد کرده اند و

به نظر روان‌شناسان سلامت بدن بیش از هر چیز، به چگونگی غذای شخص مربوط است و حالات روانی و روحی نیز همواره از حالات بدنی متأثر می‌شود

در روش تلقین از عالی‌ترین کلمات در اوج عظمت و شور معنوی استفاده می‌شود و عظمت اعمال دینی و نماز بیان می‌شود؛ مثلاً گفتن اینکه نمازگزار چهره‌ای شادمان دارد؛ حرف زشت نمی‌زند؛ راستگو است؛ غیبت نمی‌کند و... این روش در ذهن کودک جا می‌افتد و خود را تربیت‌یافته دین می‌بیند. امام علی علیه السلام به این روش توجه می‌کند و می‌فرماید: «اگر بردبار نیستی، خود را همانند بردباران نما؛ زیرا بسیار اندک اند کسانی که خود را به گروهی همانند می‌کنند و یکی از آنان نمی‌شوند.»^۱

۴-۶. روش ایجاد رغبت و جاذبه‌های

غیرمستقیم

در این روش مثلاً با در نظر گرفتن بهترین جای منزل و اتاق برای اقامه نماز و اهدای سجاده و مهر و تسبیح و عطرهای معنوی برای این فرضیه دینی، خاطره خوش و آراستگی را در ذهن متربیان تداعی می‌کند و بستر شکل‌گیری رفتارهای دینی در آنها نهادینه می‌شود.

عباسی، همان، ص ۲۷.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷.

۲. محمد اسمعیلی چوکلائی و حشمت‌الله

عملکرد انسان باید بررسی شود. به نظر روان‌شناسان سلامت بدن بیش از هر چیز، به چگونگی غذای شخص مربوط است و حالات روانی و روحی

این چرخه تکرار می‌شود، در این بحث، به مهم‌ترین عوامل مؤثر در مدیریت تربیت دینی خانواده اشاره می‌شود.^۱



نیز همواره از حالات بدنی متأثر می‌شود و بدین ترتیب، چگونگی تغذیه در رشد ذهنی و بدنی انسان اثر می‌کند.^۲ روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ع) و ائمه اطهار (ع) درباره تأثیر غذا بر اعمال و رفتار انسان در دوره‌های گوناگون زندگی وجود دارد: حضرت محمد (ص) درباره تأثیر غذا و کیفیتش بر اعمال عبادی و دعا‌های انسان فرمود: «هرکس به اندازه یک لقمه حرام بخورد، چهل شب و روز نمازش قبول نمی‌شود و دعایش به اجابت نمی‌رسد و هر گوستی که از حرام رشد کرده باشد، سزاوار آتش دوزخ است.»^۳

۷-۱. تغذیه

هرچند از دیدگاه اسلامی، حقیقت انسان جنبه روحانی و معنوی اوست و هدف اصلی تربیت نیز پرورش حس دینی و رسیدن آنان به کمالات معنوی است، ولی نمی‌توان جنبه جسمانی انسان را نادیده گرفت؛ زیرا جسم و روح رابطه متقابل دارند و هرکدام بر دیگری اثر می‌گذارند. بنابراین عوامل مؤثر در رشد جسمی انسان بر جنبه روحی او نیز مؤثر است؛ ازاین رو باید به آن توجه کرد. تغذیه، نوع غذا و کیفیتش از عوامل مؤثر بر جسم انسان است که اثرگذاری آن بر نگرش، گرایش و

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۶، ص ۳۱۴.

۱. محمد احسانی، همان، ص ۲۷.
۲. علی اکبر شعاری‌نژاد، روان‌شناسی رشد، تهران، دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸.

در روایت دیگری از رسول اکرم (ﷺ) در این باره آمده است: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ جَسَدٌ غَدِيَ بِحَرَامٍ؛ پیکری که از حرام تغذیه شده باشد، وارد بهشت نمی‌شود.»^۱

باتوجه به تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی انسان، دین اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن، درباره تغذیه مادران و فرزندان، توصیه‌های فراوانی دارد که اگر به خوبی اجرا شود، برخی مشکلات تربیتی پدید نمی‌آید. امروزه بسیاری مشکلات فردی و اجتماعی در اثر غذاهایی است که به گونه‌ای از راه حرام به دست آمده، و در خانواده‌ها مصرف می‌شود. کودکانی که با غذای حرام تغذیه شوند و دوره حساس کودکی را به این گونه سپری کنند، فطرت دینی شان را از دست می‌دهند و به هر خلاقی دست می‌زنند. دلیل بر این مطلب کلام امام حسین (ع) در روز عاشورا پس از ناامیدی از هدایت لشکریان عمر سعد را می‌توان دلیلی بر این مطلب دانست. امام (ع) خطاب به آنان فرمود: «به تحقیق، شکم‌های

شما از حرام پر شده است»؛^۲ یعنی گوشت و پوست شما از حرام پرورش یافته، و اصلاح پذیر نیستید و حتی کلام امام معصوم (ع)، بر شما تأثیر ندارد.

در این باره رسول خدا (ﷺ) به زنان باردار می‌فرمود: «در آخرین ماه‌های حاملگی زنان باردار را خرما بخورانید تا فرزندان شما بردبار و متقی شوند.»^۳ براساس این روایت، خوردن خرما در دوره بارداری توسط مادر، به تربیت دینی کودک کمک می‌کند و او را متدین و با تقوا بارمی‌آورد.

از مجموع روایات برمی‌آید که تغذیه حلال و مطلوب، اعم از شیر مادر و غذا، در دوره کودکی بر تربیت دینی کودک اثر فراوان دارد؛ از این رو بر پدران و مادران لازم است به دستورهای معصومان (ع) در این باره توجه، و از غذاهای حلال استفاده کنند تا فرزندان صالح و مفید، هم

امرونی‌های پدر و مادر و دیگر آموزگاران دینی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظام فکری و دینی کودک است.

۱. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، همان، ج ۴، ح ۹۲۷۲.
۲. جواد قیومی، صحیفه الحسین (ع)، قم،

اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۹۲.
۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، ذوی‌القربی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۹۶.



مادران با مسائل دینی آشنایی کافی ندارند و مطالبی را به فرزندانشان می‌آموزند که درواقع، خلاف احکام دینی است. آموزش‌های غلط والدین در محیط خانه موجب برداشت‌های نادرست کودک از دین می‌شود که از پیامدهای سوءش انحراف فکری فرزندان است. گناه و کیفر این گونه آموزش‌های نادرست برعهده والدین است که پس از مرگ درباره آن مؤاخذه می‌شوند.

آیات و روایات متعددی بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر دلالت می‌کند و همه مسلمانان را به اجرائش دعوت می‌کند. اما شناخت معروف و منکر از شروط اجرای این فرضیه بزرگ است؛ یعنی مجری امر به معروف و نهی از منکر باید بداند معروف و منکر چیست، وگرنه ممکن است آن‌ها را وارونه (معروف را منکر و منکر را معروف) معرفی کند.^۱

برای خودشان و هم برای جامعه تربیت کنند. شخصیت‌های بزرگ دینی و اسلامی در آغوش پدران و مادران مؤمن و متدین پرورش یافته‌اند و منشأ خیرات و برکات قرار گرفته‌اند.

۷-۲. درست‌بودن دستورهای والدین

امر و نهی‌های پدر و مادر و دیگر آموزگاران دینی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظام فکری و دینی کودک است. کودک همه فرمان‌های والدین و دیگر مربیان را درست می‌پندارد و به آن‌ها عمل می‌کند. بنابراین درست بودن فرمان‌ها شروط تربیت دینی کودک و به خصوص تربیت دینی اوست. اگر دستورهای والدین به کودک درباره احکام و معارف دینی صحیح و آگاهانه باشد، او در همه زندگی مشکل دینی نخواهد داشت؛ زیرا یادگیری در دوره کودکی بسیار پایدار و بادوام است و کودک تا پایان زندگی از آموزش‌های این دوره اثر می‌پذیرد. بنابراین لازم است نخست خود والدین با احکام و مسائل دینی آشنایی کامل داشته باشند. سپس آن‌ها را به درستی به فرزندانشان منتقل کنند. متأسفانه بسیاری پدران و

۱. دادسرای انقلاب اسلامی مبارزه با مواد

مخدر و منکرات تهران، شیوه‌های صحیح

خانواده نیز از محیط‌هایی است که باید این وظیفه عمومی در آن اجرا شود. اجرای این فریضه در خانواده شناخت پدران و مادران را از معروف‌ها و منکرهای دینی می‌طلبد. در نتیجه، درست بودن دستورهای پدر و مادر نقش اساسی در تربیت دینی کودک دارد و براین اساس وظیفه والدین بسیار سنگین است و باید بکوشند مسائل دینی را با شناخت کافی و صحیح به فرزندان بیاموزند.

۷-۳. هماهنگ بودن دستورهای والدین

از دیگر عوامل مؤثر در تربیت دینی کودک، هماهنگی مربیان و به خصوص پدر و مادر برای تربیت فرزندان، اعم از تربیت کلامی و غیرکلامی است. یعنی اگر پدر کاری را بد می‌داند و کودک را از انجام آن باز می‌دارد، مادر نیز باید آن کار را بد بداند و فرزند را از ارتکاب به آن نهی کند. اگر دستورهای والدین به کودک، هماهنگ نباشد و کودک گفتارهای ضد و نقیض از آن‌ها بشنود، به

سرگردانی دچار می‌شود و نمی‌تواند راه درست را انتخاب کند. چنین کودکانی همیشه می‌کوشند تا در برابر ارتکاب خلاف راه فراری برای خود بیابند.^۱ اما اگر والدین هماهنگ، پاینده و نباید‌های دینی را به کودک بیاموزند و از او بخواهند آن‌ها را رعایت کند، کودک تحت تأثیر فرمان‌های آنان، خود را ملزم به رعایت ارزش‌های صحیح می‌داند؛ مثلاً اگر پدر در محیط خانه به

از دیگر عوامل مؤثر در تربیت دینی کودک، هماهنگی مربیان و به خصوص پدر و مادر برای تربیت فرزندان، اعم از تربیت کلامی و غیرکلامی است.

حجاب دختر اهمیت دهد و به رعایت آن امر نماید، مادر نیز رعایت حجاب را از دختر بخواهد، معلم نیز بر این موضوع تأکید ورزد، آن دختر مسلماً خود را موظف به رعایت آن می‌داند.

براین اساس مربیان کودک و نوجوان، اعم از والدین و معلمان،

فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲.

امر به معروف و نهی از منکر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹.

۱. محمد دشتی، مسئولیت تربیت، قم، مؤسسه

شده‌ایم که با مردم به اندازه عقل‌شان سخن بگوییم.^۲ این روش در سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} نیز وجود داشت و شیوه مواجهه و گفت‌وگوی آنان با توجه به تفاوت سطح فکری و علمی افراد متفاوت بود. براین اساس امام صادق^{علیه‌السلام} در مسائل اعتقادی و اثبات صانع برای فرد اهل علم از روش پیچیده فلسفی استفاده کرد، ولی با فردی با سطح فکری پایین‌تر برای اثبات امامت و رهبری، مثال ساده چوپان و گله را مطرح نمودند.^۳ این شیوه به لحاظ تربیتی، اهمیت فراوانی دارد و بهره‌گیری مربیان از این روش و توجه پدر و مادر به آن ضروری است. می‌توان این شیوه تربیتی را در قرآن نیز یافت. خدا به پیامبرش^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم} دستور

شروط لازم برای تأثیر امرونهی والدین در محیط خانه، فهم‌پذیر بودن آن برای کودک است.

می‌دهد که در مواجهه با مردم به خصوصیات آنان، از سه روش استفاده کنند: با دسته‌ای از آنان که اهل تفکرند، با حکمت و استدلال؛ با گروه دیگر، با موعظه و نصیحت و

باید به این موضوع توجه و در آموزش ارزش‌ها و معارف دینی به کودکان، هماهنگ عمل کنند، وگرنه ممکن است کودک در اثر اختلاف عملکرد و بینش مربیان تضاد در یادگیری دچار شود و به اضطراب و بی‌اعتمادی گرفتار شود.^۱ هرگونه دستور ناهماهنگ درباره ارزش‌های دینی در محیط خانه موجب تزلزل در باورها و نظام ارزشی کودک می‌شود و در نتیجه کودک قادر به تصمیم‌گیری و نشان دادن واکنش مناسب در برابر حوادث نخواهد بود.

۷-۴. فهم‌پذیر بودن دستورهای والدین

شروط لازم برای تأثیر امر و نهی والدین در محیط خانه، فهم‌پذیر بودن آن برای کودک است. پدر و مادر باید با توجه به آمادگی ذهنی و ادراکی کودک به او دستور دهند. در اصل شیوه تعلیمات انبیاء^{علیهم‌السلام} در تبلیغ دین به مردم چنین بود که با هرکس به اندازه استعداد و سطح درک و فهمش سخن می‌گفتند؛ ازاین‌رو پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم} می‌فرماید: «ما گروه پیامبران مأمور

۱. همان، ص ۱۹۲.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳. دادسرای انقلاب اسلامی مبارزه با مواد مخدر و منکرات تهران، همان، ص ۲۳۹.



۷-۵. مطابقت گفتار و رفتار والدین

هماهنگ بودن عمل مربی با علم او از عوامل مؤثر در تربیت دینی کودک است؛ یعنی آنچه مربی از کودک می‌خواهد و به اجرای آن دستور می‌دهد، خود پیش‌تر به آن عمل کند. انطباق علم و عمل در محیط خانه، که فضای شکل‌گیری منش‌ها و باورهای دینی و اخلاقی کودک است، اهمیت فراوان دارد. پدر و مادر که نقش اساسی در تربیت کودک دارند، موظف‌اند هرگاه کاری را از کودک می‌خواهند، خود نیز به آن عمل کنند. پدر و مادر برای فرزند الگوی تربیتی‌اند پس خودشان باید پاک، متدین و عامل به دستورهای الهی باشند تا بتوانند فرزندان پاک و صالحی تحویل جامعه دهند، وگرنه چراغی که خاموش و فاقد نور است،

با عده‌ای که اهل عناد و لجاجت‌اند با جدال احسن مقابله کند.^۱ پیامبر گرامی ﷺ نیز بر اساس دستور الهی، متناسب با میزان عقل و درک مخاطب با او سخن می‌گفت و هیچ‌گاه از این روش عدول نکرد.

امروزه روان‌شناسان و کارشناسان امور تربیتی نیز به این نتیجه رسیده‌اند و بحث رعایت تفاوت‌های فردی را مطرح می‌کنند؛ یعنی هرکس خصوصیات منحصر به فردی دارد که باید به آن توجه نمود، به ویژه در دوره کودکی، رعایت این تفاوت‌ها در تربیت کودک نقش اساسی دارد. تفاوت در استعداد و میزان درک و فهم مطالب از محورهای مهم تفاوت فردی است که باید در محیط خانه به وسیله والدین رعایت شود.

پروندگان دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است، مجادله کن.»

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه

فرزند، تلفیق میان علم و عمل بود و فرزندان ایشان نیز با الهام از رفتار مادر، چنان تربیت شدند. که هرکدام مربی بزرگ مسلمانان بودند و آنان را هدایت کردند و اگر امامان نبودند، امروزه چیزی به نام اسلام وجود نداشت.

۶-۷. تأیید و تحسین رفتار نیک فرزند

تأیید رفتارهای مطلوب فرزند به وسیله والدین عامل دیگری است که در تربیت دینی کودک در محیط خانه بسیار مؤثر است. کارهای درست کودک، اگرچه غیردینی و معمولی باشد، با تأیید و تحسین والدین تداوم می‌یابد. والدین ممکن است با شیوه‌های زبانی یا عملی رفتار کودک را تأیید کنند که هرکدام در تکرار آن

ایجاد انگیزه و رغبت در افراد صالح و برقراری موازنه میان عمل و پاداش از شیوه‌های تربیتی قرآن است.

تأثیر فراوان دارد. تأیید عملی کارهای مثبت در تربیت فرزندان اثر دارد، ولی تأیید کلامی مانند گفتن آفرین... تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا کودک در دوره کودکی، برای جلب توجه والدین

نمی‌تواند به دیگران نور ببخشد.

درباره مطابقت گفتار و رفتار و اهمیت دادن به عمل، روایات فراوانی از معصومان علیهم‌السلام وجود دارد؛ مثلاً امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود: «مردم را با اعمال خود به خوبی‌ها دعوت نمایید و فقط به زبان اکتفا نکنید»؛^۱ یعنی آنچه را در گفتار، خوب یا بد می‌دانید، در عمل نیز به آن توجه کنید.

سیره معصومان علیهم‌السلام نیز نشان می‌دهد که ایشان پیش از همه به آنچه دیگران را به انجام دادنش تشویق می‌کردند، عمل می‌نمودند. فاطمه زهرا علیها‌السلام ضمن هدایت فرزندان به انجام فرایض دینی، عملاً ارزش واقعی‌اش را به آنان نشان می‌دادند. از امام حسن مجتبی علیه‌السلام نقل شده است: «در یکی از شب‌های جمعه، دیدم مادرم، زهرا علیها‌السلام، تا صبح نماز خواند و برای تک‌تک همسایه‌ها دعا کرد، ولی برای خود و اهل خانه دعایی نکرد. پرسیدم: چرا این همه برای دیگران دعا کردی و برای خود دعا نکردی؟ فرمود: فرزندم، نخست همسایه، سپس اهل خانه.»^۲

از این روایت استفاده می‌شود که شیوه حضرت زهرا علیها‌السلام در تربیت

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵، ص ۱۹.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۸۱-۸۲.

بیشتر به دستورهای آنان عمل می‌کند.^۱

ایجاد انگیزه و رغبت در افراد صالح و برقراری موازنه میان عمل و پاداش از شیوه‌های تربیتی قرآن است. در قرآن عوامل ایجاد انگیزه فراوان است. گاه قرآن با وعده پاداش فراوان و چندین برابر عمل، فرد را به انجام دادن کار نیک تحریک می‌کند؛ گاه از طریق تعلیمات عمیق دینی و اسلامی انسان را چنان صالح و متقی بار

می‌آورد که فرد، خود به دنبال کارهای با ارزش می‌رود و فقط به کسب رضایت خدا می‌اندیشد.

لسان آیات درباره پاداش‌های اخروی اعمال نیک انسان گوناگون است. برخی آیات می‌گویند که هر که عمل نیکی انجام دهد، ده برابر پاداش می‌گیرد؛ برخی تعبیر چندین برابر و برخی نیز پاداش هفتصد برابر و بی حساب را ذکر می‌کنند. این تفاوت‌ها در میزان پاداش الهی نشان می‌دهد که اجر و جزای اعمال بر اساس درجه اخلاص و نیت انسان

تعیین می‌شود؛ یعنی هر قدر کیفیت اعمال بالاتر باشد، پاداش بیشتر خواهد بود.^۲

تأیید و تشویق انجام دادن کارهای مطلوب برای ایجاد انگیزه در افراد، از روش‌های به دست آمده از آیات و روایات است و در تربیت دینی نقش اساسی دارد. مربیان و والدین وظیفه دارند که برای تربیت دینی کودکان و نوجوانان از این روش بهره گیرند. پدران و مادران به جای سخت‌گیری، تحمیل کارهای

تأیید و تشویق انجام دادن کارهای مطلوب برای ایجاد انگیزه در افراد، از روش‌های به دست آمده از آیات و روایات است.

ناخواسته، تهدید و تنبیه کودک، بجاست از شیوه متعادل و از ابراز عواطف و تأیید و

تشویق برای تربیت فرزند استفاده کنند.

برای تفکر بیشتر

۱. به نظر شما چه روش‌های دیگری برای مدیریت تربیت دینی خانواده وجود دارد؟
۲. شما بیشتر از کدام یک از این روش‌ها استفاده می‌کنید؟

۱. محمد پارسا، روان‌شناسی تربیتی، تهران، سخن، ۱۳۷۴، ص ۱۷۶-۱۸۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، همان، ج ۶، ص ۵۵-۵۶.

راهکارهای حل اختلافات و چالش‌ها در درون خانواده



۱. مقدمه

اختلافات و چالش‌ها در خانواده به عنوان یکی از مسائل پیچیده و حیاتی در زندگی فردی و اجتماعی افراد شناخته می‌شود. خانواده به عنوان نهاد بنیادین جامعه نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به شخصیت فرد ایفا می‌کند. هرگونه بحران و چالش در درون این نهاد می‌تواند به تبعات منفی قابل توجهی در زندگی افراد منجر شود.

۲. اهمیت موضوع

حل اختلافات خانوادگی یکی از مهم‌ترین نیازهای هر خانواده است که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم زیادی بر سلامت روانی و اجتماعی اعضای خانواده دارد. خانواده به عنوان نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت افراد، انتقال ارزش‌ها و تربیت نسل‌ها ایفا می‌کند. به همین دلیل، نداشتن راه‌حل مناسب برای تعارضات و اختلافات خانوادگی می‌تواند عواقب جدی و منفی برای

خانواده به عنوان نخستین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت افراد، انتقال ارزش‌ها و تربیت نسل‌ها ایفا می‌کند.

فرد و جامعه به دنبال داشته باشد.

حل اختلافات خانوادگی نه تنها به بهبود روابط درون خانوادگی منجر می‌شود بلکه در پیشگیری از مشکلات بلندمدت روانی و اجتماعی نیز نقش حیاتی ایفا می‌کند. خانواده‌هایی که به طور مؤثر اختلافات خود را مدیریت می‌کنند، کیفیت زندگی بالاتری دارند و در مواجهه با مشکلات زندگی توانایی بیشتری برای مقابله با چالش‌ها دارند. به همین دلیل، یادگیری مهارت‌های حل تعارض و برقراری ارتباط مؤثر در خانواده، می‌تواند سلامت روانی اعضای خانواده را بهبود بخشد و از بروز بحران‌های شدید جلوگیری کند.

۳. اختلافات در درون خانواده

اختلافات در درون خانواده ممکن است در قالب‌های مختلفی از جمله تعارضات زناشویی، مسائل تربیتی میان والدین و فرزندان، مشکلات

مالی و اجتماعی، و حتی تفاوت‌های فرهنگی بروز پیدا کند. در ادامه، به هریک به طور اختصار پرداخته می‌شود.

۳-۱. اختلافات زناشویی

اختلافات زناشویی ازجمله رایج‌ترین انواع اختلافات خانوادگی به شمار می‌روند. این اختلافات ممکن است ناشی از تفاوت‌های شخصیتی، انتظارات نادرست، عدم تطابق در اهداف زندگی مشترک، مشکلات در برقراری ارتباط یا حتی اختلافات جنسی و عاطفی باشد. بسیاری از این اختلافات به دلیل ناتوانی در برقراری ارتباط صحیح و فقدان مهارت‌های حل اختلافات میان زوجین رخ می‌دهد. مشکلات جنسی، مشکلات مالی، و سبک‌های مختلف تربیتی می‌توانند به تشدید این اختلافات کمک کنند.

۳-۲. اختلافات میان والدین و

فرزندان

اختلافات میان والدین و فرزندان به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی شایع است. این دوران، زمانی است که فرزندان به دنبال هویت شخصی و استقلال خود هستند و ممکن است



تفاوت‌های مذهبی، رفتارهای اجتماعی و حتی اولویت‌های زندگی مشترک ظهور یابد.

۳-۵. اختلافات تربیتی و آموزشی
اختلافات در نحوه تربیت فرزندان یکی دیگر از چالش‌های رایج در خانواده‌ها است. والدین ممکن است در مورد روش‌های تربیتی، انضباط، یا نحوه برخورد با رفتارهای خاص فرزند خود اختلاف نظر داشته باشند. در این‌گونه موارد، اگر والدین نتوانند در مورد نحوه تربیت فرزند به توافق برسند، این امر می‌تواند باعث ایجاد فشار روانی بر خانواده و آسیب به روابط آن‌ها شود.

۴. پیامدهای عدم حل اختلافات درون خانواده

۴-۱. افزایش استرس و اضطراب
اختلافات و تعارضات خانوادگی، به‌ویژه در صورت عدم حل و مدیریت

دیدگاه‌های مختلفی نسبت به ارزش‌ها و باورهای والدین پیدا کنند. در این شرایط، مسائل تربیتی مانند قوانین، محدودیت‌ها، و سبک‌های انضباطی می‌توانند منجر به بروز تعارضات زیادی بین والدین و فرزندان شوند.

۳-۳. مسائل مالی در خانواده
اختلافات مالی یکی از عوامل برجسته در بروز مشکلات خانوادگی است. در بسیاری از خانواده‌ها، مشکلات اقتصادی و تفاوت در شیوه‌های مدیریت مالی می‌تواند به بروز درگیری‌ها و تنش‌ها منجر شود. مشکلات مالی می‌تواند به کاهش اعتماد میان زوجین و سایر اعضای خانواده منتهی شود.

۳-۴. اختلافات اجتماعی و فرهنگی
اختلافات اجتماعی و فرهنگی در خانواده‌ها ممکن است به‌ویژه در خانواده‌هایی که اعضای آن‌ها از قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، یا کشورهای مختلف آمده‌اند، بیشتر بروز کند. این اختلافات می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند تربیت فرزندان،

صحیح، می تواند به شدت بر سلامت روانی اعضای خانواده تأثیر بگذارد. یکی از اصلی ترین نتایج این تعارضات افزایش استرس و اضطراب است. پژوهش ها نشان داده اند که اعضای خانواده هایی که درگیر اختلافات مستمر هستند، به طور قابل توجهی دچار اضطراب و فشار روانی می شوند. این استرس می تواند به مشکلات جسمی و روانی دیگری مانند اختلالات خواب، بیماری های قلبی، و افسردگی منجر شود. به ویژه در کودکان و نوجوانان، استرس ناشی از اختلافات خانوادگی می تواند به

خشونت خانگی نه تنها آسیب های جسمی و روانی به افراد وارد می آورد، بلکه می تواند منجر به ایجاد الگوهای رفتاری منفی در نسل های آینده شود.

مشکلات عاطفی و رفتاری در دوران رشد منجر شود. وجود تعارضات خانوادگی می تواند اعتماد به نفس افراد را کاهش

دهد و آن ها را در مواجهه با مسائل روزمره زندگی دچار تردید و اضطراب کند.^۱ به همین دلیل، حل به موقع و مؤثر اختلافات می تواند از بروز آسیب های روانی جلوگیری کرده و سطح استرس را کاهش دهد.

۴-۲. خشونت خانگی و تأثیرات منفی آن

یکی از نتایج ناخوشایند عدم حل اختلافات در خانواده ها، بروز خشونت خانگی است. خشونت خانگی به ویژه در خانواده هایی که اختلافات شدیدی دارند، می تواند به شکل های مختلفی ظاهر شود. این خشونت می تواند جسمی، روانی، یا حتی اقتصادی باشد و به تأثیرات منفی عمیقی بر فرد و جامعه منتهی شود.^۲

خشونت خانگی نه تنها آسیب های جسمی و روانی به افراد وارد می آورد، بلکه می تواند منجر به ایجاد الگوهای رفتاری منفی در نسل های آینده شود. به ویژه در کودکان و نوجوانان،

۱. ر. ک. مهتاب علوی، حامد کرمی و سکینه هاشمی، «تأثیر اختلافات خانوادگی بر روحیه و برخورد متقابل کودک در خانواده»، جامعه شناسی آموزش و پرورش، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۰۲.

۲. محمد لطفی صباغ، «اختلافات والدین و تأثیر آن بر روح و روان فرزندان»، نشریه ندای اسلام، ش ۴۸-۴۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۶۳.

که اثرات آن از محیط خانواده فراتر می‌رود. در این حالت، مشکلات خانوادگی نه تنها بر اعضای خانواده بلکه بر جامعه نیز تأثیرگذار می‌شود. افراد دچار مشکلات خانوادگی ممکن است در محیط‌های اجتماعی، تحصیلی و کاری با چالش‌های جدی مواجه شوند که به طور کلی باعث کاهش همبستگی اجتماعی و ناپایداری در جامعه می‌شود.

افراد با شخصیت‌ها و ویژگی‌های رفتاری متفاوت ممکن است درک متفاوتی از روابط داشته باشند و در نتیجه، تعارضاتی در روابط خانوادگی ایجاد شود.

۵. علل و دلایل اختلافات خانوادگی

اختلافات خانوادگی یکی از مشکلات مهمی است که خانواده‌ها در جامعه با آن مواجه هستند. این اختلافات می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله عوامل روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد شوند. شناخت علل و دلایل این

مشاهده خشونت خانگی می‌تواند باعث ایجاد الگوهای منفی رفتاری و حتی بروز خشونت در روابط آینده آن‌ها گردد. بنابراین، عدم حل اختلافات به طور صحیح در خانواده، می‌تواند به تقویت این چرخه معیوب منجر شود.

۴-۳. کاهش کیفیت زندگی

عدم حل تعارضات خانوادگی می‌تواند به تدریج کیفیت زندگی اعضای خانواده را کاهش دهد. اعضای خانواده‌ای که درگیر تعارضات حل نشده هستند، معمولاً احساس رضایت کمتری از زندگی دارند و دچار مشکلات عاطفی و روانی می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که درگیری‌های خانوادگی مداوم می‌تواند به کاهش سطح رضایت فردی و اجتماعی، کاهش بهره‌وری در محیط کار، و حتی افت عملکرد تحصیلی در کودکان و نوجوانان منجر شود.^۱

علاوه بر این، کاهش کیفیت زندگی خانوادگی می‌تواند به نارضایتی‌های اجتماعی منجر شود

پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، س ۵، ش ۵۷، اسفند ۱۴۰۱، ص ۱۰۶.

۱. امیرحسین مهدی مقدم و فاطمه کدخدایی، «تأثیر اختلافات خانوادگی و خانواده در افت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان»،



است در مواجهه با بحران های زندگی، واکنش های شدیدتری نشان دهند که این امر می تواند به اختلافات در روابط خانوادگی منجر شود.^۱

اضطراب و استرس فردی نیز از دیگر عواملی است که می تواند به تشدید تعارضات خانوادگی کمک کند. افراد تحت استرس بیشتر تمایل به واکنش های تهاجمی یا انفعالی دارند که این رفتارها می تواند به بروز اختلافات و درگیری های خانوادگی منجر شود؛ به ویژه در شرایطی که فرد با مشکلات شخصی، شغلی یا مالی دست و پنجه نرم می کند، این اضطراب ها می توانند بر روابط خانوادگی تأثیر منفی بگذارند.

۵-۲. عوامل اجتماعی و فرهنگی
عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در

اختلافات می تواند به درک بهتر مسئله و جلب راهکارهای مناسب برای حل آن کمک کند. در ادامه، به بررسی این عوامل و دلایل مختلف بروز اختلافات خانوادگی پرداخته می شود.

۵-۱. عوامل روان شناختی

عوامل روان شناختی ازجمله تفاوت های شخصیتی، اضطراب و استرس فردی، می توانند تأثیرات زیادی بر روابط خانوادگی داشته باشند. افراد با شخصیت ها و ویژگی های رفتاری متفاوت ممکن است درک متفاوتی از روابط داشته باشند و در نتیجه، تعارضاتی در روابط خانوادگی ایجاد شود. برای نمونه، افرادی که دارای ویژگی های شخصیتی مستعد به برانگیختگی هیجانی یا تکانشی هستند، ممکن

۱. ر.ک. فهمیه صادقی زمانی و محمدحسین ضرغامی، «تعیین ساختار روابط بین اعضای خانواده بر اساس ویژگی های

شخصیتی»، اندازه گیری تربیتی، س ۹، ۳۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۲۱۱-۱۸۹.

به هم پیوسته اند، ممکن است تفاوت های ارزشی و رفتاری منجر به بروز تعارضات شود. این تفاوت ها می توانند شامل

تفاوت های مذهبی، سنتی و سبک های زندگی باشند. به ویژه زمانی که اعضای خانواده نتوانند این تفاوت ها را پذیرفته

و مدیریت کنند، اختلافات به وجود می آید.

۳-۵. عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد و تشدید اختلافات خانوادگی نقش دارند. مشکلات مالی و دغدغه های اقتصادی می توانند به عنوان یکی از منابع اصلی استرس در خانواده ها عمل کنند. تحقیقات نشان داده اند که فشارهای اقتصادی مانند بیکاری، بدهی های سنگین یا درآمد پایین، می توانند منجر به تنش های شدید و در نتیجه افزایش تعارضات خانوادگی شوند.^۱ در این زمینه، زوجین و

ایجاد اختلافات خانوادگی نقش قابل توجهی دارند. یکی از مهم ترین عوامل اجتماعی که ممکن است

باعث بروز اختلافات در خانواده ها شود، فشارهای اقتصادی است. مشکلات مالی، تغییرات اجتماعی، و ناهماهنگی های فرهنگی می توانند به

روابط خانوادگی آسیب بزنند. به عنوان مثال، در شرایط اقتصادی نامساعد، ممکن است یکی از اعضای خانواده نگران تأمین نیازهای مالی باشد، که این موضوع می تواند منجر به تنش های خانوادگی شود. فشارهای اقتصادی در کنار مشکلات شغلی و ناتوانی در پرداخت بدهی ها ممکن است باعث کاهش کیفیت روابط خانوادگی و بروز تضادهای شدید در زندگی روزمره گردد.

از دیگر عواملی که در اینجا باید به آن اشاره کرد، ناهماهنگی های فرهنگی است. در خانواده هایی که اعضای آن از پیشینه های فرهنگی مختلف هستند یا از جوامع متفاوتی

در خانواده هایی که اعضای آن از پیشینه های فرهنگی مختلف هستند یا از جوامع متفاوتی به هم پیوسته اند، ممکن است تفاوت های ارزشی و رفتاری منجر به بروز تعارضات شود.

عاطفی زوجین (مطالعه موردی: خانواده های منطقه ۱۶ تهران)، پژوهشنامه

۱. ر.ک. لیلا کوچکیان و عبدالرضا ادهم، «بررسی تأثیر فقر اقتصادی بر روابط

اعضای خانواده که نمی‌توانند به‌طور مؤثر در مورد مسائل مالی خود گفت‌وگو کنند یا راهکارهای مشترک برای مشکلات مالی پیدا کنند، ممکن است به بروز شکاف‌های عمیق در روابط خود دچار شوند.

در مواردی که مشکلات اقتصادی به‌اندازه‌ای شدید باشد که فرد نتواند نیازهای اولیه خانواده را تأمین کند، این موضوع می‌تواند به نارضایتی و دلخوری میان اعضای خانواده منجر شود. در نهایت، اختلافات اقتصادی می‌تواند به طلاق یا جدایی منجر شود که اثرات منفی آن نه تنها بر روی زوجین بلکه بر روی فرزندان نیز قابل توجه است.

۶. پیامدهای حل نشده اختلافات خانوادگی

عدم حل صحیح و مؤثر اختلافات خانوادگی می‌تواند پیامدهای منفی زیادی برای اعضای خانواده و حتی جامعه به دنبال داشته باشد. این پیامدها می‌توانند به‌طور مستقیم بر سلامت روانی فرد، روابط خانوادگی، و حتی رشد کودکان تأثیرگذار باشند.

۶-۱. افزایش طلاق و جدایی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای حل نشده اختلافات خانوادگی، افزایش طلاق و جدایی میان زوجین است. یکی از عوامل اصلی افزایش طلاق، نبود مهارت‌های حل تعارض و عدم توانایی در برقراری ارتباط مؤثر است. هنگامی که اختلافات حل نشده باقی می‌مانند و طرفین قادر به رسیدن به یک توافق یا راه‌حل مشترک نیستند، ممکن است راه حل نهایی طلاق و جدایی باشد. طلاق نه تنها برای زوجین پیامدهای روانی منفی دارد، بلکه بر رشد و تربیت فرزندان نیز تأثیرات منفی می‌گذارد.

۶-۲. فرزندآوری مشکل‌ساز و آسیب به کودکان

اختلافات خانوادگی حل نشده می‌تواند به مشکلات جدی در فرزندآوری و تربیت کودکان منجر شوند. کودکان در خانواده‌هایی که با تعارضات مستمر روبه‌رو هستند، ممکن است دچار اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری شوند. علاوه بر این، کودکان ممکن است الگوهای منفی از رفتارهای خانوادگی

یاد بگیرند که در آینده در روابط خود از آن‌ها استفاده کنند.^۱ در چنین شرایطی، تأثیرات منفی اختلافات بر فرزندان می‌تواند به صورت مشکلات تحصیلی، کمبود اعتماد به نفس، و ناتوانی در ایجاد روابط سالم در آینده خود را نشان دهد.

۳-۶. کاهش اعتماد به نفس و خودباوری

عدم حل تعارضات خانوادگی می‌تواند باعث کاهش اعتماد به نفس اعضای خانواده، به ویژه افراد بالغ و نوجوانان، شود. این افراد ممکن است احساس کنند که در روابط خود ناتوان هستند یا از طرف دیگران درک نمی‌شوند. این وضعیت می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی، افسردگی و مشکلات روانی دیگر شود. همچنین، وقتی افراد نتوانند مشکلات خود را در خانواده حل کنند، ممکن است احساس شکست کنند و عزت نفس آن‌ها تحت تأثیر قرار گیرد.

۷. روش‌های حل اختلافات در درون خانواده

اختلافات خانوادگی، اگر به درستی مدیریت نشوند، می‌توانند به

مشکلات جدی در روابط افراد خانواده منجر شوند. از این رو، استفاده از روش‌های مؤثر برای حل این اختلافات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه، به پنج روش کلیدی برای حل اختلافات خانوادگی پرداخته می‌شود که بر پایه تحقیقات علمی و تجربیات روان‌شناسان معتبر استوار هستند.

اختلافات خانوادگی، اگر به درستی مدیریت نشوند، می‌توانند به مشکلات جدی در روابط افراد خانواده منجر شوند.

۷-۱. ارتباط مؤثر

یکی از مهم‌ترین اصول در حل اختلافات خانوادگی، برقراری ارتباط سالم و مؤثر است. زمانی که اعضای خانواده در مواجهه با اختلافات قادر به برقراری ارتباط باز و صادقانه نباشند، سوء تفاهم‌ها و تنش‌ها به راحتی بروز می‌کنند. در این راستا، برخی تکنیک‌های ارتباطی می‌توانند کمک‌کننده باشند:

الف) گوش دادن فعال: این تکنیک شامل توجه کامل به گفته‌های طرف مقابل، بدون قطع کردن

۱. مهتاب علوی، حامد کرمی و سکینه

هاشمی، همان، ص ۱۹۸-۲۱۳.

صحبت‌ها و بدون قضاوت است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گوش دادن فعال می‌تواند به درک متقابل کمک کرده و میزان سوء تفاهم‌ها را کاهش دهد.^۱

مثال عملی: فرض کنید یک زوج در حال بحث درباره مشکلات مالی خود هستند. در این صورت، گوش دادن فعال به این معناست که هر یک از طرفین بدون قطع کردن صحبت‌های دیگری، با دقت به نگرانی‌های طرف مقابل گوش دهند. این کار می‌تواند از تشدید تنش‌ها جلوگیری کند و به ایجاد یک فضای حمایتی و متفکرانه کمک کند؛

ب) بیان نیازها بدون انتقاد: یکی از روش‌های مؤثر در جلوگیری از تشدید تنش‌ها، بیان نیازها و خواسته‌ها به صورت غیرانتقادی است. این نوع بیان می‌تواند به طرف مقابل کمک کند تا بدون احساس تهدید یا حمله، به مشکلات پاسخ دهد.

مثال عملی: به جای گفتن «تو هیچ وقت به من گوش نمی‌دهی»، می‌توان

گفت «من احساس می‌کنم که وقتی با تو صحبت می‌کنم، توجه کافی از سوی تو دریافت نمی‌کنم و این باعث ناراحتی من می‌شود». این نوع بیان نیاز، هیچ‌گونه حمله‌ای به طرف مقابل ندارد و بیشتر بر احساسات خود شخص تمرکز دارد.

استفاده از زبان مثبت: انتخاب واژگان و جملات مثبت به جای جملات منفی یا حمله‌آمیز می‌تواند به تلطیف فضا و کاهش تنش‌ها کمک کند؛

پ) احترام به احساسات دیگران: در هنگام اختلافات، ضروری است که به احساسات و نیازهای طرف مقابل احترام گذاشته شود و از کم ارزش کردن یا نادیده گرفتن آن‌ها پرهیز شود.

این تکنیک‌ها با توجه به تحقیقات روان‌شناسی روابط، به بهبود کیفیت ارتباطات و حل مؤثرتر اختلافات در خانواده کمک می‌کنند.

۷-۲. مدیریت هیجانات و احساسات
هیجانات نقش عمده‌ای در بروز و تشدید اختلافات خانوادگی دارند.

میزان گوش دادن فعال و الگوهای ارتباطی زوجین»، خانواده‌پژوهی، ش ۴، زمستان ۱۳۸۴، ص ۳۵۰-۳۵۷.

۱. ر. ک. حسین محمودی، نسترین پاک‌راد و علی‌زاده محمدی، «بررسی اثر آموزش توجه شنیداری - موسیقایی بر

خانوادگی دارد، خشم است. برای مدیریت خشم، تکنیک‌هایی همچون شمارش معکوس، تمرینات ذهن آگاهی و صحبت با آرامش می‌توانند کمک‌کننده باشند.

۳-۷. مشاوره و مددکاری خانوادگی

در برخی مواقع، اختلافات خانوادگی از حد توان خانواده فراتر می‌روند و نیاز به مداخله حرفه‌ای دارند. مشاوره خانواده و روان‌شناسی می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا مشکلات خود را در محیطی غیرتهدیدآمیز بررسی کنند و راهکارهای مؤثری برای حل تعارضات بیابند. مشاوره

به ویژه در مواقعی که مشکلات پیچیده‌تر و عمیق‌تر می‌شوند، نقش مؤثری در بهبود روابط و حل مشکلات دارد.

مثال عملی: فرض

کنید یک زوج درگیر مشکل ارتباطی جدی شده‌اند و تمامی تلاش‌های آن‌ها برای حل اختلافات به نتیجه نرسیده است. در چنین مواقعی، مراجعه به مشاور خانواده می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با دیدگاه‌های

زمانی که اعضای خانواده در وضعیت هیجانی قرار دارند، ممکن است واکنش‌هایی متناسب با احساسات خود داشته باشند که باعث ایجاد تنش و افزایش تعارض‌ها می‌شود. بنابراین، کنترل هیجانات در مواقع اختلاف ضروری است. برخی از راهکارهای مؤثر در مدیریت هیجانات عبارت‌اند از:

الف) تمرینات تنفس عمیق: تحقیقات نشان داده است که تنفس عمیق می‌تواند به کاهش تنش و استرس در موقعیت‌های تنش‌زا کمک کند. تنفس عمیق باعث تحریک

سیستم عصبی پاراسمپاتیک شده و احساس آرامش را افزایش می‌دهد.

مثال عملی: هنگامی که در میان یک بحث خانوادگی از

کوره در می‌روید و احساس خشم می‌کنید، می‌توانید با انجام چند نفس عمیق و تمرکز بر آرامش خود، به کنترل هیجانات خود پرداخته و از ادامه تنش جلوگیری کنید؛

ب) کنترل خشم: یکی از هیجاناتی که بیشترین تأثیر منفی را بر روابط

زمانی که اعضای خانواده در وضعیت هیجانی قرار دارند، ممکن است واکنش‌هایی متناسب با احساسات خود داشته باشند که باعث ایجاد تنش و افزایش تعارض‌ها می‌شود.

جدید به مشکلات خود نگاه کرده و تکنیک های جدیدی برای بهبود ارتباطات خود بیابند. مشاوره خانواده می تواند به بازسازی روابط خانوادگی و بهبود مهارت های ارتباطی اعضای خانواده کمک کند.

۴-۷. استفاده از شیوه های حل مسئله

شیوه های حل مسئله ساختاری می توانند به خانواده ها کمک کنند تا از روش های منطقی و مشترک برای حل مشکلات خود استفاده کنند. در این روش ها، خانواده ها به جای تمرکز بر تعارضات، به دنبال راه حل های عملی هستند که نیازهای همه اعضای خانواده را در نظر بگیرند. برخی از تکنیک های حل مسئله عبارت اند از:

تعریف دقیق مشکل: اولین گام در حل مسئله، شناسایی دقیق و واضح مشکل است. در این مرحله، اعضای خانواده باید با همکاری یکدیگر مشکل را به طور واضح بیان کنند.

مثال عملی: فرض کنید اختلافات مالی در خانواده به وجود آمده است. اولین قدم این است که همه اعضای

خانواده این مشکل را به طور دقیق شناسایی کنند و ببینند چه عواملی منجر به بروز این مشکل شده است. سپس می توانند برای حل این مشکل راه حل های مختلف را بررسی کنند.

پیشنهاد راه حل ها: پس از شناسایی مشکل، هر عضو خانواده می تواند راه حل های خود را برای حل آن پیشنهاد دهد.

ارزیابی و انتخاب راه حل مناسب: در این مرحله، اعضای خانواده باید به ارزیابی راه حل ها پرداخته و بهترین گزینه را انتخاب کنند.^۱

۵-۷. تقویت مهارت های همکاری و ایثار یکی از راهکارهای مؤثر در حل اختلافات خانوادگی، ایجاد فضایی برای همکاری و ایثار است. این مهارت ها به ویژه در شرایط بحرانی، زمانی که اعضای خانواده نیاز به پشتیبانی و حمایت دارند، اهمیت پیدا می کنند. تقویت همکاری و ایثار به معنای اولویت دادن به نیازهای دیگر اعضای خانواده به ویژه در شرایط بحرانی است. این ویژگی ها به ایجاد همبستگی و تقویت روابط در

زنانشویی زوجین»، تحقیقات علوم رفتاری، ش ۴، زمستان ۱۴۰۱، ص ۷۷۵-۷۸۵.

۱. ر.ک. محمدهادی زین العابدینی و کیوان کاکابرابی، «اثر بخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت

و اجتماعی گرفته تا مشکلات فردی اعضای خانواده باشند که به حل اختلافات کمک نمی‌کنند.

شیوه‌های حل مسئله ساختاری می‌توانند به خانواده‌ها کمک کنند تا از روش‌های منطقی و مشترک برای حل مشکلات خود استفاده کنند.

خانواده کمک می‌کند و باعث می‌شود اعضای خانواده با دیدی مشترک به حل مشکلات بپردازند.

مثال عملی: اگر یکی

۸-۱. موانع فرهنگی و اجتماعی

در بعضی از فرهنگ‌ها، استفاده از مشاوره یا روان‌شناسی برای حل مشکلات خانوادگی ممکن است تابو یا نشانه ضعف تلقی شود و ممکن است نقش مشاوره در حل اختلافات خانوادگی را به طور کامل نادیده بگیرند. به طور مثال، در برخی فرهنگ‌ها، اعضای خانواده ترجیح می‌دهند که مشکلات خود را بدون مراجعه به مشاور و در چهارچوب خانواده حل کنند. این رویکرد می‌تواند مانعی بزرگ برای استفاده از روش‌های علمی و اثربخش حل اختلافات در روابط خانوادگی باشد.

مثال عملی: در برخی مناطق روستایی یا حتی در مناطق شهری با فرهنگ‌های خاص، خانواده‌ها ممکن است به جای مراجعه به مشاوره، اختلافات خود را از طریق وساطت بزرگان خانواده یا افراد خارج از حلقه

از اعضای خانواده دچار مشکل شغلی یا بیماری شده باشد، در چنین شرایطی همکاری و ایثار می‌تواند به اعضای دیگر خانواده کمک کند تا با همدلی و حمایت از یکدیگر این بحران را به راحتی پشت سر بگذارند. در نهایت، این روش‌ها می‌توانند به خانواده‌ها کمک کنند تا به طور مؤثری اختلافات خود را مدیریت کنند و روابط خانوادگی سالم‌تر و قوی‌تری برقرار سازند.

۸. چالش‌ها و موانع در حل اختلافات خانوادگی

حل اختلافات خانوادگی امری پیچیده است که تحت تأثیر موانع مختلف فرهنگی، اجتماعی و فردی قرار دارد. در ادامه، به بررسی موانع و چالش‌های مختلفی که می‌توانند فرایند حل اختلافات در خانواده‌ها را دشوار سازند پرداخته می‌شوند. این موانع می‌توانند از نگرش‌های فرهنگی

۸-۲. موانع فردی

در سطح فردی، موانع متعددی وجود دارند که می‌توانند روند حل اختلافات خانوادگی را پیچیده‌تر کنند. یکی از مهم‌ترین موانع فردی، مقاومت فرد در برابر تغییر است. انسان‌ها به‌طور طبیعی از تغییر اجتناب می‌کنند و در برخی مواقع، به‌ویژه در زمان مواجهه با مشکلات خانوادگی، افراد ممکن است از پذیرش تغییرات در خود یا در الگوهای رفتاری خود امتناع کنند. این مقاومت در برابر تغییر می‌تواند موجب ادامه یافتن و تشدید اختلافات شود.

مثال عملی: فرض کنید در یک خانواده، یکی از اعضا تمایل دارد با مراجعه به مشاوره خانواده مهارت‌های ارتباطی خود را بهبود بخشد. اما همسر یا یکی از فرزندان ممکن است با این پیشنهاد مخالف باشد و در برابر تغییرات رفتاری مقاومت کند. این مقاومت می‌تواند به‌طور جدی به فرایند حل اختلافات آسیب وارد کند. عدم آگاهی از تکنیک‌های حل اختلاف یکی دیگر از موانع فردی است که موجب پیچیدگی‌های بیشتر در حل مشکلات خانوادگی می‌شود.

مشاوره خانوادگی حل‌کننده این مسئله می‌تواند گاهی موجب عدم کارایی راهکارهای علمی و کارشناسانه در حل مشکلات خانواده شود.

از دیگر موانع فرهنگی و اجتماعی، می‌توان به مشکلات اقتصادی و فشارهای اجتماعی اشاره کرد. در شرایط اقتصادی دشوار، بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند برای حل اختلافات خود هزینه‌ای برای مشاوره پرداخت کنند یا به دلیل دغدغه‌های معیشتی، تمرکز خود را روی حل مشکلات خانوادگی از طریق شیوه‌های مناسب نمی‌گذارند.

مثال عملی: در خانواده‌هایی که با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند، ممکن است درگیری‌های مربوط به تأمین معیشت و ناتوانی در پرداخت هزینه‌های زندگی، باعث افزایش تنش‌های خانوادگی شود. در چنین شرایطی، حتی زمانی که یکی از اعضای خانواده تمایل به مراجعه به مشاوره داشته باشد، مشکلات مالی می‌تواند به‌عنوان مانعی بزرگ در راه حل اختلافات عمل کند.

در بسیاری از موارد، افراد نمی‌دانند که می‌توانند از روش‌های علمی و اثربخش مانند مهارت‌های ارتباطی مؤثر، مدیریت هیجانات، یا تکنیک‌های حل مسئله برای حل اختلافات خود استفاده کنند. این کمبود آگاهی می‌تواند باعث شود که افراد از روش‌های نادرست یا پرتنش برای مواجهه با مشکلات استفاده کنند.

یکی از مهم‌ترین موانع فردی، مقاومت فرد در برابر تغییر است.

مثال عملی: فرض کنید دو نفر از اعضای خانواده به دلیل مشکلات مالی دچار اختلاف شده‌اند و یکی از آن‌ها نمی‌داند که باید چگونه احساسات خود را بیان کند بدون اینکه طرف مقابل را تحت فشار قرار دهد. این فرد ممکن است به جای استفاده از تکنیک‌های ارتباطی

مثبت، به سرزنش و انتقاد روی آورد که خود می‌تواند موجب تشدید مشکل شود.

یکی از راهکارهای مؤثر برای حل چنین مشکلاتی، استفاده از روش‌های ذهن‌آگاهی است.^۱ روش‌های درمان ذهن‌آگاهی می‌توانند به افراد کمک کنند تا هیجانات خود را کنترل کرده و به طور مؤثرتر با مشکلات و اختلافات خانوادگی مواجه شوند. ذهن‌آگاهی باعث افزایش آگاهی فرد از احساسات خود می‌شود و به او کمک می‌کند تا به جای واکنش‌های سریع و هیجانی، تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کند.^۲

مثال عملی: فردی که با استفاده از تمرینات به کنترل خشم خود پرداخته است، می‌تواند در زمان بروز اختلافات خانوادگی، پیش از

۱. ذهن‌آگاهی به رشد سه کیفیت خودداری از قضاوت، آگاهی با قصد و تمرکز بر لحظه کنونی و توجه فرد نیاز دارد که توجه متمرکز بر لحظه حال، پردازش تمام جنبه‌های تجربه بالاواسطه شامل فعالیت‌های شناختی، فیزیولوژیکی یا رفتاری را موجب می‌شود (ر.ک. سیدهادی طباطبایی‌نیا، عشرت کریمی افشار و میترا کامیابی، «اثربخشی ذهن‌آگاهی مبتنی بر شناخت بر کیفیت زندگی و سلامت روان زنان در

معرض طلاق مراجعه‌کننده به مراکز قضایی»، نشریه پلیس زن، ش ۳۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۳۳).
۲. ر.ک. سیده طیبه انوشه، جهانگیر کرمی و سعید آریاپوران، «مقایسه اثربخشی درمان‌های ذهن‌آگاهی مبتنی بر تقویت رابطه و هیجان‌مدار بر عملکرد خانواده در زوج‌های با خودافشاگری پایین»، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ش ۶۷، تابستان ۱۴۰۳، ص ۲۱۱-۲۳۷.



وضعیت اقتصادی خانواده نپذیرد. این نوع رفتار باعث ایجاد شکاف و بی‌اعتمادی در روابط می‌شود و حل مشکلات را دشوارتر می‌کند. در نهایت، موانع فرهنگی، اجتماعی و فردی می‌توانند به طور جدی فرایند حل اختلافات خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهند. چالش‌هایی نظیر مقاومت

در برابر تغییر، کمبود آگاهی از روش‌های مؤثر حل تعارض، فشارهای اجتماعی و اقتصادی و نیز نگرش‌های فرهنگی خاص می‌توانند به تشدید بحران‌های خانوادگی منجر شوند. برای رفع این موانع، ضروری است که هم‌زمان با آگاهی‌بخشی به افراد، فرهنگ‌های جامعه نیز به گونه‌ای تغییر کنند که استفاده از روش‌های علمی و مشاوره‌ای برای حل مشکلات خانوادگی را پذیرا باشند.

۹. پیشنهادهای عملی

حل اختلافات خانوادگی تنها به یک روش ساده یا به کارگیری یک ابزار خاص محدود نمی‌شود، بلکه نیاز به رویکردی جامع و چندجانبه دارد. بررسی موانع فرهنگی و اجتماعی

واکنش‌های فوری، کمی صبر کرده و با آرامش بیشتری به اختلافات پاسخ دهد. این فرایند باعث می‌شود که تعارضات به جای تشدید، به طور مؤثر مدیریت شوند.

دشوار بودن پذیرش مسئولیت نیز یکی از موانع فردی است که می‌تواند به حل نشده ماندن اختلافات منجر شود. بسیاری از افراد به دلیل ترس از مسئولیت‌پذیری، از پذیرش نقش خود در بروز مشکل خانوادگی خودداری می‌کنند. این مسئله می‌تواند فضای خصمانه و پرتنش ایجاد کند که راه حل‌ها را سخت‌تر می‌کند.

مثال عملی: در یک خانواده، پدر خانواده ممکن است مشکلات مالی را به همسر خود نسبت دهد و هیچ‌گونه مسئولیتی را در قبال

آگاهی عمومی از روش‌های علمی و مؤثر حل اختلافات خانوادگی می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش تنش‌ها و اختلافات در خانواده‌ها داشته باشد.

پیشنهادات عملی برای حل بهتر اختلافات خانوادگی عبارت‌اند از:

۹-۱. آموزش مهارت‌های ارتباطی در مدارس و دانشگاه‌ها

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از اختلافات خانوادگی، آموزش مهارت‌های ارتباطی مؤثر به افراد از سنین جوانی است. مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان مراکزی برای آموزش تکنیک‌های ارتباطی، مدیریت هیجانات و حل تعارضات عمل کنند. این آموزش‌ها می‌تواند شامل دوره‌های آموزشی در خصوص «گوش دادن فعال»، «بیان احساسات بدون سرزنش» و «حل مسئله» باشد. ارتقای این مهارت‌ها در سنین جوانی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روابط خانوادگی در آینده داشته باشد.

۹-۲. تقویت برنامه‌های مشاوره خانواده در مراکز اجتماعی

برای حل اختلافات خانوادگی به‌طور مؤثرتر، لازم است که در مراکز اجتماعی، مشاوره‌های خانوادگی به‌صورت رایگان یا با هزینه‌های پایین‌تر در دسترس خانواده‌ها قرار گیرد. این اقدام به‌ویژه برای خانواده‌هایی که به دلایل اقتصادی

نشان داد که در برخی از فرهنگ‌ها، مشکلات خانوادگی به‌طور خصوصی و بدون استفاده از مشاوره یا مداخلات حرفه‌ای حل می‌شود. این امر در کنار مشکلات اقتصادی و فشارهای اجتماعی، می‌تواند مانع از حل مؤثر اختلافات شود.

همچنین، موانع فردی مانند مقاومت در برابر تغییر، عدم آگاهی از تکنیک‌های حل اختلاف و دشواری در پذیرش مسئولیت، به‌طور جدی بر روند حل اختلافات خانوادگی تأثیر می‌گذارد. آموزش مهارت‌های ارتباطی و استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی نظیر ذهن‌آگاهی می‌تواند به افراد کمک کند تا به‌طور مؤثرتری با مشکلات خانوادگی مواجه شوند. علاوه بر این، آگاهی از نقش فردی هر یک از اعضای خانواده در بروز تعارضات می‌تواند کمک بزرگی به مدیریت صحیح و مؤثر این مشکلات کند. با توجه به یافته‌های این مقاله،

توانایی پرداخت هزینه های مشاوره خصوصی را ندارند، ضروری است. به طور مثال، می توان در مراکز بهزیستی و نهادهای دولتی، مشاوره های خانواده را با رویکردی مبتنی بر مدل های علمی ارائه کرد.

۹-۳. ارتقای آگاهی عمومی از روش های حل اختلافات

آگاهی عمومی از روش های علمی و مؤثر حل اختلافات خانوادگی می تواند تأثیر زیادی در کاهش تنش ها و اختلافات در خانواده ها داشته باشد. رسانه ها، شبکه های اجتماعی و کتابخانه های عمومی می توانند به عنوان منابع مهم اطلاعاتی در این زمینه عمل کنند. برگزاری کارگاه های آموزشی و ایجاد پویش های عمومی برای افزایش آگاهی در خصوص تکنیک های مؤثر حل اختلافات، مانند مدیریت هیجانات و استفاده از مشاوره،

می تواند در پیشگیری از مشکلات خانوادگی کمک کند. در همین راستا، می توان با استفاده از تجربیات موفق در جوامع دیگر، الگوهایی برای اجرای چنین برنامه هایی در کشور ایجاد کرد.

جمع بندی

در نهایت، حل اختلافات خانوادگی نیازمند رویکردی چندجانبه است که شامل آموزش مهارت های ارتباطی، تقویت مشاوره های خانوادگی و ارتقای آگاهی عمومی از روش های مؤثر حل تعارضات می شود. موانع فرهنگی، اجتماعی و فردی، می توانند به طور جدی بر روند حل اختلافات تأثیرگذار باشند. با ایجاد تغییرات در این زمینه ها و توجه به اصول علمی، می توان به کاهش مشکلات خانوادگی و ارتقای کیفیت زندگی خانوادگی کمک کرد.



زلال احكام

مكتبة آفتاب
احمد

قواعد فقهی

وجوب حفظ نظام

که اگر به یکی از عناصر خلل وارد شود؛ مجموعه دچار هرج و مرج و اختلال می‌گردد؛ با بررسی متون فقهی در می‌یابیم که حفظ نظام که گاهی از آن با عنوان اصل یا قاعده فقهی یاد می‌شود در بسیاری موارد، هدف فتاوا بوده و از اوجب واجبات قلمداد گشته است و در مقابل، اختلال نظام نیز از بزرگ‌ترین محرمات به شمار می‌آید.^۳ بنابراین، مقصود از «نظام»، ساختار عامی است که انسان‌ها با حفظ آن ساختار و تطبیق حرکات خود با آن به سعادت دست می‌یابند. مضاف الیه نظام، «نوع انسانی» است (نظام نوع انسانی)، نه «اسلامی» یا «جامعه اسلامی» و امثال آن و در اصطلاح به آن «نظام عام یا کلان اجتماعی» گفته می‌شود. وقتی گفته می‌شود: «حفظ نظام واجب است»، «اخلال به نظام حرام است»، «مراعات قوانین و مقررات نظامیه لازم و مخالفت با آن

قاعده حفظ نظام از جمله قواعد کاربردی در فقه است و اهمیت حفظ نظام به حدی است که امام خمینی علیه السلام حفظ نظام را از حفظ جان حضرت ولی عصر علیه السلام مهم‌تر می‌داند و مقام معظم رهبری علیه السلام بر لزوم حفظ نظام تأکید دارند. این مهم در گرو کار اطلاعاتی عمیق برای حفظ نظام اسلامی از مخاطرات داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی است و رعایت حدود و موازین شرعی در مأموریت‌های نظامی به منظور حفظ نظام مبتنی بر آگاهی از حدود و ثغور قاعده فقهی حفظ نظام است.^۱ واژه نظام از ریشه نظم در لغت به معنای نظم دادن، تألیف، جمع، رویه، عادت و روش است^۲ و در اصطلاح، مجموعه‌ای از عناصر است که به طور منظم و با رابطه کش و واکش متقابل، برای تحقق هدف مشترک به صورت معناداری به هم پیوسته‌اند به گونه‌ای

بیروت، دار الفکر- دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج

۱۲، ص ۵۷۹.

۳. رک. همان، ص ۱۶.

۱. محسن ملک افضلی اردکانی، قاعده حفظ نظام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۵.

۲. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب،

ناصحیح است»؛ اعم از نظام اسلامی و دینی مراد است. گاهی نیز نظام به معنای «حدود و ثغور یا کیان کشور و سرزمین های اسلامی» و «حکومت یا نظام سیاسی اسلام» به کار می رود، برجسته ترین مفهوم مورد نظر فقها در متون دینی، «نظام اسلام» است و منظور از آن، «سازمان دین و موجودیت و استقرار حاکمیت اسلام است که در ادبیاتی سنتی تر و لسان فقها از آن به «بیضه اسلام» تعبیر می شود و در تعبیر امروزی تر شامل «ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان های عهده دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه است.»^۱ صیانت و حفاظت از نظام اسلام و جامعه مسلمین، لازم و واجب است؛ چه اینکه عقل و فطرت سلیم، مراعات مصالح عمومی را ضروری و لازم می داند و بنابر تلازم حکم عقل و شرع (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) واجب شرعی است. شرع مقدس نیز مستقلاً به وجوب حفظ نظام اسلام توجه نموده و با توجه به احادیث حضرات معصومین (ع) یکی از فرائض مهم الهی بر همگان، مخصوصاً حاکم اسلامی، حفظ نظام اسلام است.

ملاک وجوب حفظ نظام، مطابقت آن با «مصلحت عمومی جامعه» است؛ به عبارت دیگر، حفظ نظام به حفظ مصلحت عام برمی گردد، چنان که اخلال به آن، نادیده گرفتن همین مصلحت است، و ربطی به عسر، حرج و اضطراب ندارد، پس حفظ نظام واجب است، هر چند به عسر، حرج، اضطراب، ضرورت و ضرر منتهی نگردد؛ بنابراین، تک تک آحاد جامعه مأمور به حفظ نظام هستند. در کلمات برخی از فقها حفظ نظام به معنای «حفظ نظام اجتماعی» و یا «نظم عمومی» است. در کلمات برخی دیگر منظور از حفظ نظام، به معنای «حفظ حکومت اسلامی» است و در مواردی نیز به معنای حفظ «اساس اسلام» به کار رفته است. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «همانا حفظ نظام از واجبات بسیار مؤکد است و ایجاد اخلال در امور مسلمانان از امور مورد غضب است.» ایشان در جایی دیگر حفظ نظام را واجب عقلی و شرعی دانسته است و می فرماید: «جامعه نظم لازم دارد. اگر نظم از کار برداشته شود، جامعه از بین می رود. حفظ نظام، یکی از واجبات شرعی و عقلیه است که نظام باید محفوظ باشد.»^۱

که نظام را با خطر مواجه می‌سازد.^۱ لزوم پرهیز از دشمن، احتیاط و مراقبت دائمی از نظام.^۲ حفظ نظام اسلامی پس از شکل‌گیری آن از وظایف مشترک حاکمان اسلامی و عموم مردم است. بنابراین همان‌گونه که مسئولان نظام اسلامی باید مراقب توطئه‌های دشمن باشند و از کوتاهی در حفظ نظام اسلامی حذر کنند، بر همه ملت مسلمان نیز واجب است که به هر شکل ممکن در حفظ نظام اسلامی بکوشند. امام خمینی ره می‌فرماید:

«مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجر [تکلیف آور] است.»^۳

حفظ نظام با توجه به نوع تهدیدات دشمن متفاوت است. اگر تهدید از نوع تهدید آشکار و به صورت حمله

حفظ نظام اسلام و پاسداری از آن در گرو حفظ حکومت و دولت اسلامی است و حفظ حکومت اسلامی بدون کسب اطلاعات و اخبار در سطح جامعه و بین الملل، به حکم عقل و وجدان، امکان‌پذیر نیست. بر اساس حکم صریح عقل، هرج و مرج دارای قبح عقلی است و نظم و انتظام امور دارای حسن عقلی می‌باشد؛ شکی نیست که وجود نظام و ضرورت حفظ آن در این راستا قابل طرح است و از باب وجوب مقدمه واجب، انجام امور لازم برای تأمین امنیت جامعه اسلامی مانند عملیات تجسسی نیز جایز و لازم خواهد بود که امور متعددی بر اهمیت آن دلالت دارد مانند: وجوب دفاع از کیان اسلام به هنگام احساس خطر نسبت به اساس اسلام، هرچند تحت فرماندهی کسی باشد که منصوب از سوی امام ره نیست، وجوب خودداری از هر کاری

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

۲. «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُصْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَمِّي يُؤَفِّكُونَ (منافقون: ۴)؛ هنگامی که آن‌ها را می‌بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می‌دهی؛ اما گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود

می‌پندارند؛ آن‌ها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آن‌ها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند؟!»
۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۱۵۳؛ منظور امام ره آن است که احتمال به وجود آمدن اشکال در حفظ نظام اسلامی، تکلیف آور است و در این صورت، عقل حکم می‌کند که حراست از نظام اسلامی واجب است.

نظامی به مرزهای جغرافیایی نظام اسلامی باشد، وظیفه مسلمانان، دفاع از کشور اسلامی و بذل جان و مال در راه آن است و اگر تهدیدات از نوع نرم و به اصطلاح با توطئه های فرهنگی و شبیه آن همراه باشد، باید همه مسلمانان به نحو مقتضی با آن به مقابله برخیزند و از کیان نظام اسلامی پاسداری کنند.

از سوی دیگر، مسئله حفظ نظام، به عنوان یک واجب شرعی، در ابواب مختلف فقهی و اصولی مورد تأکید قرار گرفته است. در آیین اسلام، وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال در نظام، به هر یک از این مفاهیم، در راستای هدف اساسی اسلام یعنی سعادت دنیوی و اخروی انسان است. مقصود از حفظ نظام زندگی، رعایت اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته است و در صورت اخلال در آن، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر افتاده و دچار هرج و مرج می شود. بنابراین، حفظ نظام در برابر از هم گسیختگی و هرج و مرج اجتماعی است. کاربرد این معنا در بسیاری از ابواب فقهی شیوع دارد و در مواردی با عنوان «وجوب حفظ نظام»

و در مواردی دیگر با عنوان «حرمت اخلال نظام» از آن یاد شده است. شیخ انصاری نیز می فرماید: «الصناعات التي يتوقف النظام عليها تجب كفاية لوجوب اقامة النظام؛ کارهایی که نظام [زندگی مردم] بر آن متوقف است واجب کفایی است زیرا اقامه نظام اجتماعی لازم است.»^۱

یکی از مواردی که به وجوب حفظ نظام استناد می شود بحث عملیات تجسسی برای کشف و خنثی سازی عوامل مخل امنیت نظام اسلامی است.

از سوی دیگر عقل سلیم و شرع مقدس هر دو حکم می کنند که لازم است مصالح عمومی نظام اسلامی و مردم بر آزادی های فردی ترجیح داده شود؛ از این رو باید اخبار تحرکات مشکوک به مؤسسه و نهاد شایسته ای واگذار گردد که هدفش دفاع از حقوق و مصالح نظام اسلامی و مردم و پاسداری از کیان کشور در برابر تحرکات مشکوک دشمنان و شیاطین داخلی و خارجی است که از جمله وظایف این سازمان، عملیات تجسسی برای کسب اخبار متهمان و تحت نظر قرار دادن آن ها است.^۲

۱. مرتضی انصاری، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲. مرتضی جنتی، سیره اطلاعاتی امیرالمؤمنین امام علی (ع)، تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۹۴، ص ۳۰.

مختلف، می توان آن را به عنوان یکی از قواعد فقهی، بلکه در رأس آن ها به شمار آورد.

ادله قاعده وجوب حفظ نظام

۱. آیه ۲۱۳ سورة بقره: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأُتِرَ لِمَعَهُمُ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ لِأَذِّنَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۲۱۳)؛ مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آن ها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن ها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می کرد، با آن ها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه های روشن به آن ها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آن هایی را که ایمان آورده

بنابراین، عملیات تجسسی برای حفظ وصیانت از نظام اسلامی از «واجبات نظامیه» است؛ زیرا سامان گرفتن زندگی اجتماعی مردم متوقف بر وجود امنیت است.^۱

از طرفی، عملیات تجسسی به منظور شناسایی عوامل محل امنیت نظام اسلامی باید قاعده مند و ضابطه مند باشد و مقدمه این امر، آگاهی از احکام، قواعد و ضوابط شرعی عملیات تجسسی است؛ در اصول فقه ثابت شده است که مقدمه واجب، به حکم عقل واجب است، که بنابر قانون ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع، وجوب شرعی مقدمه واجب نیز به اثبات می رسد، از این رو، آگاهی از احکام، قواعد و ضوابط شرعی به حکم عقل و شرع، واجب است.

اصل مستخرج از این قاعده اصل حرمت اختلال نظام است که بر اساس این اصل، هر رفتار و عملی که نظم و نظام جامعه اسلامی را مختل کند و جامعه اسلامی را دچار هرج و مرج نماید، حرام است.

بنابراین، «وجوب حفظ نظام» از مسلمات فقه شیعه می باشد و از جمله احکام کلی و عامی است که در مسائل

بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.»

بر اساس آیه شریفه، علت تشریع دین رفع اختلاف از جامعه بشری است و علت اختلاف، ظلم و طغیان عده ای از انسان ها است؛ این اختلاف سبب هرج و مرج در جامعه بشری می شود و همبستگی و پیوستگی جامعه را در معرض خطر قرار می دهد؛ از این رو، ایجاد هرج و مرج و اختلاف از جامعه، کاری نادرست است و در مقابل آن، حفظ وحدت و انسجام جامعه ضرورت دارد؛^۱

۲. آیه ۱۰۵ سوره آل عمران: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران: ۱۰۵)؛ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن ها عذاب عظیمی دارند.»

این آیه شریفه به حفظ اجتماع از تفرقه و اختلاف اشاره صریح نموده است؛ جدایی بدن ها سبب جدایی در آرا و عقاید می شود و در مقابل حفظ نظام اجتماع، همبستگی عقیدتی جامعه را در پی خواهد داشت؛ بر این اساس، حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی، زمینه ساز سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه است؛ از این رو، حفظ نظام ضروری است؛^۲

۳. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «سه چیز موجب هلاکت است: پیمان شکنی، ترک سنت و جدایی از جامعه»^۳

۴. سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر تشکیل و حفظ نظام سیاسی و اجتماعی منسجم و پویا و عهد اخوت و ساختن مسجد النبی، نشانه ضرورت حفظ نظام اجتماعی است؛^۴

۵. سیره عملی امیر مؤمنان علیه السلام مبنی بر حفظ نظام دین و جامعه دینی و سکوت ۲۵ ساله در برابر جریان خلافت، نشانه ضرورت حفظ نظام اجتماعی است؛^۵

۶. سیره امام مجتبی علیه السلام در پذیرش

۱. ر.ک. سید محمد حسین طباطبائی، همان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. ر.ک. همان، ج ۴، ص ۱۵۰.

۳. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل

البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۶۹.

۴. محسن ملک افضلی اردکانی، همان، ص ۲۴۵.

۵. همان، ص ۲۵۴.

صلح با معاویه برای حفظ نظام جامعه اسلامی بود؛^۱

۷. همچنین حفظ نظام از نظر عقل، امری نیکو و پسندیده است و از این رو، عقلاً واجب است و بر اساس قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع، حفظ نظام اجتماعی شرعاً واجب است.^۲

ضرورت های لازم در مقام عملیات تجسسی

۱. عملیات تجسسی به منظور حفظ امنیت نظام اسلامی

مسئله حفظ امنیت نظام اسلامی، از اهم واجبات شرعی به شمار می آید. مقصود از حفظ امنیت نظام اسلامی، همه اقدامات تأمینی - اطلاعاتی است که برآیند آن، حفظ و قوام امنیت جامعه و مردم است و در صورت اخلال در آن، امنیت نظام اسلامی دچار مخاطره می گردد. یکی از راه های حفظ امنیت نظام اسلامی؛ اقدامات اطلاعاتی علیه دشمنان امنیت، از طریق عملیات تجسسی است؛ امام خمینی^۳ نیز جاسوسی را برای حفظ اسلام واجب می شمارد؛^۴ از این رو، عملیات تجسسی نیز برای حفظ نظام

اسلامی واجب است؛ اما این امر باید ضابطه مند و تشکیلاتی و بر اساس برنامه ریزی دقیق مبتنی بر قواعد فقهی صورت پذیرد تا از هر گونه مخالفت با شرع مقدس اسلام مصون باشد.

۲. عملیات تجسسی به منظور احقاق حقوق مردم در نظام اسلامی یکی از مهم ترین وظایف حاکم اسلامی، حفظ و احقاق حقوق مردم در نظام اسلامی است؛ از این رو، اگر افرادی قصد تجاوز به حقوق مردم را داشته باشند، عملیات تجسسی برای کشف مقاصد پلید آنان جایز و ضروری است. امنیت جانی، مالی و آبرویی از جمله حقوق مسلمانان است که هم شخص و هم حاکم اسلامی باید در استیفای این حقوق تلاش کنند.^۵ مقام معظم رهبری^۶ درباره جواز ارسال گزارش تخلفات و اختلاس برخی مقام های دولتی فرمودند:

اگر کسی مسئول حمایت و حفظ بیت المال و اموال دولتی است، از نظر شرعی و قانونی مکلف است برای احقاق حق، اطلاعات خود را در این زمینه به نهادهای مربوطه ارائه دهد...

۱. همان، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۲۶۶.

۳. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، همان، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۴. نصرت الله شمس اللهی، فقه حفاظتی ج ۱ و

۵. تهران، دفتر سیاست گذاری و نظارت

راهبردی حفاظت اطلاعات، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۹.

افراد دیگر نیز باید گزارش‌های خود را مستنداً به مسئولین مربوطه ارائه دهند تا ایشان بعد از تحقیق و تفحص و اثبات مطلب اقدام نمایند.^۱

۳. شناسایی دشمن و مخالفان نظام اسلامی و اشراف اطلاعاتی بر آن

یکی از نقاط تمرکز تفحص‌های مثبت و شرایط الزامی کسب خبر، جمع‌آوری اخبار در مقابله با دشمنان خارجی و منافقین داخلی است که تجلی روشها و ابتکارات اطلاعاتی پیامبر اکرم (ص) نیز در همین عرصه است و می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که این برآمد، عمده‌ترین هدف در سازمان اطلاعاتی پیامبر اکرم (ص) بوده است که در انجام آن شناسایی محل تجمع، شناسایی فرماندهان، شناسایی نفرات، برآورد تجهیزات، بررسی نقاط ضعف و آسیب‌پذیری، کشف طرح عملیاتی، آگاهی از میزان حضور مردمی در جبهه دشمن و مواردی از این قبیل مورد توجه قرار گرفته است.^۲

خداوند متعال در قرآن کریم درباره منافقان که دشمنان داخلی حکومت اسلامی بودند می‌فرماید:

«وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مَّسْنَدَةٌ يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (منافقون: ۴)؛ هنگامی که آن‌ها را می‌بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می‌دهی؛ اما گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می‌پندارند؛ آن‌ها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آن‌ها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند؟!»

مصدق روشن واژه «حذر» کنترل همه فعالیت‌ها و اقدامات براندازانه دشمنان و مزدوران و عوامل داخلی آنان است؛ از آنجا که حفظ نظام اسلامی واجب است مقدمه آن از قبیل عملیات تجسسی به اماکن حضور منافقان داخلی و خارجی و مراقبت، کنترل و تجسس نسبت به اعمال آن و جمع‌آوری اطلاعات و اخبارشان واجب است. در فتح مکه پیامبر اکرم (ص) به حدیفه دستور داد که پشت سنگی پنهان شود و افرادی را که از

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، أجوبة الاستفتانات، تهران، الهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۲.

۲. محمدرضا رضوان‌طلب، اطلاعات در اسلام، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷.

تجسسی برای شناخت قاچاق چیان کالا و ارز و مجاری ورود و خروج کالا و ارز توسط آنان به کشور را اثبات می‌کند.

۵. شناسایی مفسدان فرهنگی و اشراف اطلاعاتی بر فعالیتهای آنان

تأمین بهداشت فرهنگی، روانی و معنوی در فضای زندگی یکی از الزاماتی است که جامعه و حکومت را و می‌دارد تا با مشارکت هم در مسیر شناسایی تبهکاران و مهار تبهکاریها تلاش کنند. آزادی افراد فاسد، فقط تا زمانی است که دامنه فساد آنان به دیگر افراد جامعه سرایت نکند و گرنه سوء استفاده از آزادی، ممنوع خواهد بود. همان‌گونه که هیچ کس نمی‌تواند با تمسک به این حق، محیط کوچه و خیابان را به زباله و غیر آن آلوده گرداند، یا با دود سیگار فضای عمومی یک اتوبوس یا یک محیط عمومی را مسموم نماید و یا حتی کارخانه و مرکزی داشته باشد که سلامت را از محیط‌های اطراف سلب کند.^۵

سپاه خودی به سوی دشمنان مخفیانه تردد می‌کنند، شناسایی نماید.^۱

در جنگ احزاب، پیامبر اکرم ﷺ، خوات بن جُبیر را برای شناسایی نقاط ضعف بنی قریظه مأمور می‌نماید^۲ و در جنگ خُنین با فرستادن ابن ابی حدرد اسلمی به درون اردوگاه نظامی دشمن، طرح عملیاتی آنان را شناسایی می‌کند.^۳

۴. شناسایی اخلاک‌گران اقتصادی و اشراف اطلاعاتی بر قاچاق کالا و ارز

با آنکه در گذشته، مناسبات اقتصادی از اهمیت امروزی برخوردار نبوده و به‌گونه امروز، عامل تأثیرگذار در جامعه تلقی نمی‌شده، ولی در روایات آمده است که حضرت امیر ﷺ، خود، روزها در بازار کوفه به بازرسی می‌پرداخت و در حالی که تازیانه خود را در دست داشت، به تمامی بازارها سرکشی می‌کرد و مردم را به تقوا و رعایت قوانین حقوقی فرمان می‌داد.^۴

اشراف اطلاعاتی بر مسئله قاچاق کالا و ارز که از چالش‌های نظام اسلامی است، ضرورت عملیات

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲۱، ص ۲۲۹.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، تحقیق مارسدون جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق، ص ۴۶۰.

۳. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه،

بیروت: دارالمعرفه، ج ۲، ص ۸۶.

۴. ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۴.

۵. محمدرضا رضوان‌طلب، همان، ص ۱۷۳.

۶. ارزیابی کارگزاران حکومتی و بررسی و تحقیق پیرامون مدیران مراکز حساس در نظام اسلامی

سلامت پیکره سیستم اداری هر جامعه‌ای، مرهون نظارت شایسته از سوی زمامدار آن است، زیرا اگر سیستم ارزیابی و نظارت متولیان امور، جدی و سالم عمل کند، مانع بسیاری از تباهی‌ها، انحراف‌ها و فسادها شده و جامعه به رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهد. چه بسیارند خلافاکاری که امکانات حکومتی را در مسیر مطامع شخصی خود به کار می‌گیرند و یا از آن به عنوان ابزاری برای نابودی حکومت بهره می‌جویند و دیگران که با دیدن زمینه باز خلافاکاری به خیل آنان می‌پیوندند.

حضرت امیر^ع در سخنی به مالک اشتر^ر می‌فرماید: «مراقبت پنهانی از کارگزاران آنان را بر امانتداری و خوشرفتاری با مردم تحریض و تشویق می‌نماید.»^۱

بر اساس روایت فوق، شنود و رهگیری مکالمات کارگزاران حکومتی که اطلاعات فوق سری کشور اسلامی در اختیار آنان است ضروری است زیرا این امر سبب امانتداری آنان از اسرار نظام اسلامی گشته و حفظ

امنیت و ثبات نظام را در پی دارد؛ از این رو عملیات تجسسی در این موارد ضرورت دارد.

همچنین از آنجا که امور جامعه و بیت‌المال مسلمانان در اختیار کارگزاران کشوری و لشکری است؛ علاوه بر گزینش اولیه، باید پیرامون آن‌ها تحقیق و تفحص کامل صورت پذیرد؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید.»

از آنجا که مسئولیت‌ها در نظام اسلامی امانت است باید به افراد امین سپرده شود؛ از این رو تحقیق و بررسی از این مدیران ضرورت دارد.

برای تفکر بیشتر

به نظر شما در چه موارد دیگری می‌توان از قاعده فقهی وجوب حفظ نظام استفاده کرد؟

آیا آشنایی با این قاعده شما را در فهم و حل مسائل شرعی آگاه‌تر کرد؟

احکام اداری نظامی



از جمله مسائل اساسی نظام اسلامی، مسئله فقه اداری - نظامی است که کشف و اجرای دقیق آن مایه کارآمدی و رشد روزافزون حکومت اسلامی خواهد شد. مسئله فقه اداره، محصول تعامل فقه اداری - نظامی با آموزه های دینی است؛ آموزه هایی که بیانگر ارزش ها و روش های اداری - نظامی بر اساس شرع مقدس اسلام هستند. فقه اداری - نظامی همچون سایر امور، پدیده ای است که هر یک از اجزای آن در ذیل یکی از عنوان های پنج گانه احکام شرعی^۱ واقع می شود؛ از این رو ضروری است به این احکام به عنوان چراغی روشننگر فراروی کارمندان و مدیران اداری - نظامی نگریسته شود و با بهره گیری از فتاوی مقام عظمای ولایت، امام خامنه ای (عجله الله تعالی فرجه له)، وظایف این عزیزان در برابر مسائل شرعی پیش رو روشن گردد؛

فقه امور اداری - نظامی در میان دیگر گرایش های فقهی از اهمیت کلیدی و راهبردی برخوردار است، بر اساس تحلیل فقهی در موضوع فقه اداری - نظامی؛ این امر به هشت زیرمجموعه کلیدی تقسیم می شوند؛ این هشت زیرمجموعه عبارت اند از «فقه آموزش سرمایه انسانی»، «فقه انگیزش»، «فقه استخدام»، «فقه تأمین سرمایه انسانی»، «فقه بیت المال»، «فقه نظارت» و «فقه انتصابات و ترفیعات» و «فقه خدمات و امور رفاهی»؛ از سوی دیگر فقه اداری - نظامی، دارای قواعد فقهی ویژه ای چون قاعده «اطاعت از مافوق» و قاعده «گزینش اصلح» (شایسته سالاری) است. در نوشتار حاضر به بررسی احکام استخدام و آموزش و ترفیعات پرداخته می شود. زیرا فراگیری احکام ضروری و مورد ابتلا بر صاحبان مشاغل، لازم

۱. وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه.

است و می‌توان گفت: مسائلی را که کارکنان بخش‌های اداری - نظامی غالباً به آن‌ها احتیاج دارند، واجب است یاد بگیرند. مقام معظم رهبری «عجله» در پاسخ به این پرسش که: «آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می‌کند، گناهکار است، می‌فرماید: اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار است.»^۱

احکام اداری - نظامی

۱. استخدام و ورود به خدمت

س. آیا به لحاظ سازمانی و شرعی افرادی که سنشان کمتر یا بیشتر از حد نصاب قانونی است، می‌توانند جذب سازمان شوند؟

ج. تخطی از شرایط عمومی استخدام جایز نیست، لکن مواردی که قانون مستثنا کرده، یا ضرورت سازمانی حسب تشخیص مسئولان امر اقتضا نماید، اشکال ندارد.^۲

۱-۱. استخدام با مدرک جعلی و تقلب

س. اگر فردی با مدرک جعلی و یا

سند سازی وارد سازمان شود چه حکمی دارد؟

ج. استخدام با مدرک جعلی حرام است و نسبت به حقوق دریافتی موجب ضمان است.^۳

س. اگر کسی در طول تحصیل برای امتحانات تقلب کرده اکنون هم پشیمان است آیا حقوقی که متناسب با مدرک تحصیلی کسب کرده مشکل شرعی دارد یا خیر؟ چگونه می‌توان مشکل را برطرف کرد؟

ج. تقلب کار درستی نیست، اما اگر در استخدام حقی از کسی ضایع نشده باشد و فعلاً شرایط استخدامی را داشته باشد و مطابق وظیفه محوله عمل کند حقوق دریافتی اشکال ندارد.^۴

۱-۲. استخدام با گرایش‌های

سیاسی

س. خدمت برخی کارکنان رسمی که دارای گرایش‌های سیاسی غیر از گرایش ولایت‌پذیری دارند در سازمان نیروهای مسلح چه حکمی دارد؟

ج. تا زمانی که شرایط عمومی استخدام در سپاه را داشته باشد ادامه خدمت اشکال ندارد.^۵

۱. اسلامی امام صادق «ع»، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، س ۶.

۲. علی کارشناس و محمد محمدپور، احکام

اداری - نظامی بر اساس فتاوی امام

خامنه‌ای «عجله»، قم، پژوهشگاه علوم

۱-۳. استعمال برای اطمینان به صحت مدارک

س. آیا مسئولان سازمان برای اطمینان به صحت مدارک ارجاعی افراد به سازمان، مجاز به استعمال از مراکز مربوط هستند؟

ج. اگر برای رفع ابهام باشد اشکال ندارد.^۱

۱-۴. معاینه عورت جهت استخدام
س. آیا معاینه عورت افراد توسط یک مؤسسه نظامی جایز است؟

ج. جایز نیست، مگر برای معالجه باشد.^۲

۱-۵. رعایت قانون مقررات استخدامی سپاه

س. برخی از افراد دچار امراض خاص در حین یا طول مدت خدمت می شوند در حالی که قبلاً در اوایل دوره خدمت سالم بودند، این گونه افراد جهت دریافت درجه بایستی تست ورزشی سنگین دهند و گر نه طبق قانون بهداری از سپاه اخراج می شوند، چه راه حلی وجود دارد؟

ج. باید طبق قانون مقررات استخدامی سپاه و با رعایت اخلاق

اسلامی با آن ها رفتار گردد.^۳

۱-۶. وضعیت ادامه کار کارمند معتاد

س. با توجه به اینکه قانون افراد معتاد را مریض می داند بعضی از کارکنان قبل از استخدام در نیروهای مسلح سالم بودند و پس از استخدام معتاد شدند. آیا از لحاظ فقهی مریض بایستی از سازمان تسویه شود؟

ج. باید مطابق قانون مقررات استخدامی اقدام گردد.^۴

۱-۷. التزام به شرایط استخدام

س. آیا انسان می تواند بعد از قبول شرایط استخدامی نیروهای مسلح و استخدام شدن نسبت به پوشش لباس شرایط و ضوابط و آیین نامه ها اظهار بی علاقه و قبول نداشتن و عدم رعایت آن را بکند؟
ج. خیر نمی تواند.^۵

۱-۸. وسیله قرار دادن سازمان برای ارتقای شخصی

س. آیا انسان می تواند با نیت و علم وارد سازمان بشود و آن را پله برای ارتقای علمی، تحصیلی، شغلی، هنری و غیره قرار دهد؟ و پس از فارغ شدن از

۴. همان، ص ۱۲۳.

۵. همان.

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. همان.

هنرآموزی در اختیار دیگر مراجع قرار دهد؟

ج. چنانچه تخطی از ضوابط و مقررات سازمانی باشد جایز نیست.^۱

۲. آموزش، ترفیعات و انتصابات

۲-۱. آموزش

الف) آموزش معارف و احکام اسلامی:
س. آیا می توان افراد بی تفاوت را در سازمان مجبور به فراگیری معارف دین و احکام و... نمود؟

ج. فراگیری آموزش های معارف و احکام اسلامی مطابق برنامه آموزشی بر همه افراد واجب و تخلف از آن جایز نیست.^۲

ب) سستی و بی حوصلگی در آموزش:
س. ساده انگاری، تسامح، تساهل، غفلت، بی علاقگی، بی حوصلگی و... در آموزش ها چه حکمی دارد؟

ج. شایسته نیست، بلکه در مواردی حرام است.^۳

پ) خارج شدن از کلاس بدون مرخصی:

س. بعضی از فراگیران درخواست می کنند به دلیل آنکه نتوانسته اند از مسئول آموزش مرخصی بگیرند حضور

آن ها در لیست حضور و غیاب منظور شده تا وی بتواند به کار شخصی خود برسد از آنجا که بسیاری از فراگیران شاغل بوده و حقوق دریافت می کنند حکم ساعاتی که این گونه از کلاس ها خارج می شوند چیست؟

ج. این گونه امور تابع ضوابط و مقررات مربوطه می باشد و چنانچه خلاف آن عمل کنند و حقوق بگیرند، جایز نیست و موجب ضمان است.^۴

ت) کشته شدن نیرو در حین آموزش و رزمایش:

س. با توجه به ضرورت آموزشی و اقدامات احتیاطی مجوز شهید اعلام کردن افرادی که در طی مراحل آموزش از دنیا می روند چگونه قابل توجیه است؟ برای کنترل روحی و روانی و جلوگیری از یکه تازی برخی از فرماندهان و مدیران چه اقدام سازمانی و عملیاتی می توان انجام داد چون بعضاً این رفتارها باعث بدبینی افراد نسبت به سپاه، انقلاب و اسلام می شود؟

ج. کشته شدن در آموزش های رزمی و رزمایش های عملیاتی حکم شهید را دارد؛ البته واجب است فرماندهان محترم همه اقدامات تأمینی برای

۳. همان، ص ۱۲۴.

۴. همان.

۱. همان.

۲. همان.

بی نظمی در سپاه باشد یا مفسده دیگری داشته باشد، جایز نیست.^۳

ج) وسایل نیروهای آموزشی پس از انفکاک از خدمت:

س. نیروهای آموزشی که به دلایلی مثل معافیت پزشکی از خدمت منفک می شوند وسایلی دارند که تازه تحویل گرفته اند و برخی را استفاده کرده اند و این وسائل برای سازمان مفید نیست، آیا می توانند آن ها را به دیگران ببخشند؟ ج. اگر منع قانونی نداشته باشند اشکال ندارد.^۴

ح) استفاده از مهارت ها در بیرون از سازمان:

س. افرادی که با آموزش های سازمانی مهارت هایی را کسب نموده اند و آن مهارت ها را در بیرون از سازمان به کار گرفته و کسب درآمد نمایند چه حکمی دارد؟

ج. چنانچه برخلاف ضوابط و مقررات سازمانی نباشد و منافاتی با انجام وظایف سازمانی و محوله نداشته باشد اشکال ندارد.^۵

جلوگیری از سوانح در آموزش ها و رزمایش ها را انجام دهند.^۱

ث) حضور نیافتن نیرو در برنامه های سازمانی:

س. خارج شدن از همایش ها، گردهمایی ها، کلاس های آموزشی، برنامه های سازمانی برای افرادی که مأمور شده اند به امر فوق و پرداختن به دیگر امور سازمانی چه شخصی و چه سازمانی و درک نکردن تمام اهداف برنامه با توجه به اینکه ما وارد هستیم چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست، بلکه اگر موجب اتلاف وقت و بیت المال گردد حرام خواهد بود.^۲

ج) حضور اساتید غیر معتقد در مراکز آموزشی:

س. فردی استاد است و در مراکز آموزشی تدریس و به امر تعلیم و تربیت می پردازد و یا مسئول دانشگاهی از مجموعه سپاه است و اعتقادی به لباس سپاه ندارد آیا می تواند مربی باشد؟

ج. در صورتی که حضور این گونه افراد اثر منفی تربیتی آموزشی در مخاطبین داشته باشد یا موجب

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۲۵.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۲۶.

۲-۲. ترفیعات

الف) ملاک ترفیعات:

س. آیا مسئولین می توانند با توجه به نزدیکی و هماهنگی تر بودن درجات سرداری بعضی را اعطا نمایند و در حق دیگران نوعی کم کاری شود، آیا این کار جایز است؟

ج. ملاک ترفیعات قانون مقررات استخدامی و نتیجه ارزشیابی پرسنل می باشد و تخلف از آن جایز نیست.^۱

ب) اعطا و ترفیع درجات:

س. آیا فرماندهان می توانند به بهانه اینکه یک فرد نظامی به واسطه مشکلات خانوادگی توانایی خدمت در شهرستان ها را ندارد جلوی ترفیع درجه آن ها را بگیرد و ترفیع آن را ابلاغ نکند؟ آیا ضرر و زیان مالی که متوجه این افراد می شود و حق زن و بچه آنان است مسئولیتی را متوجه فرماندهان نمی کند؟

ج. اعطای درجات ضوابط و مقررات خاص خود را دارد و تخطی از آن جایز نیست.^۲

س. تعدادی از نیروها فقط در فکر درجه گرفتن هستند و سازمان هم بدون در نظر گرفتن کارایی، به وی درجه می دهد و این افراد کارایی در سازمان

ندارند مثلاً درجه فردی ۱۵ است، ولی چون کارایی ندارد در جایگاه ۱۳ به کارگیری می شود و مزایای درجه ۱۵ را می گیرد، آیا این حقوق از نظر شرعی حرام است یا خیر؟

ج. اگر در اعطای درجه، قانون و مقررات ترفیعات مراعات نشده باشد، اشکال ندارد.^۳

س. چرا در سپاه موقعی که زمان ترفیع درجه کارکنان فرا می رسد می گویند چون جایگاه ندارید درجه کارکنان را به موقع نمی دهند و می گویند برای خود جایگاه سازمانی پیدا کنید، آیا این وظیفه سازمان است یا خود کارکنان که جایگاه سازمانی را برای خود پیدا کنند. این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. در فرض سؤال وظیفه سازمان است که با اجرای مقررات افراد را در جایگاه های سازمانی مناسب منصوب کند تا هم مأموریت های سازمانی انجام گیرد و هم ترفیع و حقوق کارکنان به موقع داده شود.^۴

س. درجه بنده ۶ است، ولی در پست سازمانی با جایگاه بالاتر خدمت می کنم و حقوق آن جایگاه را دریافت می کنم، آیا از نظر شرعی اشکال ندارد؟

۳. همان، ص ۱۲۷.

۴. همان.

۱. همان.

۲. همان.

ج. اگر مغایرت قانونی نداشته باشد اشکال ندارد.^۱

س. برادرانی با مدارک دیپلم در نیروی انتظامی استخدام می شوند اولین درجه ابلاغ آن‌ها رزم‌آور درجه ۷ می باشد و این در حالی است که در سپاه درجه ابلاغ آن‌ها درجه ۶ و یک درجه پایین تر ابلاغ می گردد. این تفاوت درجه در دو سازمان چه حکمی دارد؟
ج. هر یک از سازمان‌های نظامی و انتظامی باید به اجرای قانون مقررات استخدامی مربوط به خود متعهد باشند و تخطی از آن جایز نیست.^۲

س. افرادی هستند که درجه آن‌ها با شغلشان تناسب ندارد یا مثلاً چند جایگاه بالاتر از جایگاه حقوقی کار می کنند. آیا می شود مبلغی به عنوان اضافه کار به آن‌ها پرداخت کرد؟ هر چند که بعد از ظهر در محل کار نبوده اند! این مبلغ به این علت پرداخت می شود که کار آن‌ها زیاد است و با جایگاه حقوقی فرد تناسب ندارد مثل کسی که جایگاهش ۱۰ یا ۱۵ است و در جایگاه ۱۷ کار می کند؛ البته این کار با اجازه مسئول رده یا معاونت صورت می گیرد، چه حکمی دارد؟

ج. چنانچه اقدام بر اساس قانون و

مقررات باشد جایز است، در غیر این صورت جایز نیست و موجب ضمان است.^۳

پ) کسب مقام و درجه با مدرک جعلی:
س. حکم افرادی که با سندسازی و مدرک‌سازی توانسته اند به پست و مقام و درجه برسند چیست؟

ج. اولاً در مشاغل سمت‌ها و پست‌ها و درجاتی که کارکنان بر اساس قانون و مقررات استخدامی نیروهای مسلح و از طریق مبادی و مجاری قانونی احراز کرده‌اند تشکیک و تردید جایز نیست؛ ثانیاً در مفروض سؤال اگر مورد یا موارد نادری عناوین مذکور بر خلاف قانون و مقررات گرفته باشد در حکم غاصب و نسبت به حقوق و مزایایی که گرفته‌اند ضامن خواهند بود.^۴

ت) کسب درجه بدون گذراندن دوره‌های عقیدتی و نظامی:

س. اگر فردی بدون گذراندن دوره‌های عقیدتی و نظامی مورد نیاز کسب درجه نماید، و تعهد بدهد که بعداً طی دوره‌های خواهد گذراند آیا حقوق دریافتی او اشکال دارد یا نه؟

ج. اگر منع قانونی و مقرراتی نداشته

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۲۸.

۴. همان.

باشد اشکال ندارد.^۱

۲-۳. انتصابات

الف) رعایت مقررات در عزل و نصب:

س. به طور معمول، عزل و نصب‌ها باید بر اساس: لیاقت، توانایی، تعهد و تخصص باشد. در برخی موارد، افرادی حب و بغض‌ها و یا جناحی بودن را لحاظ می‌کنند. از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. در عزل و نصب رعایت مقررات لازم است و خلاف آن جایز نیست.^۲

س. سازماندهی و انتصاب در خارج از رسته و تخصص و تجربه که منجر به عدم پاسخ‌گویی صحیح و عمل به دستورالعمل و ابلاغیه‌ها می‌گردد چه حکمی دارد؟

ج. در فرض سؤال جایز نیست.^۳
س. امروز در مراکز نظامی متأسفانه گاهی شاهد عدول از منویات فرماندهی کل قوا هستیم؛ به طوری که ایشان فرموده‌اند به درجات سرهنگی اعتبار دهید لکن مسئولین افراد جدید الورد و با درجات سروانی و سرگردی را به عنوان مسئول اداره به کارگیری می‌نمایند، آیا این کار جایز است؟

ج. عزل و نصب بر خلاف قانون مقررات استخدامی و اعمال سلیقه شخصی فرماندهان و مدیران جایز نیست.^۴

ب) انتصابات صوری:

س. در بعضی از مواقع فرماندهان با انجام تبعیض و یا به هر دلیل که در نظر آن‌ها موجه می‌باشد اقدام به تصویب جایگاه شغلی بالاتر برای افرادی می‌کنند تا حقوق آن‌ها زیاد شود و حتی امکان دارد آن فرد در آن جایگاه خدمت نکند چه حکمی دارد؟

ج. انتصاب افراد باید بر اساس مقررات باشد و تخلف از آن و انتصابات صوری جایز نیست.^۵

پ) به کارگیری نیروها:

س ۲۷. در نواحی مختلف افراد با توجه به اینکه آموزش‌های لازم را طی کرده‌اند و با توجه به رشته و رسته خودش به کارگیری نمی‌شوند و فرماندهان نواحی، سلیقه‌ای نیروها را به کارگیری می‌نمایند، لطفاً حکم شرعی را بیان فرمایید.

ج. در صورتی که منع قانونی داشته باشد جایز نیست.^۶

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۳۱.

۶. همان.

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۲۹.

۳. همان.

به عدم توانایی نیروی تحت امر، مسئولیتی واگذار یا او را ابقا کند و سبب کم کاری و ضرر و زیان به بیت المال بشود، مسئول خواهد بود.^۲

۲-۴. تکلیف کارمندان

الف) انجام وظایف سازمانی:

س. اینجانب یک کارمند یا نظامی هستم و باید ۸ ساعت در اداره مشغول کار باشم. به طور قطعی می دانم که یک ساعت کار تخصصی من، جبران هشت ساعت کار اداری را می کند. آیا از نظر شرعی می توانم یک ساعت کار تخصصی را جایگزین هشت ساعت کار اداری نمایم؟

ج. ملاک در این گونه امور، قانون و مقررات مربوطه می باشد و باید طبق آن عمل شود و تخلف از آن جایز نیست.^۳ س. در صورتی که برنامه معینی جهت انجام امور کاری ارائه نشود و خودمان برنامه ای ارائه دهیم، آیا باید طبق همان عمل کنیم؟

ج. اگر رده مافوق به شما تفویض اختیار کرده باشد که خودتان برنامه ارائه دهید و آن را عمل کنید، باید بر طبق آن عمل کنید.^۴

س. شخص، پس از گذراندن دوره های آموزشی بر اساس مدرک تحصیلی و سنوات خدمتی جایگاهی را به دست می آورد، ولی فرمانده او را در یک جایگاه پایین تر با کار زیادتر با حقوق کمتر به کار می گیرد، حکم آن چیست؟

ج. در به کارگیری کارکنان لازم است مصالح سازمان از یک سو ورسته، درجه یا رتبه، مدرک تحصیلی و سنوات خدمتی و حقوق قانونی نیروها از سوی دیگر مورد توجه فرماندهان قرار گیرد.^۱

ت) واگذاری مسئولیت به کسی با علم به عدم توانایی اوک

س. اگر در جایی از مجموعه های نظامی تغییری ایجاد شود مثلاً یک نیرو کم شود بعد از آن، فرمانده آن یگان شخص دیگری را جهت آن مسئولیت انتخاب کند، ولی آن شخص عدم توانایی خود را در آن مسئولیت اعلان نماید و فرمانده به اجبار او را در این مسئولیت ابقا نماید کوتاهی ها و عدم توانایی هایی به وجود آمده در آن مسئولیت از نظر شرعی بر عهده چه کسی است؟

ج. در فرض چنانچه فرمانده با علم

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۳۷.

۴. همان.

ب) کار شخصی در ساعات اداری:

س. آیا کارمند در ساعات اداری مجاز است که کار شورای مساجد و یا تعاونی‌ها را در مسجد انجام دهد، و به صورت مأمور به خدمت در محل‌های مذکور خدمت نماید؟

ج. بستگی به مقررات اداره دارد.^۱

س. اگر کارمند در محل کار خود در اداره، ساعات بیکاری زیادی داشته باشد و مجاز نباشد که در این ساعات در بخش‌های دیگر کار نماید، آیا جایز است در اوقات بیکاری کارهای شخصی مربوط به خودش را انجام دهد؟

ج. اقدام به انجام کارهای شخصی در اثنای کار در محل کار، تابع مقررات و اجازه قانونی مسئول مربوطه است.^۲

س. آیا فرد می‌تواند در اوقات بیکاری در محیط نظامی در برخی مشاغل که وجود دارد مطالعه نموده و ادامه تحصیل در مقاطع بالا بدهد در صورتی که از مدرک وی در آینده استفاده شخصی می‌کند؟

ج. انجام دادن کارهای شخصی در محل خدمت و در زمان اداری تابع

ضوابط و مقررات و منوط به اجازه فرماندهان یا مدیران صاحب اختیار قانونی است.^۳

س. ما در یک مؤسسه نظامی کار می‌کنیم و محل کارمان در دو مکان جداگانه است و بعضی از برادران در مسیر رفتن از یک مکان به مکان دیگر کارهای شخصی انجام می‌دهند که وقت زیادی می‌گیرد، آیا برای انجام این کارها باید اجازه گرفت یا خیر؟

ج. اشتغال به انجام کارهای شخصی در ساعات رسمی مقرر برای کار، احتیاج به اجازه مسئول بالاتر، که این حق را داشته باشد، دارد.^۴

س ۱۵. در وقت اداری اگر شخص کاری نداشته باشد آیا در مواقع استراحت می‌تواند به کارهای شخصی و یا غیره بپردازد؟

ج. اگر بر خلاف ضوابط و مقررات نباشد یا با اجازه مافوق باشد اشکال ندارد در غیر این صورت جایز نیست.^۵

۳. علی کارشناس و محمد محمدپور، همان، ص ۱۴۰.

۴. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، ص ۴۸۳، ۱۹۷۳.

۵. علی کارشناس و محمد محمدپور، همان، ص ۱۴۰.

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتانات از محضر امام خمینی(ره)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۵۳۲، س ۱۴۶.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، ص ۴۸۳، س ۱۹۷۱.

شخصی افراد باید به فتوای مرجع تقلید خودشان عمل کنند، اما در تکالیف سازمانی در صورتی که فتوای مرجعشان مخالف ولی فقیه باشد باید مطابق نظر ولی فقیه عمل کنند.^۲

س. آیا اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟

ج. اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است، صادر کرده باشد، مخالفت با آن‌ها جایز نیست.^۳

(ث) اطاعت از دستور سازمانی:

س. به عنوان راننده استخدام شدم به من دستور می‌دهند باید راننده آمبولانس باشی، ولی به علت نداشتن مهارت لازم می‌ترسم، یک بار هم تصادف کردم و خسارت را جبران نمودم، آیا می‌توانم دستور را اطاعت نکنم؟ لطفاً حکم شرعی را بیان نمایید.
ج. تخلف از دستور سازمانی جایز نیست و عدم مهارت خود را به اطلاع مقام مسئول برسانید.^۴

(پ) رعایت سلسله مراتب و اطاعت از مافوق:

س. آیا درجات نیروهای نظامی و انتظامی بر اساس شایستگی‌ها به افراد داده می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، چرا رعایت سلسله مراتب درجات در سپاه نمی‌شود، مثلاً بسیار مشاهده می‌شود که می‌بایستی سرهنگ از سرهنگ و یا سرگرد از سرگرد اطاعت کند و نیروی او باشد این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. در فرض سؤال اگر مطابق قانون و مقررات و اختیارات قانونی باشد اشکال ندارد در غیر این صورت محل اشکال است.^۱

(ت) ملاک عمل در تکالیف شخصی و سازمانی:

س. در سازمان با توجه به اینکه فقیه جامع الشرایط فرماندهی آن را به عهده دارد آیا افراد باید به فتوای مرجع تقلید خودشان در امر احکام مربوط به شغل خودشان عمل کنند یا باید مطابق با فتوای فرماندهی کل قوا که خودش فقیه و صاحب رساله است جمع بین این دو چگونه است؟

ج. در مفروض سؤال در تکالیف

۱. همان، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، ص ۱۴.

س ۶۹.

۴. علی کارشناس و محمد محمدپور، همان،

ص ۱۵۳.

ج) اجازه مسئولان سازمان در امور اداری:

س. آیا در ادارات، مجوز رئیس، معاونین و یا یکی از مسئولین رده پایین تر، جهت انجام کارهای غیر اداری کافی است؟ مثل: خریدن نان از بیرون اداره، شرکت کردن در مراسم بیرون اداره، شرکت در جلسه های بسیج و زیارت حاجی و...، یا بخشش قسمت کمی از ساعت کار اداری، به عنوان مثال: صبح اگر کمی دیرتر بیاییم و آخر وقت هم که اداره ساعت ۲ تعطیل می شود، چند دقیقه به ۲ کارت ها را می زنند و از نظر اداره معفو است. بفرمایید حکم شرع مقدس چیست؟

ج. اگر مقام مسئول اختیار قانونی داشته باشد، اجازه او کافی است.^۱
س. آیا می توان در دستگاه های دولتی، در وقت اداری، با اذن رئیس اداره، کلاس و جلسات قرآن تشکیل داد؟

ج. جایز نیست و در وقت اداری باید آماده کار اداری بود، ولی اگر رئیس اداره اختیار قانونی داشته باشد اجازه او کافی است.^۲

چ) موقع و مستمر در محل کار:

س. در اکثر مراکز برای حضور و غیاب دستگاه ساعت زنی نصب شده، ولی مسئولین از این امر مستثنا می باشند. مشاهده می شود اکثر سر وقت نمی آیند و در بعضی مواقع زودتر می روند حکم این چگونه است؟

ج. تمام نیروها باید به وظایف قانونی خود عمل کنند و تخلف از آن جایز نیست، بلکه مسئولان و فرماندهان باید در عمل، الگوی صحیح برای نیروهای تحت امر باشند.^۳

س. سرهنگ نظامی هستم. ۲۹ سال خدمت کرده ام. الحمدلله هر کاری را که به من سپرده شده، انجام داده ام، ولی در مورد حضور به موقع سر کار، کوتاهی کرده ام و به طور متوسط در طول خدمتم روزانه ۴۰ دقیقه تأخیر داشته ام. برای اینکه مشغول الذمه بیت المال نباشم، تکلیف شرعی من چیست؟

ج. ملاک در این گونه امور، قانون و مقررات مربوطه می باشد و باید طبق آن عمل شود.^۴

س. دیر حاضر شدن در محل کار در صورتی که فرمانده تأیید کند چه حکمی دارد؟

۳. همان.

۴. همان.

۱. همان، ص ۱۵۴.

۲. همان.

۲-۵. حقوق و مزایا

الف) حقوق دریافتی:

س. اینجانب درجه حقوقی ام به ۱۸ رسیده است و حقوق ۱۸ دریافت می‌کنم. لکن در جایگاه ۱۷ اشتغال دارم. به لحاظ بهره‌مندی از حقوق و مزایای جایگاه ۱۸، متقاضی آن درجه شده و تشکیلات متبوع نیز با آن موافقت نموده است. اخذ حقوق و مزایای جایگاه ۱۸، که در آن اشتغال ندارم، از لحاظ شرعی چگونه می‌باشد؟

ج. اگر پرداخت حقوق و مزایای مذکور، مطابق مقررات و قوانین مربوطه باشد، اشکال ندارد.^۱

ب) مسئولیت به تعویق افتادن حقوق کارکنان:

س. بنده مسئولیت نیروی انسانی یک ناحیه را بر عهده دارم، از وظایف نیروی انسانی پیگیری حقوق و مزایای شغلی کارکنان بر اساس وظیفه و شغل آنها است. حال با توجه به اینکه در کمیسیون نیروی انسانی شغل افراد مشخص می‌شود و سپس می‌بایست جایگاه آن شغل برای افراد اعمال شود، اگر پس از ارسال مدارک لازم برای

ج. چنانچه تأیید فرمانده بر اساس اختیارات قانونی باشد اشکال ندارد.^۱

س. آیا از لباس و کفش نظامی می‌توان در امور غیر نظامی و شخصی استفاده نمود؟

ج. بستگی به مقررات و ضوابط سازمانی دارد.^۲

ح) رعایت مقررات امنیتی و حفاظتی:

س. احکام مربوط به حفاظت اطلاعات در حوزه‌های تحقیق و بررسی و وضعیت کارکنان و صدور مجوزهای دریافت درجات و صدور احکام مشاغل را بیان نمایید؟

ج. تابع ضوابط و مقررات و شرح وظایف سازمانی حفاظت اطلاعات می‌باشد و تخلف از آن جایز نیست.^۳

س. بعضاً برادرانمان در حفاظت سپاه یک نفر به عنوان نماینده حفا در سه مجموعه فعالیت می‌نمایند و از امکانات هر سه مجموعه استفاده می‌کنند (امکانات اعم از سهم لباس، اتاق کار، و سایر ملزومات اداری و...) لطف بفرمایید نظر تان در این خصوص چیست؟

ج. تابع ضوابط و مقررات سازمانی می‌باشد و تخلف از آن جایز نیست.^۴

۱. همان، ص ۱۵۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۵۶.

۴. همان، ص ۱۵۸.

۵. همان، ص ۱۶۰.

اعمال جایگاه در رده بالا اعمال حقوق چند ماه به تعویق بیفتد و بعد معوقه هم از طرف سازمان اعمال و پرداخت شود و افراد احساس تضییع حقوق خود را داشته باشند آیا ما به عنوان نیروی انسانی مدیون خواهیم بود؟

ج. در فرض سؤال بر شما حقی نخواهند داشت.^۱

ب) ممانعت از پرداخت حقوق افراد:

س. حکم افرادی که در جابجایی ها حقوق رده های جدا شده را نمی دهند چیست؟

ج. چنانچه مطابق مقررات حقوقی به آن ها تعلق می گیرد ممانعت از آن جایز نیست.^۲

ت) حقوق با مدرک جعلی:

س. تکلیف کسانی که با ارائه مدرک جعلی سعی در اخذ درصد جانبازی دارند که باعث افزایش یک پارامتر در حقوق می شود چیست؟

ج. در فرض سؤال، جایز نیست و حقوق دریافتی با چنین مدرکی حرام و موجب ضمان است.^۳

ث) استیفای حقوق:

س. کارهای خارج از وظیفه به فردی

می دهند و می گویند حق شما را می دهیم، ولی بعد از اتمام کار یادشان می رود تکلیف چیست؟

ج. فرد می تواند از طریق مبادی قانونی استیفای حق نماید.^۴

ج) مزایای شغل:

س. اینجانب فرمانده یکی از پادگان ها بودم و از مزایای شغل آن پادگان که ۱۵۰ درصد بود استفاده می کردم. اکنون در قسمت دیگری که مزایای آن ۹۰ درصد می باشد، انجام وظیفه می کنم. آیا می توانم مثل گذشته از مزایای آن پادگان استفاده نمایم؟ در صورت عدم جواز، آنچه در یافت نموده ام، چه حکمی دارد؟

ج. بستگی به مقررات پادگان دارد، و با فرض تغییر سمت، فقط می توانید از مزایای سمت فعلی استفاده کنید و اگر چیزی زاید بر آن دریافت نموده اید، باید مسترد دارید.^۵

چ) پرداخت اضافه کاری تشویقی:

س. پرداخت اضافه کاری تشویقی از سوی مدیران به کارکنان، علاوه بر اضافه کاری انجام شده، چه حکمی دارد؟ در ضمن، بعضی مدیران اظهار

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۶۹.

۱. همان، ص ۱۶۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۶۸.

خ) استفاده از امکانات سازمانی (بیت المال):

س. اگر انسان از طریق دوستان، همکاران و بستگان خود که در مجموعه سازمان مشغول به کار هستند و اختیاراتی دارند از امکانات در اختیار آن‌ها استفاده کند چه حکمی دارد؟

ج. استفاده از امکانات سازمانی تابع ضوابط و مقررات خاص خود می‌باشد؛ تخلف از آن در حکم غصب و موجب ضمان است.^۴

س. آیا می‌توان از امکانات سازمان به صورت امانی تحت هر عنوانی استفاده کرد؟ با علم به اینکه عدم استفاده از وسیله موجب مستهلک شدن آن می‌شود مثلاً لاستیک ماشین، باتری ماشین، زنجیر چرخ و دیگر امکانات، دوربین کامپیوتر، ماشین حساب و دستگاه‌های تایپ و فتوکپی.

ج. هرگونه تصرف و استفاده از امکانات سازمان بیت‌المال تابع ضوابط و مقررات مربوطه می‌باشد و تخلف از آن در حکم غصب و موجب ضمان است.^۵

س. برخی افراد یا مسئولان در ادارات یا ارگان‌ها و مراکز نظامی،

می‌دارند کارکنان در ازای اضافه کاری دریافتی، می‌بایست به همان اندازه فعالیت اداری داشته و یا به فکر اداره باشند. از نظر شرعی، چه حکمی دارد؟ ج. تابع مقررات اداره است و تخلف از مقررات جایز نیست.^۱

س. پرداخت اضافه کاری، اضافه بر کارکرد نفر در سازمان که بیشتر جنبه تشویقی دارد و بنا به تدبیر مسئول و یا فرمانده صورت می‌گیرد آیا جایز است؟ ج. بستگی به ضوابط و مقررات و اختیارات قانونی مسئول یا فرمانده دارد و تخلف از آن جایز نیست.^۲

ح) رد کردن ساعات اضافه کاری بیشتر: س. بنده افرادی را جهت اضافه کاری بنا به اقتضای کاری نگه می‌دارم و بعد از اتمام فاقد سرویس می‌باشیم جهت جبران کرایه ماشین می‌توانم اضافه کاری (ساعتی بیشتر) برای نامبرده به امور مالی رد کنم؟

ج. بستگی به ضوابط و مقررات سازمانی و اختیارات قانونی مسئول یا فرمانده دارد و تخلف از آن جایز نیست.^۳

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۷۳.

۴. همان، ص ۲۱۷.

۵. همان.

فقط به خاطر اینکه صبح زودتر از دیگران به محل کار آمده و دیرتر از همه از کار مرخص می شوند، از امکانات بیت المال استفاده شخصی می کنند و جواز استفاده از این وسایل را بیشتر کار کردن در اداره توجیه می نمایند. از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. استفاده شخصی از امکانات بیت المال مجاز نیست، مگر با مجوز قانونی.^۱

س. بعضی اشخاص یا افراد وسایل نقلیه بیت المال را در امور شخصی مثل: مسافرت خانوادگی، رفت و آمد زن و فرزند و سایر کارهای شخصی استفاده می کنند. از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج. جایز نیست.^۲
س. به جز ولی امر مسلمین، شخص دیگری، در هر مقام و منصبی که باشد، آیا حق دارد به دیگران اجازه استفاده شخصی از بیت المال را بدهد؟

ج. استفاده شخصی از بیت المال،

بدون اجازه مسئول ذی ربط قانونی که حق اجازه دادن را داشته باشد، مجاز نیست و موجب ضمان است.^۳

س. کسی که برخلاف مقررات قانونی از اموال دولتی استفاده شخصی یا غیر شخصی نموده، تکلیف شرعی او چیست؟

ج. استفاده از اموال دولتی برخلاف مقررات موجب ضمان است، و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نماید.^۴

س. اینجانب مسئولیت انبارداری را به عهده دارم، و هر مدّتی مبلغی پول از آن سازمان جهت خرج انبار و دیگر کارهای سازمان دریافت می کنم، و پول نزد من به امانت است تا موقع حساب سال، حال اگر از این پول خرج کنم و یا جنس بخرم و بفروشم و استفاده بکنم تکلیفم چیست؟

ج. تصرف و استفاده از پول و سایر اموال دولت تابع مقررات دولت است.^۵

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۱۹.

۴. سیدروح الله موسوی خمینی، استفتانات از

محضر امام خمینی، همان، ج ۳، ص ۴۹۹، س ۵۰.

۵. همان، ص ۵۲۱، س ۱۱۰.

بصیرت سی

مکتبہ اشرفیہ
کراچی

تحولات سوریه؛

روندها و چشم اندازها



مقدمه

تحولات اخیر در سوریه به عنوان یکی از مهم ترین کشورهای همسو و همراه جبهه مقاومت، کانون توجه و تحلیل های متعددی را بر آینده و روند سیاسی سوریه و سیستم حکومتی آن پس از سقوط بشار اسد متمرکز کرده است. بدون تردید روند سریع تحولات اخیر در سوریه که منجر به فروپاشی نظام سیاسی طی ده روز

شد به وضوح نشان داد که هیچ دولتی نمی تواند بدون حل بحران های ساختاری و اقتصادی و برطرف کردن بی اعتمادی عمومی به توانایی حکومت در مدیریت بحران های داخلی بقای خود را تضمین کند. البته این سقوط تنها نتیجه ناتوانی دولت در کنترل بحران های داخلی نبود، بلکه برنامه ریزی های بازیگران منطقه ای و بین المللی خواهان سرنگونی بشار اسد و تغییر نظام در



وفق دهند.
موضع گیری های
اولیه احمد الشرع
ملقب به ابومحمد
الجولانی رهبر تحریر
الشام دست کم در
کوتاه مدت، چنین

سمت و سویی را نشان می دهد. او
بلافاصله با ساقط کردن دولت اسد به
افراد عضو این گروه دستور داد به
نهادهای و اموال عمومی آسیب نزنند و
همچنین اداره امور دولت تا زمان
تحویل رسمی به حاکمان جدید،
تحت نظارت محمد الجلالی
نخست وزیر سوریه باقی بماند. این
سناریو با چند معضل اساسی روبه رو
است؛ نخست این امکان محتمل
است که گروه های زیرمجموعه هیئت
تحریر الشام از قبیل جیش الاحرار،
جبهه فتح شام، جبهه انصارالدین،
جیش السنه، لواء الحق و جنبش
نورالدین زنکی سر تقسیم قدرت
سیاسی با یکدیگر درگیر شوند. دوم
این گروه ها از سوی بسیاری از
قدرت های جهانی و سازمان ملل به
عنوان تروریسم طبقه بندی شده اند که
ادغام آن ها در ترتیبات بین المللی را
با چالش روبه رو می کند.

سوریه و تحریم های گسترده و فلج
کننده از سوی آن ها مزید بر علت شد.
به نظر می رسد تحولات سوریه که
منجر به تغییرات ژئوپلیتیک جدیدی
در منطقه شده، آینده سوریه را در
معرض سناریوی های محتمل
متعددی قرار داد که تأثیر متقابل این
عوامل، مدل و شکل آینده نظام
سیاسی این کشور را شکل خواهد
داد. این سناریوها را می توان به
صورت زیر خلاصه کرد:

سناریوی اول: تشکیل دولت مرکزی دموکراتیک

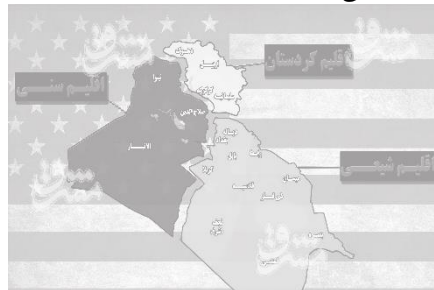
یک سناریوی مهم در ارتباط با
سوریه، تشکیل دولتی جدید است.
طبق این سناریو، گروه های تروریستی
که اکنون مخالفان مسلح یا معارضان
نامیده می شوند تلاش می کنند با
خارج شدن از پوسته افراطی گری،
خود را با سازوکارها و ترتیبات
بین المللی منتج به تشکیل دولت ملی

مرکزی در دمشق، و دیگری، خودگردانی کردها در شمال شرق. اولی مسئولیت دفاع، سیاست خارجی و امور مالی را بر عهده خواهد داشت، در حالی که دومی مسئولیت مدیریت مناطق تحت کنترل کردها در سوریه را بر عهده خواهد داشت که مانند عراق، کنترل بخشی از منابع نفت و گاز این کشور را در دست دارد. با توجه به این سناریو، این احتمال وجود دارد که کردها نیروهای مسلح خود را مانند پیشمرگه حفظ کنند. این احتمال وجود دارد که کشورهایی مانند ایران و عراق، استقرار خودمختاری کردها را به عنوان یک خطر تلقی کنند، اما این امر مورد تأیید ایالات متحده، اسرائیل و احتمالاً روسیه است. در این سناریو، سیستم حکومتی آینده در سوریه فدرال خواهد بود و به موازنه بین دولت دمشق و مناطق کردی

سوم جدا از نوع برخورد گروه‌های موجود در دمشق، برخی صاحب‌نظران معتقدند حکومت‌هایی از جنس دولت اسد که فرهنگ سیاسی مشارکتی در آن‌ها شکل نگرفته بود، عوامل لازم را برای ایجاد و ساختن یک حکومت دموکراتیک از بین می‌برند، بنابراین بسترها و عوامل داخلی لازم برای تشکیل دولت مرکزی در سوریه اکنون وجود ندارد. با اینکه سازوکارهای اجرایی و انتقالی به بوروکرات‌های دوره اسد سپرده شده است، اما از گروه‌هایی که اکنون در دمشق گردهم آمده‌اند و بسیاری از اعضای آن‌ها که فرهنگ سیاسی بدوی دارند، انتظار تشکیل ساختار رسمی دولتی و همکاری در تشکیل آن را نمی‌توان داشت.

سناریوی دوم: مدل نظام سیاسی در عراق

این مدل تشکیل دو دولت در سوریه واحد را فرض می‌کند: یکی، دولت



دست می یابد. این شامل هر دو انتخابات محلی و فدرال خواهد بود. این مدل امکان تقسیم کشور به مناطقی با درجه ای از خودمختاری را فراهم می کند و اختیاراتی را برای مدیریت امور و در عین حال حفظ اختیارات دولت مرکزی برای رسیدگی به امور حاکمیتی فراهم می کند.

سناریوی سوم: سیستم حکومتی به سبک طالبان در افغانستان

این سناریو فرض می کند که تحریر الشام که در ابتدا بر اساس یک ایدئولوژی جهادی - سلفی در زمانی که جبهه النصره شناخته می شد، پایه گذاری شده و ممکن است از یک حکومتی مشابه آنچه توسط طالبان در افغانستان اجرا می شود، پیروی کند. بین زمینه های کنترل و ویژگی های ایدئولوژیک هر دو مورد شباهت هایی وجود دارد. این سناریو

با حرکت تحریر الشام و سایر نیروهای همسو به سمت شکل دادن به آینده کشور به صورت دولت واحد و مرکزیت قوی

ترسیم می شود. این امر می تواند به این منجر شود که احمد الشراع، رهبر HTS، رئیس جمهور آینده سوریه شود و اعضای این گروه هسته اصلی ارتش آینده سوریه را تشکیل دهند. یک نظام حکومتی بر اساس قوانین شریعت ایجاد خواهد شد که نیروهای اسلام گرا کنترل آن را بر عهده می گیرند و قانون اساسی منعکس کننده ارزش های اسلامی را تهیه می کنند. این سناریو مستلزم کنترل این نیروها بر مناطق اقلیت، به ویژه مناطق علوی و مناطق تحت کنترل کُردهاست.

این سناریو شبیه فضای دولت اسد، اما با محوریت سنی ها است. در واقع اگر در دولت اسد علوی ها محوریت قدرت بودند، در وضعیت جدید قدرت تمام عیار در دست سلفی ها خواهد بود. در صورت



اقلیت‌ها جناح‌های مسلح خود را دارند. علاوه بر این، افسران و رهبران علوی رژیم گذشته شورش‌های احتمالی را علیه قدرت انتقالی به راه انداخته‌اند تا پیشرفت آن را مختل کنند و چالش‌های امنیتی و سیاسی را ایجاد کنند. این بدان معناست که تحریر الشام در اجرای یک دولت متمرکز در سراسر سوریه با چالش‌های جدی مواجه است که در صورت تحقق، در برابر حوادث امنیتی طاقت‌فرسا و پرهزینه آسیب‌پذیر خواهد بود. تأکید این سناریو بر توزیع جغرافیایی اقلیت‌هاست که توسط قدرت‌های خارجی حمایت می‌شوند. در حالی که ترکیه از دولت انتقالی حمایت می‌کند، ایالات متحده از خودگردانی کردها در شمال شرق حمایت می‌کند. در همین حال، روسیه، ایران، حزب‌الله و عراق از علوی‌ها و بقایای رژیم گذشته حمایت می‌کنند و

تشکیل چنین دولتی، سوریه در میان‌مدت و درازمدت با بحران‌های مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع روبه‌رو خواهد بود. از آنجا که قدرت و سیاست در سوریه اسد، به شدت قومی و مذهبی بوده، دولت سلفی مشروعیت قانونی لازم را در بین تمامی اقوام و مذاهب سوریه نخواهد داشت. این عدم مشروعیت عدم مشارکت مردم در نواحی مختلف از جمله شیعیان و دروزی‌ها را محتمل می‌کند، بنابراین باعث می‌شود قدرت این دولت در این مناطق نافذ نباشد که نتیجه آن حاکمیت سیاست یک‌جانبه و زور است.

سناریوی چهارم: مدل کنفدرال امنیت‌محور

این سناریو فرض می‌کند که سیستم حکومتی در سوریه به سمت تجزیه کشور بر اساس پایگاه‌های جغرافیایی، امنیتی، فرقه‌ای و قومی حرکت خواهد کرد. هنوز در میان اقلیت‌ها، از جمله علوی‌ها، دروزی‌ها و کردها، نسبت به جهت‌گیری تعیین‌شده توسط نیروهایی که صحنه را کنترل می‌کنند، تردید وجود دارد. هر یک از این



اسرائیل نیز به دنبال ایجاد کانال‌های ارتباطی با جامعه دروزی در سوریه است.

در مجموع ابزار فشار ایالات متحده شامل تحریم‌های اقتصادی و حضور نظامی در سوریه به همراه نیاز دمشق به سرمایه‌گذاری اروپایی و عربی و بودجه برای بازسازی و توسعه، قدرت انتقالی را وادار می‌کند تا خواسته‌های این بازیگران را در مسیر ترسیم آینده در نظر بگیرد. این سیستم حکومتی به ویژه با توجه به بازگشت پناهندگان می‌تواند با شکل دیگری از فشار بر مقامات در نتیجه افزایش جمعیت و بار اقتصادی مواجه شود. این سناریوها برای آینده نظام سیاسی سوریه و اشکال احتمالی آن مستلزم ثبات پایدار است که چالشی پیچیده و بزرگ برای دولت انتقالی تلقی می‌شود. مدیریت چشم‌انداز آینده با حساسیت‌های متعددی همراه است که می‌تواند هر لحظه سوریه را به وضعیت هرج و مرج، خلأ قدرت و تقسیم‌بندی جغرافیایی، قومی و فرقه‌ای سوق دهد. علی‌رغم اجماع ضمنی منطقه‌ای و بین‌المللی بر ضرورت ایجاد ثبات در سوریه، خطرات مرتبط با روند انتقالی قدرت

ممکن است پیامدها و هشدارهای متعددی را به دنبال داشته باشد؛ به ویژه در مورد توافقات تاکتیکی بین نیروهای مسلح و سیاسی سوریه که هنوز به سطح یکپارچگی استراتژیک از نظر هدف و ساختار نهادی نرسیده‌اند.

سناریوی پنجم: بالکانیزاسیون سوریه

این سناریو به معنای تقسیم سوریه به کانتون‌ها و مناطق کوچک و به عبارت دیگر بالکانیزه شدن آن است. تجزیه سوریه مسئله‌ای جدید نیست و بارها مطرح شده است. اولین بار در دوران قیومیت فرانسه مطرح و با شکست مواجه شد. دومین بار طرح خاورمیانه جدید و بار سوم در بحران فعلی که به تشکیل شماری مناطق خودمختار غیررسمی در سوریه منجر شده که در کنار توازن قدرت بین جریان‌های درگیر و مهار یکدیگر باعث تعمیق شکاف‌های داخلی و افزایش واگرایی



سناریوی ششم: سناریوی فروپاشی

این سناریو یک درجه بالاتر از تجزیه سوریه و در ادامه همان است. سناریوی فروپاشی به معنای وضعیت جنگ همه علیه همه است. در این شرایط شاهد شروع دوباره جنگ داخلی و درگیری مجدد گروه‌های تروریستی در این کشور خواهیم بود که در نهایت به فروپاشی کامل یا ایجاد یک دولت ناتوان (Failed State) منجر خواهد شد. در این سناریو چند نکته مهم است؛ نخست اینکه آیا گروه‌هایی که اکنون در دمشق حضور دارند موفق به برقراری امنیت در پایتخت و سایر شهرها خواهند شد تا از ایجاد خلأ و هرج و مرج قدرت جلوگیری کنند یا نه؟ دوم، ائتلاف گروه‌های افراطی حاکم بر دمشق به رهبری تحریر الشام تا چه حد و با چه سرعتی می‌تواند کنترل خود را بر کل کشور گسترش دهد و ثبات لازم برای تشکیل دولت را باز یابد. تمایل مردم در سراسر سرزمین سوریه برای پذیرش این گروه حائز اهمیت است. سوم اینکه آیا ائتلاف هیئت تحریر الشام پس از برکناری دولت بشار اسد همچنان ادامه خواهد داشت یا خیر؟ طبیعتاً

شده است. در صورت تحقق این سناریو بر مبنای مذهب و قومیت، می‌توان بخش‌های علوی‌نشین، سنی‌نشین، کردنشین و دروزی‌نشین را برای سوریه متصور بود. علوی‌ها بیشتر در غرب سوریه حضور دارند و جمعیت‌شان بین ۳ تا ۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. سنی‌ها نیز مناطقی که از شمال غرب تا مرز عراق کشیده شده از جمله حلب را کنترل خواهند کرد. دروزی‌ها در جنوب شرقی مسلط خواهند شد. شمال شرق نیز که منطقه سنتی کردنشین‌ها است ممکن است نوعی از اتحاد با کردستان عراق را به دنبال داشته باشد. این سناریو یکی از محتمل‌ترین سناریوها و در راستای منافع غرب است تا سوریه به دلیل وجود فرقه‌ها و اقوام مختلف، عدم شکل‌گیری دولت-ملت، شکاف اجتماعی گسترده و درگیری‌های قومی-مذهبی نتواند انسجام خود را حفظ کند. تحقق این سناریو درگیری گروه‌های قومی و مذهبی با حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را درون خود خواهد داشت.

اگر هیئت تحریر الشام نتواند ائتلاف خود را در دوره انتقالی استمرار بخشند، هرج و مرج حاکم را سامان دهی و سایر گروه‌ها را به همکاری ترغیب کند، این سناریو دور از ذهن نخواهد بود. چهارم، میزان نقش آفرینی و تمایل قدرت‌های منطقه‌ای بر تشکیل یا عدم تشکیل دولت ملی در سوریه در این سناریو تأثیرگذار است. سرعت تحولات سوریه و بازیگری قدرت‌های خارجی به هر یک از این سناریوها تا حدودی قابلیت تحقق می‌دهد.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی‌های اسرائیل، ترکیه، آمریکا و مخالفین داخلی برای سرنگونی بشار اسد، عدم حمایت اکثریت مردم از حکومت سوریه، تحریم‌ها و اوضاع بد اقتصادی سوریه و نداشتن توان مالی کافی برای اداره ارتش و نیروهای امنیتی و دستگاه‌های اداری موجب سرنگونی بشار اسد و تغییر نظام در سوریه شد.

چرایی و چگونگی سقوط بشار اسد

سناریوهای احتمالی در قبال تحولات

سوریه همگی عدم قطعیت دارند نمی‌توان به طور قطع و یقین درباره وقوع آن‌ها سخن گفت. یکی از سناریوها این است که دولت مرکزی در سوریه شکل بگیرد که بتواند بر کل این کشور حاکمیت کند که البته در این زمینه تعارضاتی میان گروه تروریستی تحریر الشام و دیگر گروه‌های سوری دیده می‌شود و اختلافات درونی ممکن است موجب عدم نتیجه‌بخشی این سناریو شود. سناریوی دوم که سناریوی خوش‌خیم تحولات سوریه است به شکل گیری فدرالیسم مشابه عراق و یا لبنان در سوریه منجر خواهد شد. اما سناریوی سوم که سناریوی بدخیم سوریه است تجزیه این کشور به چند پاره و همچنین ادامه تجاوزات رژیم صهیونیستی به داخل سوریه است که این کشور را در وضعیت بسیار بدی قرار می‌دهد. مدل کنفدرال امنیت‌محور، بالکانیزاسیون سوریه، سیستم حکومتی به سبک طالبان در افغانستان از دیگر سناریوهای محتمل می‌توان نام برد.

زندگی محبت پرانہ

مکتبۂ اقبال

مسیح کردستان

سبک زندگی مجاهدانه شهید محمد بروجردی
فرمانده قرارگاه حمزه سید الشهداء



شهید محمد بروجردی در سال ۱۳۳۳ در روستای «دره گرگ» از توابع شهرستان بروجر، در خانه‌ای محقر اما مصفا به عشق و نور الهی و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به دنیا آمد.

در پنج سالگی پدرش را از دست داد و مادرش با همه مشکلات و سختی‌هایی که وجود داشت، تمامی هم و غم خود را برای تربیت وی به کار بست.

در هفت سالگی وارد مدرسه شد

اما به دلیل شرایط مادی خانواده، تحصیل در کلاس‌های شبانه توأم با کار و تلاش روزانه را انتخاب کرد و خانواده را در تأمین زندگی شرافتمندانه، مدد رساند.

در هفده سالگی ازدواج کرد و چندی بعد به خدمت سربازی فراخوانده شد، اما چون مخالف خدمت در نظام ستم‌شاهی بود، از خدمت سربازی گریخت و برای دیدار حضرت امام ره راهی عراق شد، ولی در مرز دستگیر و به مدت شش



ماه، روانه زندان شد.

او ضمن ارتباط با شخصیت های اسلامی و انقلابی، علاوه بر خودسازی و کسب فیض، به بعضی از امور مربوط به انقلاب، همچون تکثیر و توزیع اعلامیه ها و نوارهای سخنرانی حضرت امام علیه السلام اشتغال داشت.

چندی بعد به همراه چند تن دیگر از مبارزان به سوریه و لبنان رفت و با شهید چمران و شهید محمد منتظری آشنا شد و به فراگیری مسائل نظامی پرداخت.

پس از قیام ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ در قم با اخذ مجوز شرعی از برخی علما و روحانیون پیرو حضرت امام خمینی علیه السلام، عملیات نظامی علیه رژیم را شروع کرد و تا زمان پیروزی

انقلاب اسلامی بی وقفه به مبارزات خود ادامه داد.

برخی از اقدامات او عبارت اند از:
- مبارزه جدی و عملی علیه حضور امریکا در کشور؛
- خلع سلاح قرارگاه پلیس (تهران)؛

- عملیات نظامی ۱۵ خرداد ۱۳۵۷؛

- انفجار در نیروگاه برق و کاخ جوانان منطقه شوش؛
- خلع سلاح کلانتری ۱۴ در میدان خراسان؛

- شرکت در آزادسازی پادگان جمشیدیه و رادیو تلویزیون.

هنگامی که بازگشت حضرت امام خمینی علیه السلام به ایران حتمی شد، شهید محمد بروجردی به عنوان مسئول

مظلوم آیت الله بهشتی و حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی به وی سپرده شد.

وی در کردستان تمام حرکات ضدانقلاب را به عنوان فرمانده عملیات زیر نظر داشت. در جریانات پاوه، درگیری سنجندج و حوادث دردناک شهرهای کردستان همواره یک‌ه‌تاز مقابله با ضدانقلاب بود و شهرها یکی پس از دیگری با دلاوری های محمد بروجرودی و یارانش آزاد شد.

او که در این مدت با تشکیل یک ستاد عملیاتی در شمال غرب، فرماندهی پاسداران و بسیجیانی را که به کردستان می رفتند برعهده گرفته بود، موفق شد تا اکثر مناطق آلوده را پاک سازی کند.

شهید محمد بروجرودی پس از شهادت شهید کاظمی و شهید گنجی زاده مستقیماً فرماندهی عملیات بسیار سخت و صعب العبور مسیر پیرانشهر و سردشت را به عهده گرفت و شجاعانه در کنار رزمندگان اسلام لرزه بر اندام ضدانقلابیون انداخت.

شهید بروجرودی با فعالیت های مخلصانه ای همه را معجذب خود

حفاظت حضرت امام از طرف شهید بهشتی و شهید عراقی انتخاب شد و در طول مسیر با عشق و علاقه ای قلبی به این کار مبادرت ورزید و در مدرسه رفاه نیز در آن دوران حساس، به عنوان مسئول حفاظت، ایفای نقش نمود.

وی پس از مدتی سرپرستی زندان اوین را به عهده گرفت و چندی بعد او یکی از دوازده نفری بود که در خدمت حضرت آیت الله خامنه ای (عظله) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بنیانگذاری کردند.

شهید بروجرودی در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمانی که عوامل داخلی ابرقدرت ها، فتنه و آشوب را در مناطق کردنشین به راه انداختند، با فرمان تاریخی حضرت امام مبنی بر مقابله و سرکوب ضدانقلاب، عازم پاوه شد. پس از تصویب طرح تشکیل سازمان پیشمرگان کرد مسلمان، مسئولیت این کار از طرف شهید





قدیمی بود و محمد آن را به عنوان یادگار از پدر برداشت و تا آخر عمر، با خودش نگه داشت.

- شانزده ساله که شد، همه اش از امام خمینی* می گفت. امام خمینی* همه چیز او بود. به خاطر او، خود را به هر آب و آتشی می زد. یک روز صاحب کار او گفت: «به این محمد آقا بگویید این قدر از آقای خمینی حرف نزنه. من می دونم که آخرش اون یک روز با این حرف هاش ما رو بدبخت می کنه و ساواکی ها رو می کشونه اینجا.» موضوع را با محمد در میان گذاشتند. محمد گفت: «غیر ممکنه که من از راهی که در پیش گرفته ام، یک قدم عقب نشینی کنم!»
- پیش از اینکه به سن بلوغ برسد، نماز خواندن را آغاز کرد. قبلاً من نماز خواندن او را ندیده بودم؛ اما یک

کرده بود. خبر شهادتش، تمامی رزمندگان مستقر در منطقه را آن چنان متقلب کرد که گویی پدر خویش را از دست داده اند.

سرانجام محمد بروجردی اول خرداد ۱۳۶۲ در حالی که با عده ای دیگر از هم رزمانش در مسیر جاده مهاباد - نقده حرکت می کردند بر اثر انفجار مین به آرزوی دیرینه اش رسید و به فوز عظیم شهادت نایل آمد.

سبک زندگی

- پدر همه چیز محمد بود؛ هم پدر بود هم سایه سر؛ پدری که فداکاری و ایمانش مثال زدنی بود؛ اما دوران با او بودن دوامی نداشت. هنوز محمد پنج ساله بود که او را از دست داد و تنها چیزی که از او برای محمد به یادگار ماند، یک خاطره شیرین بود و یک جلد کتاب دعا. این کتاب،

وقت متوجه شدم که او رو به قبله ایستاده است و دارد نماز می خواند. با خودم گفتم: «شاید این بار اتفاقی داره نماز می خونه!» اما بعد که دقت کردم، دیدم نه، دیگر به طور مرتب نمازهایش را می خواند و در هیچ

- یک روز محمد درآمد که: «می خوام ازدواج کنم!» گفتم: «به سلامتی. حالا بگو طرف کیه؟ من چیکار باید بکنم؟ آستین ها رو باید بالا بزنم دیگه!» خندید و گفت: «نه داداش! صحبت این حرف ها نیست.



شرایطی نمازش ترک نمی شود. بعدها که کمی که بزرگ تر شد، در پی آن بود که تا برای خود، یک مرجع تقلید انتخاب کند. به او گفتم که باید سعی کنیم تا شایسته ترین فرد را برای این امر بشناسیم و در حال حاضر، مجتهد اعلم آیت الله خمینی رحمته الله علیه است؛ کسی که به خاطر مخالفت با سیاست های شاه از ایران تبعید شده است و الان در عراق به سر می برد. از آن پس محمد رفت و تحقیق کرد، تا اینکه یک روز آمد و گفت: «من حرفت را پذیرفتم.»

طرف از خودمونه. من می خوام فقط یک واجب شرعی رو بجا بیارم.» گفتم: «ما که حرفی نداریم. مبارک باشه.» گفتم: «می خوام یک جشن ساده بگیرم که کسی متوجه نشه.» گفتم: «حالا طرف کیه؟» گفت: «دختر خاله مون!»

خانه خاله ما آن موقع توی مسگرآباد بود. شب عروسی چند نفر جمع شدیم و رفتیم. هفت هشت نفری می شدیم. «آقا عبدالله» هم با ما بود؛ همان که به محمد درس اصول عقاید می داد. آنجا هنوز برق

- قبل از انقلاب،
در یک کارگاه خیاطی
کار می کرد. در آن
کارگاه کوچک هم
توانسته بود وحدت و
یکپارچگی ایجاد
کند. با توجه به اینکه
عده ای سنی و عده ای



شیعه بودند، برای همه شان سخنرانی
می کرد و نصیحت شان می کرد. احمد
ترشیچی از کارکنان آنجا بود. یکی از
روزها، برای کاری با موتور به خانه
می رود. تصادف می کند و
گوشت های پایش در قسمت ران، از
بین می رود و نیاز به عمل جراحی
پیدا می کند. بیمارستان هفت هشت
هزار تومان برای بستری کردن او طلب
می کند. او هم وضع مالی خوبی
نداشت. شهید بروجردی از جریان
باخبر می شود و پیش استادکارش
می رود که آن موقع یک سرمایه دار به
حساب می آمد. مبلغ را درخواست
می کند؛ ولی او می گوید من این پول
را نمی دهم. شهید بروجردی در یک
جمله می گوید: «بچه ها برویم!» همه
۲۵ نفر کارگر کارها را را می کنند و

نداشت. غذای مختصری درست
کردند و یک چراغ زنبوری یک گوشه
و یک چراغ دستی در گوشه ای دیگر.
شام که خورده شد، مهمان ها با
صلوات، بلند شدند و رفتند. وقتی
همسایه ها دیدند که عروسی به این
سادگی برگزار شد، می خواستند از
تعجب شاخ در بیاورند!

- روزهای فعالیت محمد بود که
یک روز او را دیدم، آمد مغازه در
حالی که پیراهن سفیدش خونی بود.
علت را پرسیدم. گفت: «داشتم با
موتور از خیابان نظام آباد رد می شدم
که یکی رو دیدم به دنبال یک دختر راه
افتاده و مزاحم او شده و قصد آزارش
را داره. خونم به جوش اومد. این
لکه های خونی رو که می بینی، نتیجه
درگیری با اونه!»^۱

نشده بود. فردا جلسه ای گذاشتیم تا در آن جلسه مشخص شود که این بمب را روی چه ساعتی باید تنظیم کنیم؛ اما پیش از اینکه ساعت انفجار مشخص شود، محمد گفت: «دست نگه دارین تا من با پاریس تماس بگیرم، بینم نظر آقا در این باره چیه؟» تماس گرفت. امام * مخالفت کردند. ایشان فرمودند: «این کار رو نکنین؛ چون ممکنه از دوستان انقلاب کسی در اونجا باشه و توی این حادثه از بین بره.» محمد سراسیمه آمد که باید هرچه زودتر بمب را برداریم. به آن سرباز اطلاع دادیم. رفت و بمب را از پادگان خارج کرد. بعدها متوجه شدیم که شهید کلاهدوز همان زمان در پادگان حضور داشت و اگر آن بمب منفجر می شد، حتماً ایشان کشته می شدند.

- شهید حاج ابراهیم همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ که زمانی هم فرمانده سپاه پاوه بود می گفت: «موقعی که مشکلات به من زیاد فشار می آورد، می رفتم پیش بروجردي که مشکلاتم را بیان

از در کارگاه بیرون می آیند که استادکار با خواهش آن ها را نگه می دارد و پول را هم به شهید بروجردي می دهد. اوایل انقلاب هم شهید بروجردي پول را به استادکار برمی گرداند.^۱

- سه روز به پایان خدمتش مانده بود. یک روز مرا دید و گفت: «می خوام یک مرکز مهم رو منفجر کنم.» برنامه ها تنظیم شد. محمد یک بمب بزرگ درست کرد. یک روز سربازی که با آن ها همکاری می کرد، مأمور شد که این بمب را توی پادگان لویزان کار بگذارد. بمب هنوز تنظیم



۱. ر.ک. بیژن قفقازی زاده، فرمانده سرزمین قلب ها، تهران، کنگره بزرگداشت سرداران شهید استان تهران و وزارت فرهنگ و ارشاد

کنم. او چند دقیقه ای با من صحبت می کرد. حرف های او چنان در من اثر می کرد که من همه اون مشکلات رو فراموش می کردم و با یک انرژی فوق العاده، دوباره بلند می شدم می رفتم فعالیتیم را از سر می گرفتم.»

- توی درگیری های شهر سنندج، مقداری بیسکویت و شکلات می گرفت دستش و به مردم تعارف می کرد و می گفت: «از این بیسکویت ها و شکلات ها به همراه خود داشته باشین؛ چون شهر در محاصره است و ممکنه مدتی آذوقه به شما نرسه.»

- درگیری در تمام شهر سنندج ادامه داشت و کسی جرئت بیرون آمدن از خانه را نداشت؛ زیرا بیرون آمدن از خانه همان و کشته شدن همان. تنها صدایی که در شهر به گوش می رسید، صدای گلوله بود. در این گیر و دار به شهید بروجردی خبر دادند که در نقطه ای از شهر، زن حامله ای در حال وضع حمل است و انتقال او به بیمارستان ممکن نیست.

شهید بروجردی با همان سر و صورت غبارگرفته، نشانی آن زن را گرفت و بی درنگ سوار ماشین شد و خودش را به آنجا رساند. زن درد

می کشید. شهید بروجردی با کمک اطرافیان زن، او را سوار ماشین کرد و به بیمارستان انتقال داد و پس از اطمینان خاطر از وضعیت زن، به مقر برگشت.

- همه عشقش خدمت بود. همه عشقش کردستان بود. به تنها چیزی که اصلاً فکر نمی کرد، مقام و مسئولیت بود. بارها می شد که از او خواهش می کردند که برگردد تهران و مسئولیتی را بپذیرد؛ ولی او می گفت: «من حاضرم به عنوان یک نیروی عادی در کردستان خدمت کنم؛ ولی به عنوان مقام مسئول به تهران نیام.»

وقتی که در کردستان بود، اغلب شب ها در خانه های مردم گُرد می خوابید و روزها به آنان سرکشی می کرد و به درد دل شان گوش می داد. بارها می گفت: «آن کسی که مردم کردستان را دوست داشته باشه، می تونه در کردستان کار کنه. من به این مردم محروم و ستمدیده علاقه دارم و تا زنده هستم، در کردستان می مونم!»

- او آن قدر به حضرت امام (ع) علاقه داشت و نسبت به شخصیت ایشان احترام قائل بود که هرگاه حضرت امام (ع) در تلویزیون ظاهر می شدند،

با خمپاره و دیگر سلاح های نیمه سنگین، به شدت می کوبید. تحمل آن آتش سنگین و پرحجم بسیار مشکل به نظر می رسید. در آنجا بود که به شهامت شهید بروجردی پی بردیم؛ خمپاره که می آمد تقریباً همه بچه ها درازکش می شدند و یا به این سو و آن سو می گریختند، اما او بی هراس در زیر آتش دشمن راه می رفت و خم به ابرو نمی آورد.

- برای شهید بروجردی نقل می کردم که فلان کس در مورد شما فلان نظری دارد و... ایشان احساس کرد که پای غیبت به میان آمده، دیگر مهلت نداد و گفت: «دیگر ادامه نده! با آنکه می دانم غرضی جز خیرخواهی نداری...». بعد هم استغفار کرد و گفت: «ان شاء الله خداوند از سر تقصیرات ما و ایشان بگذرد. ایشان مرد عزیز و بزرگواری است...».

- شهید بروجردی درس افتادگی و تواضع را از معلم روزگار، خمینی کبیر^ع، آموخته بود. هر موقع که بچه ها از او سؤال می کردند که آیا شما هم محافظ امام^ع بوده ای؟ او سکوت اختیار می کرد و می گفت:

دو زانو مقابل تلویزیون می نشست و تمام هوش و حواس خود را متوجه ایشان می کرد. از مواردی که شهید بروجردی ناراحت می شد، وقتی بود که کسی در موقع سخنرانی حضرت امام^ع گوش به حرف های ایشان نمی داد و یا پایش را دراز می کرد.^۱

- بیست و چند روز درگیری و تحمل جنایات ضد انقلاب، مردم مبارز و نستوه اهل سنندج را به ستوه آورده بود. با شروع پاک سازی شهر و تمام شدن درگیری ها، مردم مسلمان شهر، - به خصوص افراد اهل سنت - شهید پیروزی و رهایی از جور ضد انقلاب را که چشیدند، دسته دسته، پیر و جوان، مرد و زن، به پادگان مراجعه می کردند و سراغ برادر بروجردی را می گرفتند.

رفتار اسلامی و پیغمبرگونه برادر بروجردی آن ها را بر این باور رسانده بود که او دلسوز آنان است و یقین داشتند که با وجود ایشان، مردم کردستان می توانند از نعمت نظام جمهوری اسلامی بهره مند باشند.

- تازه شهید بروجردی وارد سقز شده بود و اطراف شهر هنوز در چنگ ضد انقلاب بود. دشمن مرکز سپاه را

۱. ر.ک. علی اصغر نصرتی، همان.

سعی کنند توده مردم را که عاشق انقلاب هستند، از نظر اعتقادی و سیاسی آماده کنند تا بتوانند کادرهای صادق انقلاب را شناسایی کنند و عناصری را که جریان های انحرافی دارند بشناسند که شناخت مردم، در تداوم انقلاب حیاتی است. اصل مقاومت و پایداری - همان طور که امام علیه السلام فرمودند - نباید فراموش شود که بیم آن می رود زحمات شهدا به هدر رود؛ اگرچه آن ها به سعادت رسیدند، اما این ما هستیم که آزمایش می شویم.»



«این حرف ها دردی دوا نمی کند. دعا به جان امام علیه السلام کنید و سعی داشته باشید به نمازهای یومیه تان دعا و نماز برای حفظ جان امام علیه السلام اضافه کنید.»^۱
- پیکر شهید بروجردی را که از هواپیما بیرون آوردند، تعدادی از برادران در حالی که هر یک شیشه ای گلاب در دست داشتند، به بالای سرش آمدند تا بر تن شهید بروجردی گلاب بپاشند؛ اما پیش از اینکه آنان دست به اقدامی بزنند، یکی از آن میان گفت: «برادران! من فکر نمی کنم که پیکر شهید بروجردی نیاز به گلاب داشته باشد؛ زیرا از پیکر این شهید بزرگوار رایحه بهشت را احساس می کنم! می گوئید نه، خودتون بو کنید!»

همه کسانی که گرداگرد پیکر شهید جمع شده بودند، پیکرش را بویدند. او درست می گفت؛ واقعاً جسم بی جان شهید بروجردی، در آن لحظه، بویی بهشتی می داد و لبانش همچنان در تبسم بود.^۲

گزیده ای از وصیت نامه شهید:

«... وصیتم به برادران این است که

۱. ناشران استان قم، ۱۳۷۶.
۲. ر.ک. علی اصغر نصرتی، همان.

۱. ر.ک. عباس اسماعیلی، مسیح کردستان، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب علیه السلام و شرکت تعاونی

پرسش‌های مسابقه غیر حضوری

۱. بر اساس روایت امام باقر^{علیه السلام} و امام صادق^{علیه السلام}، خداوند در مقابل شهادت امام حسین^{علیه السلام}، چه

ثواب و پاداشی برای حضرت مقرر داشت؟

(الف) استمرار امامت در فرزندان امام حسین^{علیه السلام}

(ب) اجابت دعا در نزد قبر سیدالشهدا^{علیه السلام}

(ج) محسوب‌نشدن ایام زیارت زائرین حضرت از عمر آن‌ها

(د) همه موارد

۱. کدام یک از گزینه‌های زیر جزو شرایط قیام در زمان غیبت نیست؟

(الف) داشتن آگاهی و علم کافی

(ب) نیت انگیزه احقاق حق و احیای دین

(ج) محل اجماع و اجتماع بودن

(د) داشتن حمایت کامل نظامی

۲. کدام عبارت درست است؟

(الف) قیام در زمان غیبت به طور مطلق ممنوع است.

(ب) قیام در زمان غیبت تنها برای معصومین^{علیهم السلام} مجاز است.

(ج) قیام در زمان غیبت برای افراد غیر معصوم با شرایط خاص مجاز است.

(د) قیام در زمان غیبت تنها با اجازه فقها و علمای زمان امکان‌پذیر است.

۳. برای حل تعارض بین دو دسته روایات موافق و مخالف حکومت، کدام روش مناسب است؟

(الف) ترجیح اهم بر مهم

(ب) ترجیح در صورت وجود مرجحات

(ج) جدید و متاخر بودن

(د) توقف و عدم اقدام

۴. این بیان از کدام شخصیت است: «ما اصلاً برای خدمت به مردم آمده‌ایم. فلسفه وجود ما

خدمت به مردم است.»

(الف) شهید بهشتی^{علیه السلام}

(ب) شهید مطهری^{علیه السلام}

(ج) امام خمینی^{علیه السلام}

(د) امام خامنه‌ای^{علیه السلام}

۵. منظور از همدلی در تعامل با دیگران و همکاران در سازمان چیست؟

- (الف) تلاش برای تغییر، بهبود و تقویت احساسات دیگران
- (ب) درک احساسات دیگران و قرار دادن خود به جای آن‌ها
- (ج) ارائه راه حل‌های عملی برای مشکلات دیگران
- (د) همدردی با دیگران در مسائل و مشکلات

۶. بر اساس حدیث امام علی علیه السلام، راست‌گو به خاطر صداقتش چه چیزهایی را به دست می‌آورد؟

- (الف) محبت، قدرت و شهرت
- (ب) حسن اعتماد، محبت و ایهت
- (ج) علم، دانش و حکمت
- (د) سلامتی، طول عمر و آرامش

۷. منظور از «تعاون مخرب» در قرآن چیست؟

- (الف) تعاون بر اثم
- (ب) تعاون بر عدوان
- (ج) تعاون در یاری باطل
- (د) گزینه الف و ب

۸. کدام یکی از موارد زیر جزو ابزارهای تربیت دینی کودکان نیست؟

- (الف) داستان‌های آموزنده
- (ب) رفتارهای مذهبی جمعی
- (ج) استدلال منطقی با ادراک مخاطب
- (د) استفاده از ضرب المثل

۹. دوره کودکی از نظر تربیت دینی چه ویژگی‌هایی دارد؟

- (الف) دوره استقلال طلبی کودک از والدین است.
- (ب) دوره وابستگی و اعتماد کامل کودک به والدین است.
- (ج) دوره بی تفاوتی کودک نسبت به رفتار والدین است.
- (د) دوره کاهش اثربخشی کودک از والدین است.

۱۰. کدام گزینه در مورد ارتباط کودک با والدین در دوره کودکی صحیح است؟

- (الف) کودک با والدین تنها در بُعد کلامی است.
- (ب) ارتباط کودک با والدین در ابعاد پنهان، آشکار، کلامی و غیرکلامی است.
- (ج) ارتباط کودک با والدین تنها در بُعد عملی است.
- (د) گزینه الف و ج.

۱۱. کدام مورد جزو تبعات و پیامدهای منفی عدم حل صحیح و مؤثر اختلافات خانوادگی به حساب می‌آید؟

(الف) فرزندآوری مشکل ساز و آسیب به کودکان

(ب) کاهش اعتماد به نفس و خودباوری

(ج) افزایش طلاق و جدایی

(د) همه موارد

۱۲. کدام یک از زنان زیر در روایت رسول خدا ﷺ به عنوان برترین زنان اهل بهشت ذکر نشده است؟

(الف) خدیجه بنت خویلد (مادر حضرت فاطمه ؑ)

(ب) فاطمه بنت محمد ﷺ

(ج) فاطمه بنت اسد (مادر امام علی ؑ)

(د) آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون)

۱۳. بر اساس روایت وارده از امام باقرؑ خواندن کدام سوره‌ها در روز جمعه در نماز صبح و ظهر

و عصر سنت است؟

(الف) یس و جمعه

(ب) منافقون و یس

(ج) جمعه و منافقون

(د) جمعه و یس

۱۴. معنای دقیق و صحیح واژگان «الْأَمَّيْنَيْنِ - أَشْقَارًا» کدام است؟

(الف) کتاب‌ها - درس‌نخوانده‌ها

(ب) درس‌نخوانده‌ها - کتاب‌ها

(ج) بی‌سوادان - نوشته‌ها

(د) نوشته‌ها - بی‌سوادان

۱۵. کدام گزینه جزو ادله قاعده و وجوب حفظ نظام نیست؟

(الف) آیه ۲۱۳ سوره بقره

(ب) آیه ۱۰۵ سوره آل عمران

(ج) آیه ۱۲۶ سوره نساء

(د) سیره امام مجتبیٰؑ در پذیرش صلح با معاویه

۱۶. اگر فردی با مدرک جعلی و یا سندسازی وارد سازمان شود چه حکمی دارد؟

(الف) حرام است.

(ب) کار درستی نیست، اما اگر حقی از کسی ضایع نشده باشد فی نفسه اشکال ندارد.

(ج) نسبت به حقوق دریافتی موجب ضمان است.

(د) گزینه الف و ج.

۱۷. استفاده از وسائل نقلیه بیت المال در امور شخصی مثل: مسافرت خانوادگی، رفت و آمد زن

و فرزند و... از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

(الف) جایز نیست.

(ب) با اجازه مسئول مافوق اشکال ندارد.

(ج) اگر در حد متعارف باشد اشکال ندارد و در غیر آن موجب ضمان است.

(د) تابع مقررات مجموعه است.

۱۸. دلایل اصلی سقوط بشار اسد و تغییر نظام در سوریه چه بود؟

(الف) برنامه‌ریزی‌های اسرائیل، ترکیه، امریکا و مخالفین داخلی برای سرنگونی بشار اسد

(ب) عدم حمایت اکثریت مردم از حکومت سوریه

(ج) تحریم‌ها و اوضاع بد اقتصادی سوریه و نداشتن توان مالی کافی برای اداره ارتش و

نیروهای امنیتی و دستگاه‌های اداری

(د) همه موارد

۱۹. شهید محمد بروجردی از طرف چه کسانی به عنوان مسئول حفاظت حضرت امام خمینی (ع) انتخاب شد؟

(الف) شهید بهشتی و شهید مطهری

(ب) شهید بهشتی و امام خامنه‌ای (ع)

(ج) شهید بهشتی و شهید عراقی.

(د) شهید چمران و هاشمی رفسنجانی

۲۰. این جمله از کدام شخصیت است: «موقعی که مشکلات به من زیاد فشار می‌آورد، می‌رفتم

پیش بروجردی که مشکلاتم را بیان کنم. او چند دقیقه‌ای با من صحبت می‌کرد. حرف‌های او

چنان در من اثر می‌کرد که من همه اون مشکلات رو فراموش می‌کردم و با یک انرژی

فوق‌العاده، دوباره بلند می‌شدم می‌رفتم فعالیتیم را از سر می‌گرفتم.»

(الف) شهید همت

(ب) شهید باکری

(ج) شهید باقری

(د) شهید کاظمی

به نشانی: «<http://www.serajnet.org>» ارسال کنید.

به پنج نفر از کسانی که به پرسش‌ها پاسخ صحیح دهند به قید قرعه هدایایی اهدا می‌شود.

ردیف	الف	ب	ج	د
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				
۱۶				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				

کتابنامه

قرآن کریم.

شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۴.

علی بن الحسین (ع) [امام چهارم]. صحیفه سجّادیّه، قم، الهادی، ۱۳۷۶.
ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

ابن ابی حاتم، محمد. تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، کتابخانه نزار مصطفی، ۱۴۱۹ ق.
ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
_____ . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
_____ . علل الشرایع، قم، داورى، ۱۳۸۵.

_____ . کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. الفتح الباری، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۷۹ ق.
_____ . تعلیق التعلیق، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.

ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد. الصواعق المحرقة، نجف، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۸ ق.
ابن حنبل، احمد بن محمد. مسند، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ ق.
ابن سیده، ابوالحسن مرسى. المحکم والمحیط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰ م.
ابن صباغ مالکی، علی بن محمد. الفصول المهمه فی معرفه الأئمه، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۸ م.

ابن عساکر، علی بن حسن. تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۵ م.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر . تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه و محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، بیروت، دار الفکر- دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
ابن هشام، عبدالملک. السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه.

احسانى، محمد. «تربیت دینی خانواده»، معرفت، ش ۳۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۸، ص ۲۵-۳۴.
اسماعیلی، عباس. مسیح کردستان، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) و شرکت تعاونی ناشران استان قم، ۱۳۷۶.

اسمعیلی چوکلائی، محمد و حشمت الله عباسی. نقش دین در کاهش آسیب های روانی، تهران، مؤسسه روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

- اعلمی، ضیاءالدین. خواص القرآن و فوائد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۰ ق.
امینی، ابراهیم. آیین تربیت، قم، اسلامی، ۱۳۶۸.
انصاری، مرتضی. کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
انوری، حسن. فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
انوشه، سیده طیبه، جهانگیر کرمی و سعید آریاپوران. «مقایسه اثربخشی درمان‌های ذهن آگاهی مبتنی بر تقویت رابطه و هیجان‌مدار بر عملکرد خانواده در زوج‌های با خودافشاگری پایین»، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ش ۶۷، تابستان ۱۴۰۳، ص ۲۱۱-۲۳۷.
آشناور، مهدی. «تعارض در احادیث و روش‌های حل آن»، فصلنامه علوم، قرآن و حدیث، س ۴، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۴۰-۱۷۹.
آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴.
پارسا، محمد. روان‌شناسی تربیتی، تهران، سخن، ۱۳۷۴.
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
ثقفی، ابراهیم بن محمد. الغارات، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
جنتی، مرتضی. سیره اطلاعاتی امیرالمؤمنین امام علی (ع)، تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۹۴.
حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
حجازی، بنفشه. ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۴.
حر عاملی، محمد بن حسن. وسایل الشیعہ، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعہ، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. اجوبه الاستفتائات، تهران، الهدی، ۱۳۸۱.
حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. ولایت فقیه در حکومت اسلامی، مشهد، علامه طباطبائی.
دادسرای انقلاب اسلامی مبارزه با مواد مخدر و منکرات تهران. شیوه‌های صحیح امر به معروف و نهی از منکر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
دشتی، محمد. مسئولیت تربیت، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۰.
رضوان طلب، محمدرضا. اطلاعات در اسلام، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶.
زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق التنزیل وعبون الاقوابل فی وجوه التأویل، تهران، ققنوس، ۱۳۸۹.

زین العابدینی، محمدهادی و کیوان کاکابرای. «اثر بخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین»، تحقیقات علوم رفتاری، س ۲۰، ش ۷۰، زمستان ۱۴۰۱، ص ۷۷۵-۷۸۵.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. الدر المنثور، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

شاد، حامد. «بررسی ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت»، فصلنامه معرفت، س ۲۸، ش ۲۶۳، آبان ۱۳۹۸، ص ۴۳-۵۴.

شریف قرشی، باقر. نظام تربیتی اسلام، تهران، فجر، ۱۳۶۲.
شعاری نژاد، علی اکبر. روان شناسی رشد، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
شمس الهی، نصرت الله. فقه حفاظتی ج ۱ و ۲، تهران، دفتر سیاست گذاری و نظارت راهبردی حفاظت اطلاعات، ۱۳۹۱.

صادقی زمانی، فهمیه و محمدحسین ضرغامی. «تعیین ساختار روابط بین اعضای خانواده بر اساس ویژگی های شخصیتی»، اندازه گیری تربیتی، س ۹، ش ۳۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۸۹-۲۱۱.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

_____. المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

طباطبایی نیا، سیدهادی، عشرت کریمی افشار و میترا کامیابی. «اثر بخشی ذهن آگاهی مبتنی بر شناخت بر کیفیت زندگی و سلامت روان زنان در معرض طلاق مراجعه کننده به مراکز قضایی»، نشریه پلیس زن، ش ۳۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۲۵-۱۴۷.

طبرسی، حسن بن فضل. مکارم الاخلاق، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۴.
_____. مکارم الاخلاق، قم، شریف الرضی، ۱۴۱۲ق.

طبرسی، فضل بن حسن. إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰.
_____. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.

طبری، محمد بن جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷ق.
عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.

عباسی مقدم، مصطفی. نقش اسوه ها در تعلیم و تربیت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

عرشی نیاسر، عباس. مسجد گوهر بی همتا، قم، معروف، ۱۳۸۷.

- علوی، مهتاب، حامد کرمی و سکینه هاشمی. «تأثیر اختلافات خانوادگی بر روحیه و برخورد متقابل کودک در خانواده»، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۹۸-۲۱۳.
- عمادی، عباس. «حفظ نظام»، دسترسی در: <http://pajoohe.ir/>، ۱۸ تیر ۱۳۹۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی. فقه سیاسی، نظام سیاسی و رهبری در اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- فاضل هندی، بهاء‌الدین حسن. کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳.
- فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دار الهجره، ۱۴۱۴ ق.
- قرائتی، محسن. تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
- قفقازی‌زاده، بیژن. فرمانده سرزمین قلب‌ها، تهران، کنگره بزرگداشت سرداران شهید استان تهران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی، ۱۳۷۶.
- قمی، عباس. سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- قیومی، جواد. صحیفه‌الحسین (ع)، قم، اسلامی، ۱۳۷۴.
- کارشناس، علی و محمد محمدپور. احکام اداری - نظامی بر اساس فتاوی امام خامنه‌ای (علیه‌السلام)، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹.
- _____. الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کوچکیان، لیل و عبدالرضا ادهم. «بررسی تأثیر فقر اقتصادی بر روابط عاطفی زوجین (مطالعه موردی: خانواده‌های منطقه ۱۶ تهران)»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ش ۱۸، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۶۳ - ۱۹۹.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف. البیان فی اخبار صاحب الزمان، تهران، دار احیاء التراث، ۱۳۶۲.
- لطفی صباغ، محمد. «اختلافات والدین و تأثیر آن بر روح و روان فرزندان»، نشریه ندای اسلام، ش ۴۷-۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۶۳ - ۶۴.
- مامقانی، عبدالله. تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محدثی، جواد. عشق برتر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

- محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷.
- محمودی، حسین، نسترن پاکراد و علی زاده محمدی، «بررسی اثر آموزش توجه شنیداری - موسیقایی بر میزان گوش دادن فعال و الگوهای ارتباطی زوجین»، خانواده پژوهی، ش ۴، زمستان ۱۳۸۴، ص ۳۵۰-۳۵۷.
- مختاری پور، مرضیه. «اصول، اهداف، روش ها و فنون تربیت دینی»، پاسدار اسلام، ش ۳۷۶، اسفند ۱۳۹۱ و فروردین ۱۳۹۲، ص ۶۳-۶۵.
- مروزی، محمد بن نصر. السنة، بیروت، مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۰۸ ق.
- مکارم شیرازی ناصر و همکاران. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- _____. اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر. مثال های زیبایی قرآن (امثال القرآن)، تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم، نسل جوان، ۱۳۸۲.
- ملک افضل اردکانی، محسن. قاعده حفظ نظام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
- موسوی خمینی، سیدروح الله. استفتائات از محضر امام خمینی (ع)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- _____. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۷۸.
- _____. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۷۸.
- مهدوی کنی، محمدرضا. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- مهدی مقدم امیرحسین و فاطمه کدخدایی. «تأثیر اختلافات خانوادگی و خانواده در افت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان»، پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، س ۵، ش ۵۷، اسفند ۱۴۰۱، ص ۹۶ - ۱۱۰.
- مؤمن قمی، محمد. الولایه الالهیه الاسلامیه او الحکومه الاسلامیه، قم، اسلامی، ۱۴۲۸ ق.
- نائینی، محمدحسین. المكاسب و البیع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، اسلامی، ۱۳۹۴.
- نراقی، احمد. معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۸۱.
- نراقی، مهدی. جامع السعادات، تهران، حکمت.
- نصرتی، علی اصغر. چون کوه باشکوه، تهران، کنگره بزرگداشت سرداران شهید استان تهران، ۱۳۷۷.
- نوری، حسین بن محمدتقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
- واقدی، محمد بن عمر. المغازی، تحقیق مارسدون جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.